



فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

شهر ایرانی اسلامی



فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۷

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سر دبیر: دکتر احمد پوراحمد

معاون سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندری

ویراستار علمی - ادبی: حسین نوری نیا و سپیده سیدفرجی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه علم و فرهنگ
دانشکده هنر



دانشگاه بوعلی سینا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده معماری و شهرسازی



دانشگاه خرمکام

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر مجتبی انصاری
 - دکتر مصطفی بهزادفر
 - دکتر جهانشاه پاکزاد
 - دکتر بهنام جلالی
 - دکتر حسین زمرشیدی
 - دکتر کرامت اله زیاری
 - دکتر محسن سرتیپی پور
 - دکتر حسین کلانتری خلیل آباد
 - دکتر یعقوب محمدی فر
 - دکتر محمد مسعود
 - دکتر احمد نوحه گر
- دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ
استاد دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید رجایی
استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
استاد جهاد دانشگاهی، گروه معماری و منظر
استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
استاد دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت



نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی عصر (عج) و خیابان فلسطین، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر جنوبی،

پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی شماره تماس: ۶۶۹۷۰۹۰۱ - ۲ نامبر: ۶۶۹۷۰۹۰۳

نشانی اینترنتی: iic@icas.ir

پایگاه اینترنتی: <http://iic.icas.ir>



فهرست مطالب

- ۵ آجر و هنر آجرکاری از دوران باستان تا امروز حسین زمرشیدی، علی صادقی حبیب آباد
- ۱۹ بررسی مؤلفه‌های جغرافیایی و محیط‌زیستی در شکل‌گیری شهر میند از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی محسن میرجانی ارجنان، رضا رضالو، کریم حاجی‌زاده، علیرضا سرداری زارچی
- ۲۷ اثرات دگرگونی ساختار برادارک منظر در بافت تاریخی منطقه ۱۲ شهر تهران هادی سلطانی فرد، ایرج قاسمی
- ۳۹ نقش مؤلفه «ایمنی و امنیت» فضاهای شهری در حضورپذیری کودکان؛ مطالعه موردی: محله فاطمی در منطقه ۶ تهران عطیه بهرام‌پور، علی اصغر ملک‌افضلی
- ۵۱ تبیین مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی حکمت متعالیه و بررسی میزان تجلی آن در کالبد بازارهای ایرانی؛ مطالعه موردی: بازار همدان، سرای شریفیه علی رضا صادقی، مسعود دادگر، سحر سماواتی
- ۶۵ تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر قزوین با تأکید بر نقش عوامل فرهنگی احمد پوراحمد، اسماعیل علی‌اکبری، سیدمهدی موسی‌کاظمی، رضا رحمانی



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|-------------------------------|
| عضو هیأت علمی دانشگاه علم و هنر یزد | • دکتر سمیه امیدواری |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس | • دکتر مهدی پورطاهری |
| عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی | • دکتر وحید ریاحی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین | • دکتر نوید سعیدی رضوانی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | • دکتر اسماعیل صالحی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه شهید رجائی | • دکتر اسماعیل ضرغامی |
| عضو هیأت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی | • دکتر ایرج قاسمی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس | • دکتر صفر قائد رحمتی |
| عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی | • دکتر حسین کلانتری خلیل آباد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه هنر | • دکتر مصطفی کیانی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز | • دکتر لیلادقلچی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | • دکتر محمد میره‌ای |

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.



استاد فرهیخته و چهره ماندگار کشور حسین زمرشیدی دار فانی را وداع گفتند.

«خبر تأسف برانگیز در گذشت استاد فرهیخته، معلم و چهره ماندگار معماری ایران و عضو هیأت تحریریه فصلنامه، جناب آقای دکتر حسین زمرشیدی، موجب تأثر و تأسف مجموعه تحریریه و همکاران این نشریه شد.

بدین وسیله ضمن عرض تسلیت به جامعه دانشگاهی کشور، برای ایشان از درگاه خداوند متعال غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان نیز صبر جمیل و اجر جزیل مسألت می‌نمایم».

حسین زمرشیدی استاد معماری، متولد سال ۱۳۱۸ در شهر مشهد مقدس و متخصص در حوزه تخصصی معماری سنتی ایرانی و اسلامی بودند که از وی آثار و تألیفات بسیار ارزشمند و فاخری در این حوزه به یادگار مانده است.

وی در طول عمر با برکت خود افتخارات زیادی کسب نمودند که از جمله می‌توان به عناوینی چون چهره ماندگار معماری جمهوری اسلامی ایران، معلم ماندگار کشور، عضو پیوسته فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، دارنده نشان دانش از ریاست جمهور و کسب جایزه ویژه جشنواره بین‌المللی خوارزمی را نامبرد؛ مشارکت در بازسازی حرم امام حسن عسگری (ع) از جمله دیگر افتخارات وی می‌باشد.

آجر و هنر آجرکاری از دوران باستان تا امروز

حسین زُمرشیدی*^۱ (نویسنده مسئول)، علی صادقی حبیب آباد^۲**

^۱ استاد و عضو هیات علمی دانشگاه شهید رجایی، تهران
^۲ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه شهید رجایی، تهران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۱)

چکیده

در هنر آجرکاری، معماران خوش ذوق، گلچین‌ها و نقوش بسیار زیبا و دل‌نشینی را خلق کرده‌اند که برخی از آن‌ها از گنجینه هنرهای بس عمیق معماری تا به امروز برای ما به میراث باقی مانده است. نقوش و گلچین‌های بسیار شگرف از حرکات و نقوش آجری و شیوه‌های اجرایی، تنوع و روش‌های ارزش‌مندی را از گذشتگان به جا گذاشته که می‌تواند برای نماسازی ساختمان‌های امروزی مورد استفاده قرار گیرد. این امر باعث می‌شود، تحوّل ریشه‌ای در زمینه ارتقای فرهنگ غنی معماری ایران به وجود آید. هدف از تکرار این مقاله، در مرحله اول بیان چگونگی روند تولید آجر و انواع آن و نیز بررسی تزیینات آجری در معماری اسلامی ایران بوده است. در این نوشتار از روش کیفی توصیفی و تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. به این صورت که نخست بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی در زمینه‌های مختلف، مصالح‌شناسی، هنر تزیینات در معماری دوره اسلامی، تکنیک‌های اجرایی در مصالح سنتی، همچنین استفاده تجربی از مطالب نظری و اجرایی میدانی، به خصوص پیگیری آموزه‌های استادان بزرگ گذشته به جمع‌آوری داده‌ها و برخی اصول زیبایی‌شناسی دوره اسلامی ایرانی در زمینه آجرکاری در جهت شناسایی و شناخت مخاطبان به درک هرچه بیش‌تر اشتراکات کالبدی و تزیینات کارشده در معماری دوره اسلامی پرداخته شده است. از این رو، استنتاج تحلیلی و تجربی تزیینات وابسته به آجرکاری معماری دوره اسلامی در کنار همدیگر، به شکل مجموعه واحد در زمینه شناخت این هنر، انواع آن در روش اجرا و هنرهای وابسته به آن تدوین شده است.

واژگان کلیدی: آجر، آجرکاری، تزیینات آجر، هنر آجرکاری.

مقدمه

سیر تاریخی آن مورد پرسش و بررسی قرار دهد و میزان جذابیت و مقبولیت عام تزئینات آجرکاری و نمودهای آن را در معماری امروز ایران به بحث بگذارد.

روش پژوهش

در این نوشتار از روش کیفی توصیفی و تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. به این صورت که نخست بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات صورت گرفته در زمینه‌های مصالح‌شناسی، هنر تزئینات در معماری دوره اسلامی، تکنیک‌های اجرایی در مصالح سنتی، هم‌چنین استفاده تجربی از مطالب نظری و اجرایی میدانی، به خصوص پیگیری آموزه‌های استادان بزرگ گذشته به جمع‌آوری داده‌ها و برخی اصول زیبایی‌شناسی دوره اسلامی ایرانی در زمینه آجرکاری در جهت شناسایی و شناخت مخاطبان به درک هرچه بیش تر اشتراکات کالبدی و تزئینات کارشده در معماری دوره اسلامی پرداخته شده است. از این رو استنتاج تحلیلی و تجربی تزئینات وابسته به آجرکاری معماری دوره اسلامی در کنار همدیگر، به شکل مجموعه واحد در زمینه شناخت، انواع آن در روش اجرا و هنرهای وابسته به آن تدوین شده است.

مباحث نظری پژوهش

آجر

آجر پارسی تازه شده‌ی آگور (پرتو، ۱۳۷۳، به نقل از محمودی ۱۳۸۹)، آجور، آجر، آجور، آجر، آگر، آگور (رفیع سرشکی، ۱۳۸۱: ۲۲) و معرب آگور (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۳) است که در پارسی باستان آگوروم، در کردی مهابادی خشتی سور و در سیستانی کرک گفته می‌شود (رفیعی سرشکی، ۱۳۸۱: ۲۲). در فرهنگ لغات انگلیسی آریان‌پور، خشت پخته، آجری، به رنگ آجر، مثل آجر، آجرکاری، با آجر ساختن یا فرش کردن (آریان‌پور، ۱۳۷۰: ۲۵۹)، در فرهنگ لغات انگلیسی فرهنگ تشریحی معماری و ساختمان «Brick» آجر (هاریس، ۱۳۸۱: ۱۴۲) و در فرهنگ تصویری معماری، نوعی واحد بنایی از جنس رس که در حالت خمیری به شکل یک مکعب درآمده و با خشک شدن در آفتاب و با پختن در کوره سخت می‌شود (چینگ، ۱۳۷۹: ۴) معنا شده است.

تاریخچه پیدایش آجر

فن و ساخت آجر به سال‌های باستان و کهن می‌رسد. مصرف آجر به پیش از تاریخ و هزاران سال قبل از آن می‌رسد. در ادوار باستان در کناره‌های رودهای دجله و فرات پس از طغیان آن‌ها بر سطح زمین گل و لای رسوب می‌کرد. این رسوب‌ها دارای چسبندگی خاص بود و بر اثر تابش خورشید آب آن تبخیر می‌شد و ترک‌هایی در آن به وجود می‌آمد و لای خشک به صورت قطعات نامنظم می‌شد. این لای به علت چسبندگی زیاد که از خاک و املاح به دست می‌آمد برای دیوارهای گلی چینه‌ای

آجر یکی از مصالح ارزشمند در بناهای باستانی و سنتی و آثار معماری امروزی بوده است که از آن در پی‌های آجری، کرسی چینی، دیوارسازی، ستون‌های قطور و ظریف، جرز، پایه، قوس‌ها و پوشش انواع طاق‌ها، دیوارکشی‌ها، طاق نماسازی‌ها، کف فرش‌ها، و در اسکلت‌سازی و استخوان‌بندی و نماسازی فضاها و بناهای مختلف از قبیل مساجد، حسینیه‌ها، مدارس، عمارت و کاخ‌ها، پل‌ها، کاروان‌سراها، بازارها، حجره‌ها، آب‌انبارها و منازل مسکونی و بسیاری دیگر استفاده و به کار گرفته شده است.

گفته می‌شود چادرنشینان برای پختن غذا زمین را به اصطلاح اُجاق چال می‌کردند. در اثر آتش درون اجاق دیواره و کف اجاق که خاکی بود پخته و سخت می‌شد. همین پدیده سبب پختن خشت و به وجود آمدن آجر شد (زمرشیدی، ۱۳۸۴: ۱۲). حداقل ۵۰۰۰ سال است که آجر ساخته شده از خاک رس به کار می‌رود. گویا اول بار، آن را برای ساختن شهرهایی در بین‌النهرین و دره سند در پاکستان کنونی به کار بردند. انسان در ابتدا، برای درست کردن خشت، گل رس و کاه را، با لگد کردن آن‌ها، مخلوط می‌کرد. آنگاه، مخلوط آماده شده را در قالب‌های مربع و یا در مواردی مستطیلی می‌فشرد و در آفتاب خشک می‌کرد. خشتی که در آفتاب خشک شده بود نمی‌توانست بدون کاه خودش را نگه دارد. سرانجام، مردم بابل، آشور و مصر باستان دریافتند که با گذاختن رس آجرهایی به دست می‌آید که محکم‌تر و در برابر هوا و فشار نیروها مقاوم‌تر از خشت است.

آجر واژه‌ای بابلی و نام خشت‌نوشته‌هایی بوده است که بر آن‌ها فرمان، منشور و جز این‌ها را می‌نوشتند (نعیما، ۱۳۳۴). ساده‌ترین تعریفی را که بخواهیم برای آجر ارائه کنیم آن است که بگوییم آجر حدوداً جسم سختی است مصنوعی که از پختن خاک رس با اسکت‌سازی اصلی هم‌چون با مقاومت حدوداً سنگ به دست می‌آید و ابعاد آن مطابق احتیاج قابل تغییر است. آجر هم‌چنین به عنوان یکی از مصالح ساختمانی از دیرباز مورد استفاده بوده است. مصرف آجر به عنوان مصالح ساختمانی در ایران سابقه باستانی دارد. در حال حاضر با توجه به بالا رفتن تراکم جمعیت و ساخت بناهای چندین طبقه استفاده از آجر در اسکلت این نوع ساختمان‌ها مقدور نیست و از اسکلت‌های فلزی یا بتنی استفاده می‌شود؛ ولی از آجر برای دیوارسازی میان دهانه ستون‌های فلزی و بتونی و ... خصوصاً در نماسازی استفاده فراوان می‌شود و یا آن را در قسمتی از سالن و سایر فضاها به طور نمایان به کار می‌برند. اما رفته رفته از آن برای نماکاری و زیباسازی بنا نیز استفاده شد؛ به طوری که آجر از این منظر در معماری ایران جایگاه ویژه‌ای یافته است و از گذشته تا کنون از آن برای نماسازی ساختمان استفاده شده است. این مقاله تلاش دارد تا ضمن کنکاش در تاریخ پیدایش آجر، تنوع تزئینات و شیوه‌های اجرایی آجرکاری را در نماسازی ساختمان در

پوشش شده بود که تعدادی از آن‌ها هنوز مورد استفاده است. در بناهای دوران اسلامی مانند مسجد جامع اصفهان - که گفته می‌شود قسمت‌هایی از آن متعلق به قبل از اسلام است - در شکل طاق پوشش‌های مقاوم آجری همراه با اسکلت‌سازی بنا و ستون‌های باربر و پی‌سازی آجری به وجود آمده است. بدیهی است در زمان‌های مختلف در این مجموعه باستانی فضاهایی در اشکال زیبای معماری سنتی ساخته شده است.

صنعت و هنر آجرکاری

به‌طور کلی صنعت آجرپزی در عهد معماری پیش از هخامنشی تکامل یافت؛ تا جایی که در دوره هخامنشی پخت آجرهای لعاب‌دار منقوش و برجسته بسیار معمول بود. بنای «زیگورات چغازنبیل» در هفت تپه خوزستان، «طاق کسری» در تیسفون، پایتخت ساسانیان، طاق‌های بزرگ «قصر فیروزآباد» فارس، بناها و «عمارت باغ‌های معلق بابل» در عراق از بناهای آجری قبل از دوره اسلامی است که از حیث فنی و هنری‌شان قابل توجه هستند. دوره سلجوقی، عصر گسترش معماری و ترقی فوق‌العاده هنر آجرکاری است. در این دوره است که هنر معماری و آجرکاری در ایران تا سواحل مدیترانه و حتی آفریقا پیش رفت و در معماری مصر و سوریه نفوذ پیدا کرد (سپنتا، ۱۳۴۵). هم‌چنین در دوره‌های مختلف اندازه و شکل آجرها تغییر کرد. آجرهای چهارگوش و مستطیل شکل بیش‌ترین کاربرد را در آثار معماری داشت. اندازه آجرها، هم از طول و عرض و هم پهنا و ضخامت، به مرور زمان کوچک‌تر شد. مقبره «امیراسماعیل سامانی»، شاه‌کاری در آجرکاری و آجرتراشی است. برج‌های دوگانه «خرقان»، هم‌چنین زیر گنبدخانه گنبد خاکی و ستون‌های مسجد جامع اصفهان آمیزه‌ای از هنر، هندسه و فن آجرکاری است (کیانی، ۱۳۷۶). کاروان‌سرای «رباط شرف» موزه آجر نام گرفته است و انواع برج‌ها و میل‌ها و مناره‌های مختلف مانند برج «مهمان‌دوست» در دامغان، برج «علاءالدین» در ورامین، برج «رادکان» در خراسان و ... از بناهای مهم آجری در دوره اسلامی هستند. در این بناها از روش‌های مختلف آجرکاری و آجرتراشی استفاده شده است. استحکام، سختی، رنگ، تنوع اندازه، تولید آسان، در دسترس بودن مواد اولیه، قابلیت تراش، رنگ‌پذیری با لعاب و رنگ‌های معدنی، کشش و کنش، عایق در برابر گرما و سرما، چیدمان راحت و هم‌خوانی با سایر مصالح هم‌چون کاشی، سنگ و گچ از مزایای آجر است که سبب کاربرد زیاد آن در آثار معماری ایران بوده است. به گفته سیمون آیوازیان، نمود آجر در آثار معماری ایرانی، نه یک ذره در مقابل کلان آثار معماری بلکه واحدی است که در دل و بطن آثار معماری می‌نشیند و نقشی تعیین‌کننده دارد. آجر در ساختمان به مثابه نت در موسیقی است، یا هم‌چون کلمه است در شعر است (به نقل از دکتر مهدی مکی‌نژاد).

برای اطلاع از آجر و تاریخچه آن باید با مراجعه به کتب تاریخی

در آن روزگار مصرف می‌شد. این «خاک لای» به سبب وجود «سیلت» ریز فراوان و به علت عدم ترک برداشتن گل خشت آن در فن تهیه آجر مورد توجه و استفاده قرار گرفت (زُمرشیدی، ۱۳۶۸). کشفیات کوره‌های پخت آجر در مناطق شوش و سیلک دلالت می‌کند که در ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد در ایران آجر برای اولین بار به وسیله بابلی‌ها پخته شد (معماربان، ۱۳۶۷: ۱۸-۱۹). سوابق تاریخی نشانگر آن است که ساکنان نواحی خوزستان یا بین‌النهرین نخستین اقوامی بودند که به این موفقیت دست یافتند (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۴-۲۱). به‌طور کلی صنعت آجرپزی در عهد معماری پیش از هخامنشی تکامل یافت؛ تا جایی که در دوران هخامنشی پخت آجرهای لعاب‌دار منقوش و برجسته بسیار معمول شد.

بناهایی در سه هزار سال قبل از میلاد از خشت ساخته شده بودند که این مورد بر لوحه‌ای خشتی از زمان «سارکن» مؤسس امپراتوری آکاد در ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ذکر شده است. در ادوار بعد در زمان «بنوکید، نصر دوم - بخت النصر» و در سال‌های ۶۰۵ تا ۵۶۵ قبل از میلاد بابلی‌ها و آشوری‌ها فن آجرپزی را به خوبی و درستی آموخته و بناهای مرتفع بنا کرده بودند؛ در صورتی که در همان زمان در بسیاری از نقاط جهان خشت ناپخته را به همان شکل اولیه به کار می‌بردند (زُمرشیدی، ۱۳۶۸).

پیدایش ساختمان‌های آجری در ایران را می‌توان از ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد در بنای چغازنبیل دنبال کرد (مصطفوی، ۱۳۴۶). علاوه بر استفاده از آجر در اسکلت‌سازی این بنای آجری، در سرداب‌های این معبد نیز آجر در دیوارسازی و طاق‌های سهمی که به عرض دهنه ۴ متر و ارتفاع نزدیک به سه متر و هشتاد سانتی‌متر و در عمق ده متر کاربرد داشت و تا به امروز به یادگار مانده است (زُمرشیدی، ۱۳۶۸). مجموعه بنای طاق کسرا تلفیقی از آجر و خشت و سنگ است. این بنا به دستور یکی از خلفای عباسی برای استفاده از بخشی از مصالح آن تخریب شد و فقط طاق کسرا و اسکلت طاق‌نما سازی‌های آن که از خشت و یا گل است باقی ماند. حتی سنگ و آجرنمای اصلی این بنا را برای استفاده‌های دیگر برداشتند. به‌طور خلاصه آجر یکی از مصالح اصلی بنای عظیم تیسفون بود.

در دوران اشکانیان و ساسانیان از وجود آجر برای اسکلت‌سازی بناها و به خصوص پوشش طاق‌ها استفاده شد. هم‌چنین در معماری ادوار اسلامی به خصوص در قرن چهارم از آجر به عنوان نماسازی استفاده شد و شیوه‌های دل‌نشین مانند انواع خطوط کوفی و نقش‌های هندسی اسلامی (گره‌سازی‌ها) در اشکال بسیار متنوع به وجود آمد، که در این شیوه پیوند بین رج‌های آجرنما و اسکلت و استخوان‌بندی بنا یکی است (پیشین).

در سده‌ها و پل‌ها که در دوران ساسانیان ساخته شده، از آجر نهایت استفاده شده و قوس‌های مدور باربر با آجرهای مقاوم

صنایع و معماری ایران به تاریخچه آن پی برد. بی مورد نیست اگر در باره آجر ایرانی قبل از اسلام نیز به ذکر دو نمونه اکتفا نماییم. در شوش دیوار آجری کشف شده و هزینه معاملات آثار شوش را روی آجر پخته به دست آورده‌اند؛ همان گونه که اسناد هزینه بنای شکوه مند تخت جمشید در فارس نیز را در سال ۱۳۱۲ شمسی روی سی هزار لوحه گلی پیدا کردند (اشمیت، ۱۹۳۹؛ جرج کامرون، ۱۹۳۶ و گزارش های باستان شناسی، ۱۳۲۹). در پازرگاد (پارسا کد، پاسارگاد) (سپنتا، ۱۳۴۵) «آجرهایی از زمان کورش (۵۶۰ ق-م) دیده شده است که ابعاد $\frac{1}{2} \times 32 \times 44$ و قطر ۵ سانت دارند و بین آن آجرها ملاتی شبیه به قیر ریخته بودند. هم چنین آجرهای مکشوفه در تخت جمشید با ابعاد $\frac{1}{2} \times 32 \times 32$ و ضخامت $\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتی متر مشاهده می شود. در «شمس»^۱ نیز آثار کوره آجریزی از دوره پارت ها کشف شده است. در آثار باقیمانده از آتشکده های ساسانی نیز آجر با ابعاد کوچک دیده می شود» (منظور $\frac{1}{2}$ از ۵ میلی متر است) (سپنتا، ۱۳۴۵). آجر پس از اسلام (با اندازه های مختلف 30×30 تا $18/5 \times 18/5$ و ضخامت حدود ۶ تا ۳ سانتی متر) به عنوان مهم ترین و برجسته ترین عنصر شکل دهنده معماری کاربرد داشت (مکی نژاد، ۱۳۸۷). البته به طور کلی در دوره اسلامی نسبت به دوران قبل از اسلام ابعاد آجرها کوچک تر شدند. محققان علت تغییرات عمده در اندازه آجر را معمولاً در نتیجه تغییر در نوع و طریقه ساختمان سازی می دانند (ویلبر، ۱۳۴۶: ۵۱).

کوره های آجریزی سنتی به طور گسترده و امروزی

خشت های چیده شده در کوره پس از ۱۰۰ درجه حرارت چسبندگی خود را کم می کند و در ۵۰۰ درجه حرارت آب شیمیایی در خشت گرفته می شود و سپس رو به پختن می رود و در حرارتی بالاتر از ۹۰۰ درجه حدوداً پخته می شود و آجر به وجود می آید. انواع کوره های آجریزی در ادامه توضیح داده شده است (سرتیپی پور، ۱۳۹۲):

- ۱- کوره ی هوفمان ۱۰: کوره هوفمان به شکل حلقه ای (دایره) یا حلقه ای کشیده (بیضوی) هستند. معمولاً روی سطح زمین یا پایین تر از سطح زمین ساخته می شوند.
- ۲- کوره تنه ای و چاهی: این نوع کوره از قدیمی ترین کوره های آجریزی در ایران به حساب می آید. در حال حاضر کم تر از این نوع کوره ها استفاده می شود. کوره های چاهی در زمین حفر می شد و خشت را در آن به صورت هره و با رعایت فضای خالی برای کشش حرارت می چیدند، و ناحیه های سر کوره و زیر کوره را با ملات کاه گل اندود می کردند و با راه اندازی و دادن سوخت به کوره عملیات پخت آجر شروع می شد.
- ۳- کوره تونلی: از جدیدترین نوع کوره های آجریزی به شمار می رود و علاوه بر پخت آجر در این کوره، سرامیک های ممتاز و صنعتی پخت می شود. در این نوع کوره خشت ها روی واگن قرار می گیرند و وارد تونل می شوند.

قابل توجه آن که آجرهای زیرین در کوره ای سنتی به اصطلاح به شکل سبز و بعد از آن سبز زرد و سپس زرد و بعد از آن گل بهی و در انتها نیم پخته خواهد بود. آجرهای سبز برای اسکلت سازی و فرش کف ها و آجر سبز زرد برای نماسازی های آجری که دارای مقاومت مطلوب هستند استفاده می شود. هم چنین از آجرهای گل بهی برای دیوارهای غیر باربر و حائل استفاده می شود و در نهایت آجرهای نیم پخته دوباره به کوره برده شده تا مرحله پخته شدن تکمیل شود.

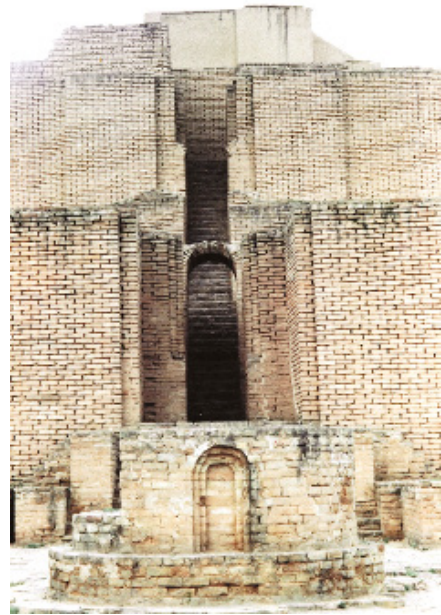
آجر و کاربرد آن پیش از اسلام

آجر از جهت مقاومت به مانند نوعی سنگ است که از پختن گل ورزیده به عمل می آید. مقاومت آجر بستگی به نوع خاک مرغوب آن دارد که مخلوطی است از ۷۵ درصد خاک رس و ۲۵ درصد سیلیس (لای) به علاوه مقدار آب لازم که از آن خشت تهیه می شود و با حرارت کافی به روش های سنتی و یا ماشینی در شکل های گوناگون پخته می شود. حدود هزاران سال قبل از پخت آجر به روش قالب زنی خشت، تهیه آجر به صورت بلوک های نامنظم از گل سفت خشک شده آماده می شد که آن را به کوره های اولیه می بردند و با پختن بلوک از آن سریناه می ساختند. در واقع می توان کشف آجر را همزمان با کشف آتش و از دگرگونی زمین در اطراف اجاق های صحرایی که مورد استفاده چادر نشین ها بوده، دانست.

قدیمی ترین لوح آجری از دوران «سارگن» مؤسس امپراتوری «اکاد» مربوط به ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است. بعد از قالب زدن خشت و پختن آن به نام آجر در بناهای کلد و بابل و آشور و میان رودان بین دجله و فرات استفاده فراوان شده بود. از میان بناهای به جای مانده می توان به برج بابل ۱۱ که با آجر ساخته شده است اشاره کرد و نیز بنای «چغازنبیل» (مصطفوی، ۱۳۵۹) اثر ارزشمندی که حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد ساخته شد و در هفت تپه خوزستان واقع است. مجموعه تاریخی چغازنبیل در وسعتی حدود ۱۰۰ هکتار بنا شده که از یک بنای مطبق مرکزی (زیگورات)، یک حصار جداگانه، بقایای ۱۲ معبد، محله شاهی، مخزن آب، آثاری از نگهداری و انبار مصالح ساختمانی به خصوص گچ و قیر و آثار یک برج تشکیل شده است (بهاروند و همکاران، ۱۳۸۹). در ضمن آجرنوشته هایی در بین رج های آجرکاری این بنا به کار رفته که شامل دستورات و احکام است و تا امروز به یادگار مانده است.

آجرهای به کار رفته در این بنای تاریخی شامل آجرهای ساده، کتیبه دار و همگی متعلق به دوره عیلامی است (هادیان دهکردی، ۱۳۹۴). طیف رنگی بدنه این آجرها زرد، قهوه ای، قرمز و سبز آبی با ابعاد $35 \times 35 \times 10$ و $37/5 \times 37/5 \times 8$ سانتی متر هستند (گریشمن، ۱۳۷۳). مطالعات خاک شناسی انجام شده بر روی نمونه های خشت

خام در محوطه چغازنبیل وجود کانی‌های کوارتز، سیلیس، آمورف، کلسیت، دولومیت، ژپس، فلدسپار و برخی کانی‌های رسی مثل کلریت، ایلیت (میکای آبدار) و مونت مورونیت را نشان می‌دهد (هادیان‌دهکردی، ۱۳۸۰) (تصاویر شماره ۱ و ۲).



تصویر شماره ۱: قسمتی از بنای چغازنبیل، سکوی قربانگاه و... هفت تپه خوزستان (۱۲۵۰ قبل از میلاد)؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۲: آجرنوشته‌ها از احکام عیلامی جزئی از بنا رج‌های آجرکاری بنای چغازنبیل؛ مأخذ: نگارندگان

به طور خلاصه از آجر در آثار معماری قبل از اسلام به خصوص در بناهای بعد از اسلام تا به امروز بهره فراوان برده شده است. به جرات می‌توان گفت، چه چیز سبب شده است که بناهای دوران باستان بمانند قبر امیراسماعیل سامانی در بخارا که در سال ۲۸۵ هجری ساخته شد، تا امروز این چنین استوار و شکوفا از تکنیک و هنر باقی بماند. مسلماً نوع مرغوب آجر و شیوه اجرای اصولی، به خصوص پیوند و اتصالات قطعات آن با یکدیگر از رموز پایداری آجر بوده است؛ اثری که بسیار مورد توجه ایران‌شناسان بزرگ و معماران جهان بوده و تا امروز برای جهانیان به یادگار مانده است.

هنر آجرکاری در دوران بعد از اسلام

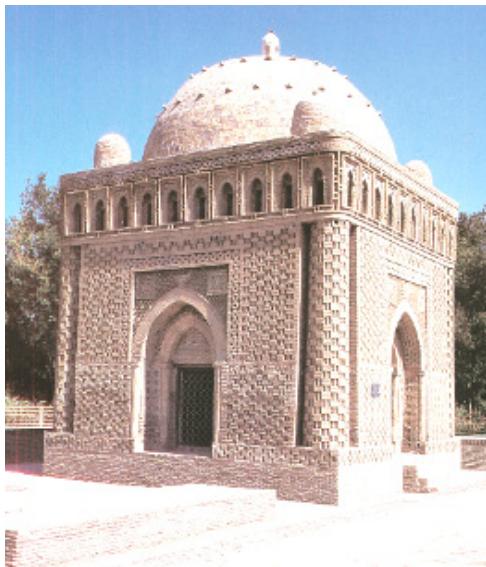
هنر چیدن آجر را در بناها به منظور عرضه نماهای تزئینی متناسب با شکل کلی بنا، آجرکاری می‌نامند (کیانی، ۱۳۷۶:

۵۸). آجر فقط پرکننده جرزها و پوشاننده احجام و جداکننده آن‌ها از یکدیگر نیست، بلکه به عنوان عنصری کامل در معماری ایرانی به کار رفته است. آجرها در ترکیب‌شان با یکدیگر تابع ریتم و هندسه خاصی هستند که از آن در تمام زمینه‌های ایستایی، استاتیکی، اسکلت‌سازی و آذینی استفاده شده است. آجر در ابتدا به عنوان عنصر اصلی بنا و فرم‌دهنده مورد استفاده قرار گرفت و دیری نپایید که نقش تزئین‌کننده را نیز بر عهده گرفت.

معماران ایرانی کوشیده‌اند تا با کاربرد گسترده آجر در گونه‌های مختلف تزئینی حالت ارگانیک این ماده را در ارتباط با شکل بنا حفظ کنند. معماران ایرانی (با توجه به آثار به جای مانده) از سده چهارم هجری به بعد در زمینه آجرکاری، شیوه‌های گوناگونی را آزموده‌اند.

آثار گوناگون معماری به جای مانده از دوران‌های مختلف بعد از اسلام شاهد نمونه‌های پرارزش از هنر استادکاران ایرانی در آفرینش سطوح آجری در زیباترین طراح‌ها و تناسب‌های موزون است (جدول شماره ۱). هنر آجرکاری که بی‌تردید پشتوانه فرهنگی و ارزشی کشور است، سالیانی است که جزو هنرهای از یاد رفته شده و آن چنان که باید و شاید اهمیتی به آن داده نشده است. آجر در گذشته مانند اکثر طاق‌های مسجد جامع اصفهان، تنها جنبه تزئینی نداشت، بلکه از آن برای نمایش جهت فشارها نیز استفاده می‌شد؛ به طوری که جهت رج‌ها در پاسخ به فضاهای متغیر متفاوت بوده است (پناهی، ۲۰۱۲: ۸۱۴).

به طور کلی زیباترین هنر آجرکاری نگین‌باف را در بنای چهارگوشه سروته باریک بسیار شگرف در مقبره امیراسماعیل سامانی در بخش داخلی و نیز خارجی این اثر بی‌همتای معماری ایران قابل مشاهده است (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: نقوش نگین‌باف، ستون‌ها فلکه منقوش متصل به بنا، پشت بغل‌سازی از نقوش دندان موشی و...، طاق‌نماسازی و... در بنای مقبره بی‌همتای آجری، سلطان اسماعیل سامانی، بخارا، (قرن سوم هـ - ق)؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۵: بنای چندوجهی مدور شامل: آزاره سنگ، متن میانی آجر منقوش گره همراه با ستون‌های فلکه متصل به بنا، متن دست بالا طاق نما سازی، نقوش کاشی معرق، کتیبه خط کوفی، قطار مقرنس، مقبره مادر هلاکوخان (دوره ایلخانی)، مراغه، مرمت غیراصولی معاصر؛ مأخذ: نگارندگان

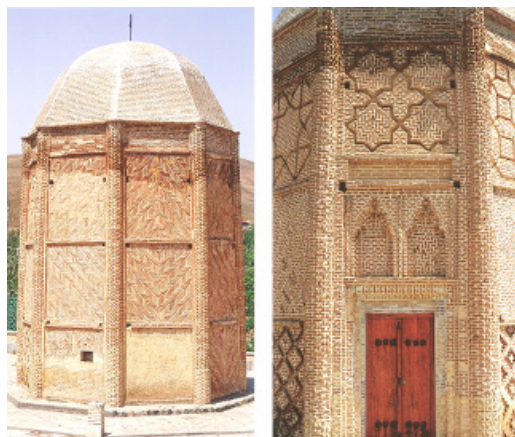


تصویر شماره ۶: نقوش گود و برجسته گرد (کند دوینج سرمه‌دان) آجرقرمز «پیش‌بُر» جزئیات از تصویر قبل؛
مأخذ: MARKUS HATTSTEIN AND PETER DELIUS ISLAM ART AND ARCHITECTURE



تصویر شماره ۷: هنرهای شگرف از آجرتراشی و آجرکاری: گردونه ساقه منقوش گلچین آجری، ستون‌های فلکه منقوش، پنجره‌سازی، قطار مقرنس‌های بی‌همتای آجری و... ناحیه انتهایی میل منار گلدسته «مسجد کلان» بخارا (دوره تیموری)؛
مأخذ: Pierre Chuvin SAMARKAND, BUKHARA, KHIVA

در دوران سلجوقیان انواع کارهای آجری به صورت ترکیب نما و با اسکلت بنا روز به روز قوت گرفت، تا جایی که نما سازی‌های بسیار زیبا برای بناهای آن روزگار، و مناره‌های بلند با شیوه‌های خاص در طرح‌های زیبای هندسی و انواع خطوط کوفی آجری و بنایی تزئین شد. این آثار ارزش مند در جای جای کشور عزیزمان ایران تا به امروز پابرجاست و نشانگر حسن سلیقه دست‌های توانای سازندگان خود است؛ مانند: میل کرات در بین راه تایباد و خواف در نزدیکی مرز ایران و افغانستان، میل خسروگرد در سبزوار، میل مسجد علی در اصفهان (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴: نقوش بی‌همتای گلچین و گره معقلی تواما در برج چندوجهی شبلی، دماوند (دوره سلجوقی)؛ مأخذ: نگارندگان

هنر آجر کاری دوره ایلخانی

در این دوره تلفیق کاشی و آجر و نیز آجر با نقوش مَه‌ری و برجسته به صورت نقش و نگار و گل - گیاه، خط چلیپایی، و... معمول شد که نمونه آن را می‌توان در مسجد جامع اصفهان با نام آجر مُهرک و در مجموعه بنای گنبد سلطانیه در زنجان، و مسجد جامع ورامین از ترکیب و تراش آجر در تیشه‌داری و آجرکاری در روش آجر پیش‌بُر و «قالبی» به نام «آجر قالبی مَه‌ری» مشاهده کرد (تصاویر شماره ۵ و ۶).

هنر آجر کاری دوره تیموری

در دوره تیموری هنر معماری بسیار مورد توجه قرار گرفت و هنرهای وابسته در معماری به ویژه هنر آجرکاری بسیار مورد توجه معماران این دوره به خصوص قوام الدین شیرازی بود. به طور خلاصه در این دوره در توران و به خصوص ایران پرارزش‌ترین پدیده‌های آجری از میل مناره‌ها، برج مقبره‌ها، بناهای مختلف، طاق پوش‌ها، اسپر سازی‌ها در آثار معماری خلق شدند. این روند نیز سبب رونق هنر آجرکاری در دوره‌های بعد شد. از میان آثار بسیار متعدد این دوره می‌توان به هنر آجرکاری از مقرنس قطار سازی‌های بسیار جذاب و سایر موارد در مأذنه میل منار (گلدسته مسجد کلان) در بخارا و برج مقبره مدور از نقوش نگین باف آجری و گنبد رگ ترکیب گود و برجسته به نام (برج اخنجان)، آرامگاه گوهر تاج خواهر همسر شاهرخ تیموری در نزدیکی (آرامگاه فردوسی) در مشهد و بسیاری دیگر یاد کرد (تصویر شماره ۷).



تصویر شماره ۹: نقوش آجری بند رومی، خوشه انگوری، خوشه گندمی، برج‌های ارگ کریم‌خانی، شیراز (دوره زندیه)؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۰: نقوش آجری خفته و راسته و... در عناصر رسمی بندی، حوض‌خانه منزل قدکی تمبریز (دوره قاجاریه)؛ مأخذ: تصویر از آرشیو دانشگاه هنر اسلامی تبریز

هنر آجرکاری دوره معاصر

دوره پهلوی اول شهرسازی ایران وارد مرحله‌ای از دگرگونی واقع شد. خیابان‌کشی‌های جدید سبب به کارگیری از نقوش آجری در نماسازی برای شهرسازی، مغازه‌ها و بناها مسکونی و... در بدنه‌های آجری، اسپرسازی، کتیبه‌سازی و پشت‌بغل‌سازی و در جای، جای بناها آن زمان با نوآوری‌ها و اما در چهارچوب سنت شد (تصویر شماره ۱۱).

در دوره پهلوی دوم روند شهرسازی دچار غرب‌گرایی شد و هنر آجرکاری رو به زوال رفت. اما خوشبختانه در دوره جمهوری اسلامی توسط مهندسان باذوق، معماران هنرمند و بنایان و تیشه‌داران آجرتراش عاشق جهش‌هایی از هنر بدیع آجرکاری برای مساجد، اماکن مذهبی و در موردی ساختمان‌های مسکونی به وجود آمده است (تصاویر شماره ۱۲ تا ۱۴).

هنر آجرکاری دوره صفویه

در دوره صفویه با به تکامل رسیدن هرچه بیشتر هنر آجرکاری در شیوه‌های مختلف مواجهیم که سبب تحول در ساخت و آثار معماری برای کلیه ابنیه به خصوص بازارها، مدارس و مساجد و... شد. در این دوران با توجه به هنر تیشه‌داری برای آجرکاری به واقع زیباترین و پرتکنیک‌ترین ارزش هنری از آجرکاری برای عناصر طاقی حتی خطوط آجری از تراش و ساخت گود و برجسته سبب زیباسازی‌های بسیار دل‌پذیر شد. نمونه‌های ارزش‌مند این هنر را می‌توان در چهار صنف مسجد جامع اصفهان به ویژه صنف درویش و بسیاری آثار دیگر از شهرهای ایران بررسی کرد (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره ۸: هنر بی‌همتای آجرکاری، نقوش گره آجری، طاق پوش لازومی بسیار شگرف، خط معقلی رُو، واروی آجری در زمینه بند رومی کشیده و... صنف درویش، اصفهان (دوره صفویه)؛ مأخذ: اصفهان ای هنرت سُرْمه چشم جهان، عکاس حمیدرضا حسین‌زاده، ناشر انتشارات فرهنگستان میردشتی

هنر آجرکاری دوره زندیه

پیوندهای آجری و انواع گلچین‌های آن، در دوران زندیه و ادوار بعد استفاده فراوان شدند که می‌توان ارگ کریم‌خان در شیراز را نمونه ارزشمند از این دوران در تنوع‌ترین‌ها و پیوند آجرکاری در برج و باروی این بنا و برخی دیگر را نام برد (تصویر شماره ۹).

هنر آجرکاری دوره قاجاریه

ایران دوره قاجاریه با شهرسازی جدید اما در چهارچوب سنت مواجه شد. از هنر آجرکاری در سردسازی منازل، نماسازی داخلی و خارجی بناها به خصوص در طاق‌پوش بازارها، کاخ‌ها، به ویژه در مسجدسازی و مدرسه‌سازی‌ها و نماسازی‌های داخلی برای حیاط‌سازی‌ها استفاده شد. دزفول در این زمینه شهر آجرکاری شناخته شده است (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۱۴: نقش دل نشین آجری سربایه‌سازی، هره‌بندی، نقوش حصیری، نقوش جناغی و... نمای داخلی پارکینگ ساختمان یادشده؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۱: نقوش آجری بی‌همتا از هنر تیشه‌داری، قسمتی از (منزل قوام) «ساختمان موزه آبگینه تهران» (اوایل دوره پهلوی اول)؛ مأخذ: نگارندگان

گونه‌های مختلف آجر تزیینی

آجرهای تزیینی را می‌توان در هفت گروه دسته‌بندی کرد: (کیانی، ۱۳۷۶: ۵۴-۵۸)

۱. آجر واکوب و آبمال: برای ساختن آجرهای صاف و کار در نما، خشت بیرون آمده از قالب چوبی را ماله واکوب (تخته کوب) و با دست آغشته به آب رویه آن را صاف می‌کردند. نمونه قدیمی این شیوه را در آجرهای نمای گنبد قابوس شاهد هستیم (آجر ریشه‌دار نوعی آجر واکوب است).

۲. آجر پیش‌بوز: این نوع آجر برای نماسازی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و ابعاد آن می‌تواند بسیار کوچک باشد. برای تهیه این نوع آجر زمانی که خشت هنوز تر است با توجه به شکل مورد نظر آن را مطابق با طرح با ابزار مخصوص بریده و شکل می‌دهند. انواع اشکال ستاره‌ای، چلیپایی و بادامی جزو دسته آجرهای پیش‌بر هستند (بزرگمهری و خدادادی، ۱۳۸۹: ۸۲) (تصویر شماره ۶). در ضمن خطوط کوفی و نقوش را می‌توان از این شیوه تهیه و یا به روش تیشه‌داری و تراش روی آجر به وجود آورد (تصویر شماره ۱۵).

۳. آجر مهری: نقش اندازی روی آجر چه به صورت برجسته و چه فرو رفته که در مواردی محدود، به گونه‌ی پیش‌بر و دست کار صورت می‌گرفت و در عمده آثار به کمک قالب انجام می‌شد (تصویر شماره ۱۶) از قرن چهارم در آثار سیراف با آجرهای سفال نقش دار قابل پیگیری است. این آجرها از نظر شکل متنوع هستند و به صورت‌های لوزی، بادامی، ستاره‌ای شکل، چلیپا و ... ساخته می‌شوند. آجرکاری مسجد جامع گناباد از دوران خوارزمشاهی نمونه‌ای از این نوع آجر تزیینی است. مسجد جامع گناباد یکی از دو مسجد دو ایوانی تاریخ‌دار دوره خوارزمشاهی است که به استناد کتیبه کوفی آجری که نمای ایوان جنوبی را آذین بخشیده است، تاریخ ساخت آن سال ۶۰۹ هجری قمری است (اکبری، ۱۳۷۷: ۱۵۹-۱۶۷) و شامل یک حیاط، دو مدخل، دو رشته رواق، دو شبستان و دو ایوان است که مجموعاً در اطراف حیاط قرار دارند (زمانی، ۱۳۴۹: ۶-۱۴). تزیینات نمای ایوان جنوبی این مسجد آجرکاری نقش برجسته و مشبک با نقش‌های هندسی و

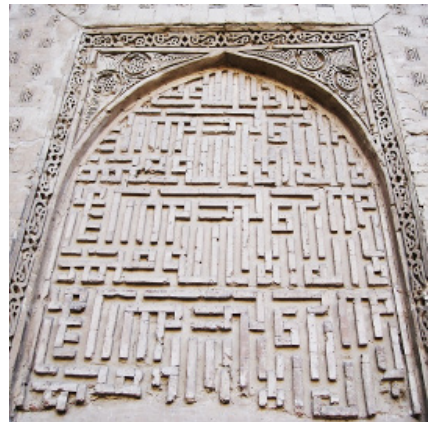


تصویر شماره ۱۲: کلیات نماسازی منقوش شامل: نقوش سم‌آهویی، کتیبه‌های منقوش آجر و کاشی، منقوش حصیری، خفته و راسته، قوس کلاله و... ساختمان‌سازی امروز؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۳: جزئیات نقوش کلچین آجری (سم‌آهویی) و... از تصویر قبل؛ مأخذ: نگارندگان

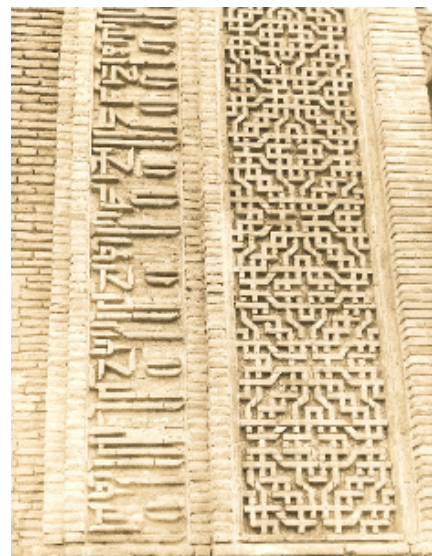
کار گره در شکل های مربع و مستطیل است. علاوه بر این نقوش پیلی و بازوبندی گود و برجسته ارزش فراوانی از هنر آجر تراشی و تیشه داری آجرکاری بدیع را در این مسجد به وجود آورده است (تصویر شماره ۱۷).



تصویر شماره ۱۵: آجر تیشه داری شده به عبارت (لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله) رواق های طرفین شبستان مسجد جامع ورامین، (دوره ایلخانی)؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۶: آجر مهری (قالبی) نقش چلیپا در بین رجا های به کاررفته بنای مسجد جامع ورامین (دوره ایلخانی)؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۷: هنر آجرکاری پیلی گود و برجسته، کتیبه خط کوفی آجری از سوره مبارکه جمعه، نقوش بند رومی بازوبندی و... ایوان جنوبی مسجد جامع گناباد (دوره خوارزمشاهی)؛ مأخذ: نگارندگان

۴. **آجر تراش:** عبارت است از اجزای آجر ایرانی (مربع)، نیمه ($\frac{1}{2}$) - (آجری که از قطر به دو نیم چارکه $\frac{1}{4}$) قناس شده، آجر قفلی (آجری که $\frac{1}{2}$ آن از گوشه بریده شده)، آجر قلمدانی ($\frac{1}{4}$ آجر)، دو قدی ($\frac{1}{8}$ آجر، کلوک $\frac{1}{16}$ آجر)، آجر فلکه $\frac{1}{8}$ آجر تراشی که دو مثلث از دو گوشه آن بریده شده) و آجر قاشقی (بریدن مورب گوشه ای یا لب پخ). در ایران قطعه های گوناگون پاره آجر از کوچک ترین اندازه تا بزرگ ترین اندازه که نزدیک به یک آجر کامل است، کاربرد فراوان داشته است. آجر تراشان در پای کار، قطعه های گوناگون پاره آجر را با تیشه داری آماده می کردند که قدمت آن از دوران سلجوقی است و در زمان صفویه به تکامل رسید. در گذشته کار تراش آجر بر روی آجرهای چهارگوش صورت می گرفت. ولی از زمان استفاده از آجرهای مستطیل قزاقی به طور عمده کار تراش بر روی آجرهای قزاقی انجام می گیرد.

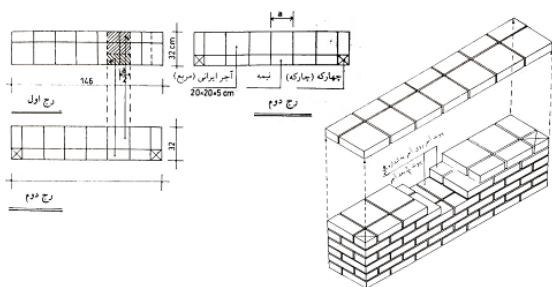
۵. **آجر تزیینی قالبی و تراش:** مخصوص دوره قاجار است. این گونه آجرها در اندازه ها و شکل های مختلف هندسی و غیر هندسی به کار رفته اند. این آجرها در نما و بخش های مختلف چون پایه ستون ها، سر ستون ها، حاشیه ها و... کاربرد داشته اند. این آجرها هم به صورت نقش دار و هم به صورت بدون نقش تهیه می شدند. در دوران قاجار این آجرها را با واکوب کردن در قالب، با شکل های مختلف می ساختند و سپس زائده های آن را با تیشه داری به گونه آجر تراش حذف می کردند. گونه های مختلفی از این آجرها وجود داشت که هر یک با توجه به طرح بنا در محل معینی به کار برده می شد.

۶. **آجر آیساب:** آجری است که پس از تراش آن، در آب می خیسانند و کناره آن را به وسیله ماسه بادی یا گرد آجر و گاه با گل رس یا اخرا می ساینند. این روش به نما جلوه می دهد ولی توان آجر را از بین می برد. رونق این شیوه بیش تر مربوط به دوران صفویه به بعد است. نمونه این کار را در گنبد سلطانیه سراغ داریم.

۷. **آجر قواره بری:** قواره بری در واقع یکی از شیوه های آجر تراش است که در آن به جای نقش شکسته، نقش گردان یا قطعه های منحنی به کار برده می شود. مورد استفاده آن به طور عمده در قاب های تزیینی نمای بنا است که پیش از عهد قاجار بیش تر به صورت پولکی و سینه کبکی بود و یک طرح پیوسته و یک نواختی را عرضه می کرد. رواج قواره بری با طرح و نقش های مختلف مربوط به دوران قاجار است که تا اوایل دوران پهلوی هم ادامه داشت و هنوز نمونه های جالب آن را در شیراز می توان دید.

پیوند در آجر کاری

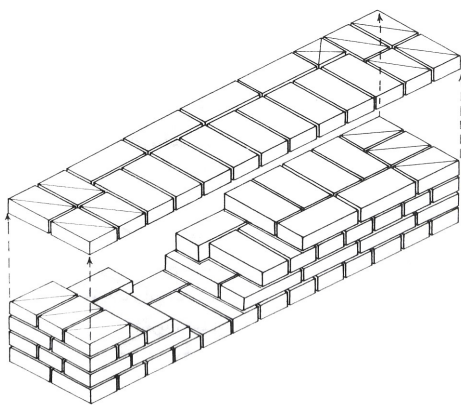
در صورتی که آجرکاری بدون پیوند ساخته شود، نشست هر قسمت در جهت عمودی قطعه زیرین خود باعث هیچ گونه «اقل و بست» نخواهد شد. از آن جا که قسمت های مختلف آجر بر روی یکدیگر از لحاظ انتقال نیرو از بالا به پایین مانند ستون واحد



تصویر شماره ۲۰: دیوار ۱/۵ آجره با پیوند ایرانی (پیوند صحیح)؛ ترسیم نگارندگان

پیوند آجر نظامی: در دوره نادری نوعی آجر مستطیل به ابعاد $۳۴ \times ۱۸ \times ۶$ سانتی متر تهیه می شد که به نام آجر نظامی و یا آجر نادری مشهور شد. پیوند این آجرکاری شبیه پیوند ابتدا ایرانی و بعداً بلوکی آلمانی بوده است (نقل از سخنرانی حسین زمرشیدی در فرهنگستان هنر).

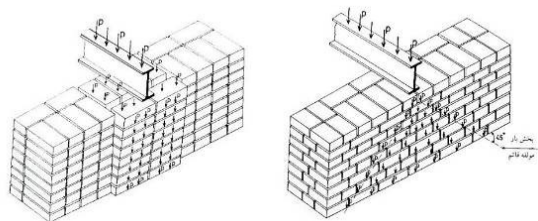
پیوند بلوکی: پیوند بلوکی یکی از روش های بسیار اصولی و صحیح در پیوندهای آجرکاری است. استفاده از این نوع پیوند در دیوارهای آجری مقاومت فراوانی به دیوار می بخشد و در نتیجه عمر مفید ساختمان را افزایش می دهد. بنابراین توصیه می شود که در اجرای دیوارهای آجری از روش پیوند بلوکی استفاده شود؛ گرچه این پیوند کاملاً بدون به اصطلاح بندبرشی و به ترتیب از آجرکاری با پیوند کله و راسته که امروزه متداول شده بسیار مقاوم تر و باربرتر است. دو نمونه از این پیوند در تصویر شماره ۲۱ قابل مشاهده است.



تصویر شماره ۲۱: نمونه ای از پیوند بلوکی در دیوار یک و نیم آجر گوشه دار؛ ترسیم نگارندگان

پیوند کله و راسته: پیوند این آجرکاری با داشتن یک کلوک بندبرشی از قطعات هم جوار یکدیگر از هر رج آجرکاری سبب تقلیل و کاهش سطح نیروی فشاری در سازه های ماسونری می شود. برای مثال آجرکاری دیواره های ۱/۵ آجره با پیوند بلوکی باربری صددرصد دارد، اما سطح دیوار ۱/۵ آجره با پیوند کله و راسته تا ۴۵ درصد کاهش تقلیل نیروی فشار دارد. با توجه به شکل های آجرکاری بلوکی و کله و راسته بیش تر مشخص می شود.

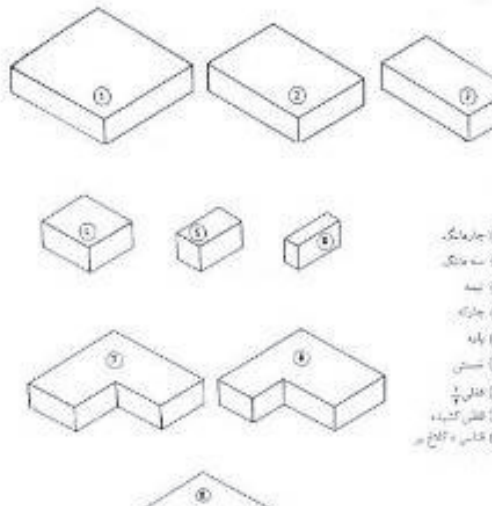
عمل می کنند و از پایداری دیوار کاسته خواهد شد. در برخی موارد این موضوع به اندازه های جدی است که در صورت رعایت نکردن قفل و بست میان اجزای آجردیوار، دیوار توان نگهداری ارتفاع و وزن خود را نخواهد داشت، چه برسد که بار وارده از سقف و بارهای مرده دیگر را تحمل کند (تصویر شماره ۱۸).



تصویر شماره ۱۸: نمونه ای پیوند اصولی (سمت راست) و غیراصولی (سمت چپ) آجرکاری در دیوار؛ ترسیم نگارندگان

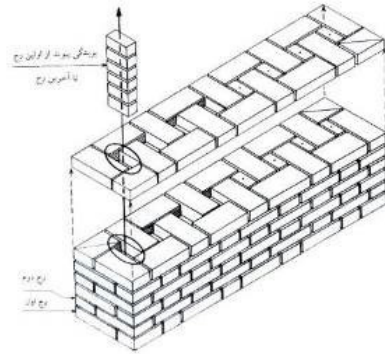
پیوند ایرانی: قبل از معرفی پیوند ایرانی ضروری است که با اجزای آجر ایرانی آشنا شویم. اجزای آجر ایرانی عبارت اند از: چاردانگه^{۱۵}، سه دانگ^{۱۶}، دودانگ^{۱۷}، چارکه، پاره^{۱۸}، شستی^{۱۹}، قناس^{۲۰} و قفلی^{۲۱} که برای پیوند در انواع آجرکاری مورد استفاده قرار می گیرد (زمرشیدی، ۱۳۸۶: ۸۳) (تصویر شماره ۱۹). «چنانچه دو سر دیوار بسته باشد، اصول پیوند برای رج، چنین می باشد بنابراین جلو دیوار پیوند نیمه آجر و طرف پشت آجر تمامی مربع خواهد بود؛ در رج دوم جای نیمه و تمامی جابه جا شده در این حالت دو نیش از ناحیه جلو چارکه آجر و از ناحیه پشت دیوار نیمه آجر به کار خواهد رفت. از انتقال رج زیرین روی رج فوقانی اتصالات پیوند ملاحظه می شود. با بررسی رج اول و دوم از نمای سر رج ها، همچنین ایزومتری، اتصالات بسیار اصولی با نمایی زیبا قابل ملاحظه است» (پیشین) (تصویر شماره ۲۰).

نکته: پیوند ایرانی از آجرهای به اصطلاح «مربع خشتی» به اندازه بُعد آجر است که همتای آن در هیچ نوع دیگر از آجرکاری های کشورهای صنعتی دیده نشده است. این آجرکاری از نظر زیبایی به واقع زیبا و از جهت باری فوق العاده است (تصویر شماره ۲۰)



تصویر شماره ۱۹: عناصر آجر ایرانی؛ ترسیم نگارندگان

پیشنهاد می‌شود برای دیوارهای باربر آجری حتماً از پیوند بلوکی که باربری فراوانی نسبت به نوع پیوند کله و راسته دارند استفاده شود.



تصویر شماره ۲۲: پیوند نادرست کله و راسته که آجرها در جوار یکدیگر دارای یک کلوک بندبرشی است (یوکسلاوی)؛ ترسیم نگارندگان

نقوش آجری

نقوش آجری در پیکره بنا به شکل، قالب‌بندی، حاشیه‌بندی، کتیبه‌بندی از گلچین‌های مختلف مثل انواع نقش ساده از راسته فرش، فرش مربع لوز، جناغی و انواع آن، حصیری و انواع بسیار متنوع آن، خفته^۳ و راسته^۴ در انواع مختلف، خفته و راسته کلوک‌بندان در اشکال متغیر و زیبا، انواع خفته و راسته گل برگردان در تعداد بسیار جالب و دل‌نشین، ترکیبات نقوش گره آجری و بسیاری دیگر، و در

نماسازی ساختمان‌های امروزی که می‌تواند برای سازه‌های فلزی و بتونی با اتصالات اصولی با سفت‌کاری^۵ همراه باشد کاربرد دارد. در واقع نماسازی آجری وارد مرحله نوینی از تکنیک و هنر شده و زیبایی وصف‌ناپذیری به بناهای کوتاه مرتبه و حتی بلندمرتبه بخشیده است. هم‌چنین در دیوارکشی و حصاربندی ساختمان می‌توان در متن سطوح آجری گسترده از قاب‌سازی‌های محدود اما زیبا و انواع گلچین‌های آجری و حتی تک و جفت‌گل‌های خفته و راسته و بدون قالب‌بندی در متن دیوارهای آجری نیز بهره کافی برد (توضیحات در جدول شماره ۱).

در گلچین‌های آجری، نقش دهی در رج‌های آجرکاری بسیار حائز اهمیت است. برای این کار با آجرهای رنگین می‌توان نقوش بسیار دل‌پذیری به وجود آورد. در استفاده از آجر رنگی برای نقش دادن به متن آجرکاری نمای ساختمان باید دقت کرد و با جابه‌جایی آجرهای رنگی در متن، رج‌های آجرکاری را به صورتی طراحی کرد که با ترکیب آجرهای رنگی نقوش بسیار زیبایی در نما حاصل شود. در این اجرا می‌توان با همگن‌سازی رج‌های رنگی آجری با رج‌های غیررنگی در شکل دهی متن آجرکاری به خصوص در گلچین‌های خفته و راسته در انواع مختلف، انواع گوناگون حصیری و جناغی، گل برگردان‌ها، سُم آهویی^۶ و نقش‌های دیگر را استفاده کرد و به نماسازی جلوه‌ای زیبا بخشید. نکته قابل توجه در این شیوه اجرا، تیشه‌داری در به وجود آمدن نقوش است.

جدول شماره ۱: معرفی اجمالی نقوش آجری

انواع	انواع نقوش آجری به صورت اجمالی	
<p>۱- حصیری سه خفته یک راسته ۲- حصیری سه خفته بلند، سه راسته کوتاه ۳- حصیری سایه روشن ۴- حصیرباف باز دوخفته، سه راسته ۵- حصیرباف تخمکدار ۶- حصیری تخمکدار لوز ۷- حصیرباف تخمکدار دوراسته، دوخفته ۸- حصیری ساده ۹- حصیری سایه روشن رو، وارو ۱۰- حصیری چهار، چهار سایه روشن ۱۱- حصیری تخمکدار بند به بند</p>	<p>کاربرد نقوش حصیری در انواع بسیار متنوع در آثار ایران و به خصوص منازل مسکونی و در سردر سازی‌ها و به طور کلی در نماسازی‌های سنتی دارای قدمتی طولانی است. امروزه از نقوش حصیری در نماسازی‌های آجری بهره کافی برده می‌شود. استفاده از نقوش حصیری در ترکیب قاب‌های محدود و یا به شکل کتیبه‌های عمودی و افقی در سر چار که کشی‌ها سادگی نما را به زیبایی خاص تبدیل می‌کند. هم‌چنین در نماسازی از نقوش یادشده می‌توان «اسپر» دیوارسازی حیاط و محوطه به شکل قاب‌سازی‌های محدود و یا گسترده استفاده و در ترکیب و چهارچوب طاق نماسازی‌های سنتی برای حیاط و غیره بهره برد. مسلماً با اجرای نقوش یادشده سادگی آجرکاری به زیبایی دل‌پذیری مبدل خواهد شد. از نقوش حصیری می‌توان در ساختن سکوی گل-نماسازی پاسیو و بسیاری دیگر استفاده کرد.</p>	نقوش حصیری
<p>۱- نقش جناغی چپ و راست ۲- نقش جناغی یک‌درمیان سایه روشن ۳- نقش جناغی ۷ و ۸ ۴- نقش جناغی سایه روشن یک در میان ۵- نقش جناغی ۷ و ۸ سایه روشن ۶- نقش جناغی دو در میان سایه روشن ۷- نقش جناغی خوشه انگوری ۸- نقش جناغی خفته راسته یک طرفه ۹- نقش جناغی سایه روشن، خفته راسته یک طرفه ۱۰- نقش جناغی خفته راسته سایه روشن یک طرفه دو در میان ۱۱- نقش جناغی خفته راسته یک طرفه، سه در میان ۱۲- نقش جناغی رفت و برگشت ۱۳- نقش جناغی سایه روشن رفت و برگشت</p>	<p>در آثار قدیمی و در ساختمان‌های سنتی کاربرد نقوش جناغی در قسمت‌های مختلف بنا به خصوص در طاق نماسازی‌ها بسیار مورد توجه بوده است؛ اما از نقوش جناغی در اشکال بسیار متنوع می‌توان برای نماسازی‌های آجری امروز به شکل قاب‌بندی‌های محدود در سطوح «اسپر» نما نقش‌آوری‌های بسیار زیبایی را به وجود آورد. هم‌چنین از نقوش جناغی می‌توان در پوشش‌های طاقی به مانند انواع طاق‌های دوردار^۸ و یا طاق‌های آهن گم در زیر کنسول‌ها، بالکن‌ها و هر پیش‌آمدگی دیگر نهایت بهره را داشته باشیم. در ضمن از نقوش یادشده می‌توان برای نقش دهی در کف‌پوش‌ها چه به شکل سنتی از آجر سبز و زرد برای مفروش‌سازی محوطه و یا قسمت‌های دیگری از فضا و در طاق‌نمای زیبا برای محوطه در چهارچوب سنتی هنرآفرینی کرد.</p>	نقوش جناغی

انواع	انواع نقوش آجری به صورت اجمالی
<p>۱- نقش خفته راسته سایه روشن</p> <p>۲- نقش خفته و راسته یک رج سایه دو رج روشن</p> <p>۳- نقش خفته راسته دو رج در میان سایه روشن</p> <p>۴- نقش خفته و راسته سُم آهویی</p> <p>۵- نقش خفته و راسته سُم آهویی سایه روشن دار</p> <p>۶- نقش خفته و راسته سُم آهویی طبل ۳۰دار</p> <p>۷- نقش خفته و راسته یک طرفه</p> <p>۸- نقش خفته و راسته یک طرفه سایه روشن</p> <p>۹- نقش خفته و راسته یک طرفه دو رج در میان سایه روشن</p> <p>۱۰- نقش خفته راسته یک طرفه با گل مکرر پنج رگی</p> <p>۱۱- نقش خفته راسته پاتوپا</p> <p>۱۲- نقش خفته و راسته با گل سه رگی</p> <p>۱۳- نقش خفته و راسته (۳، ۷ و ۱۳ رگی)</p> <p>۱۴- خفته و راسته گل برگردان سایه روشن</p>	<p>بدنه نما و طاق‌های آجری در فرم‌های مختلفی پوشش می‌شود. هر یک از این پوشش‌ها از اصول و ضوابط خاصی پیروی می‌کنند؛ اما در مواردی نیز از نظر ضوابط، ضمن انجام کار عوض می‌شود. شکل‌گیری این حالت‌ها به ضرورت آن و به سلیقه سازنده بستگی کامل دارد. به طوری که می‌توان ضمن اجرای کار، با بهره‌گیری از متن، طرح‌های اصلی، طرح‌های متعدد دیگری نیز به وجود آورد. پوشش‌های طاق ضربی به صورت خفته راسته، از معمول‌ترین انواع پوشش‌هایی است که در ساختمان‌های آجری، در زمانی نه چندان دور، در زیرزمین‌های نشیمن، حوض‌خانه، راهروها و سراسراها، آب‌انبارها، اتاق‌های کاروان‌سراها، حجره‌ها، عرق‌چین در پوشش رواق‌ها، بین رسمی‌بندی‌ها و دورها و گوش‌فیل طاق‌های آجری در بازارها و بین دوره‌های «پاتوپا» در شبستان‌های مساجد و طاق‌نما سازی‌ها و در فرش کف؛ و در بسیاری موارد دیگر از آن استفاده کرد.</p>

نتیجه‌گیری

در هنر آجرکاری به خصوص در بناهای مسکونی معماران خوش ذوق، گلچین‌ها و نقوش بسیار زیبا و دل‌نشینی را خلق کرده‌اند که برخی از آن‌ها از گنجینه هنرهای معماری تا به امروز برای ما به میراث باقی مانده است. نقوش و گلچین‌های بسیار شگرف از حرکات و نقوش آجری و شیوه‌های اجرایی، تنوع و روش‌های ارزش‌مندی را از گذشتگان به جا گذاشته که می‌تواند وجوه بسیار عمیق از فرهنگ کهن دیرینه از کشور عزیزمان ایران را برای نماسازی ساختمان‌های امروزی به ارمغان آورد. این امر باعث می‌شود تحولی ریشه‌ای در جهت ارتقای فرهنگ غنی معماری ایران به وجود آید. مسلماً از طرف نهادهای عمرانی به خصوص وزارت راه و شهرسازی باید اندیشه‌های ریشه‌ای شکل گیرد.

می‌توان با برنامه‌ریزی‌های اصولی در این زمینه برای رشته‌های معماری و عمران دانشکده‌های مربوطه اندیشه و عمل را با هم تلفیق کرد. در این مسیر وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی تربیت استادکاران ماهر بنا و با دانش است. در این زمینه می‌توان با مساعدت سازمان میراث فرهنگی با برخورداری از معماران توانمند و علاقه‌مند به هنر آجرکاری در تربیت استادکاران بهره‌گرفت. هم‌چنین می‌توان به طرح موضوع در کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای انقلاب فرهنگی پرداخت تا ضوابطی تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارائه شود و با تصویب مجلس به کلیه ارگان‌های ساختمان‌ساز و ... کشور خصوصاً شهرداری‌ها ابلاغ و اجرا شود. آن زمان به نماسازی‌های بسیار زیبا برای ساختمان‌های کشور به خصوص معماری شهری و برگشت به نماسازی آجری از معماری بسیار باارزش خویش‌نائل خواهیم شد (ان شا الله).

پی‌نوشت

۱. «شمس» واقع در ایذه مالا میر، رجوع شود به کتاب راه‌های قدیم مغرب ایران (۱۹۴۰)، تألیف سروال استاین، چاپ لندن.
۲. کانی‌های آهن: سولفورها، فسفات‌ها، منگنز، منیزیم، سدیم، پتاسیم، مواد آلی گیاهی و... است.

۳. سیلیس: سیلیس به شکل دانه‌های ماسه بسیار ریز ۲/۶ میلی‌متر و از موادی است که در خاک آجر یافت می‌شود. ماسه استخوان‌بندی خشت است. اگر در آجر زیاد باشد مقدار خاک رس کم می‌شود، در نتیجه آجری به دست می‌آید، ترد و پوک که مقاومتش نیز کم است.
۴. آلومین: آلومین در صورت پخته شدن به راحتی ذوب می‌گردد و جسم یک‌پارچه و همگنی را به وجود می‌آورد.
۵. فلدسپات: فلدسپات در آجر به صورت عامل گدازآور عمل می‌کند و گرمای خمیری شدن آجر را به حدود ۱۱۵۰ - ۱۱۰۰ سانتی‌گراد تقلیل می‌دهد.
۶. سنگ آهک: اگر سنگ آهک به صورت دانه درشت در خاک خشت باشد پس از پخته شدن در کوره، گاز کربنیک آن جدا می‌شود و آهک زنده باقی می‌ماند و این باعث می‌شود پس از رطوبت دیدن آجر پخته‌شده، آهک زنده موجود در آن به آهک شکفته تبدیل شود و پدیده به اصطلاح آلونک را به وجود آورد (آجر را می‌ترکاند و به اصطلاح پولک می‌شود) و سبب نازیباسازی نما می‌شود.
۷. سولفات‌ها: سولفات‌ها در موقع آسیاب کردن خاک به شکل گرد در می‌آیند و پس از مصرف شدن آجر، آب ملات را جذب می‌کند و به صورت سفیدک در نمای ساختمان ظاهر می‌گردد که به این پدیده شوره زدن نما گفته می‌شود.
۸. املاح آهن: نقش اکسید آهن در آجر، نقش گدازآور را دارد و در صورتی که در خاک آجر به پنج درصد وزن آن برسد دمای ذوب را کاهش و رنگ آجر نیز سرخ می‌شود.
۹. مواد گیاهی: در صورتی که این مواد در خاک آجر کنترل نشود، در هنگام پخت آجر فضاهای خالی به جای می‌گذارد و آجر به دست آمده پوک خواهد شد.
۱۰. هوفمان: این کوره در سال ۱۸۵۸ میلادی به ابتکار یک بنای آلمانی به نام فردریک هوفمان ساخته شد و به همین نام مشهور گردید.
۱۱. برج بابل نقل از کتاب آجر، ص ۹، از انتشارات مجله هنر و مردم: برج بابل پس از ساخت به دفعات تعمیر شده که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۷۸۰ قبل از میلاد کاملاً بازسازی شده است.
۱۲. چارکه: چار، یک. ¼ آجر ایرانی - امروزه به نیمه آجر قزاقی نیز چارکه می‌گویند.
۱۳. فلکه: دایره، منحنی و مدور.
۱۴. قفل و بست: در آجرکاری به جای پیوند نیز از اصطلاح «قفل و بست» به کار برده می‌شود.
۱۵. چاردانگ: آجر مربع تمامی ۲۰×۲۰×۵ سانتی‌متر، ضمناً به دانگ «دنگ» اطلاق می‌شده است.

۱۶. سه‌دانگ: $\frac{1}{4}$ آجر ایرانی $5 \times 15 \times 20$ سانتی‌متر.

۱۷. دودانگ: $\frac{1}{3}$ آجر ایرانی $5 \times 10 \times 20$ سانتی‌متر.

۱۸. پاره: $\frac{1}{8}$ آجر ایرانی $5 \times 5 \times 10$ سانتی‌متر. در ضمن در بسیاری موارد به پاره، پاره آجر گفته می‌شود.

۱۹. شستی: $\frac{1}{16}$ آجر ایرانی $2/5 \times 5 \times 10$ سانتی‌متر. در ضمن شستی از ضخامت شست انسان آمده است.

۲۰. قناس: آجر لچکی که از تقسیم آجر مربع از محل قطر به دو قسمت مساوی به دست می‌آید. از این آجر برای فرش کف حیاط، تیغه‌های طاق‌نما به‌نام تیغه قناس، پوشش‌های تیغه‌ای در طاق پوش‌ها و... استفاده می‌شده است.

۲۱. قفلی: معمولاً برای نشست چهارچوب درب حیاط و سایر درب‌ها و پنجره‌ها در کلاف دیوار توسط تیشه‌داری قسمتی از آجر مربع به شکل (L) تراشیده می‌شده و قسمتی از چهارچوب در آن نشست می‌کرده است. این روش از باز شدن درز بین آجرکاری و چهارچوب جلوگیری داشته است.

۲۲. پیوند کله و راسته: در دوره پهلوی اول تخریب برخی از بافت‌های قدیمی شهرها به خاطر خیابان‌کشی‌ها، ساخت‌وساز در شهرهای جدید و به طور خلاصه کارهای عمرانی فراوان انجام می‌شد. این ساخت‌وسازها با پیمان کاری شرکت‌های آلمانی انجام می‌گرفت. عموماً کارگران فنی این شرکت‌ها از کشور یوگسلاوی بودند و پیوند آجرکاری خود را که همان کله‌وراسته است به کار می‌گرفتند که در نتیجه جایگزین آجر ایرانی مربع شد؛ از جهت اینکه کوره‌های «میلی» متداول و پخت آجر به اصطلاح قزاقی که معادل آجر نظامی نادری است در تمام کشور معمول بود.

۲۳. خفته: رج خوابیده - رج افقی.

۲۴. راسته: رج عمودی.

۲۵. سفت کاری: استخوان‌بندی، اسکلت‌سازی.

۲۶. سُم آهویی: ترکیب و شکل پای آهو.

۲۷. اسپر: دیواری نه چندان گسترده.

۲۸. دورداز: قوس دار، منحنی، کماتی، انحنایی.

۲۹. پاتویا: نشست دو عضو، دو بدنه در یکدیگر.

۳۰. طبل: شکل هندسی از نقوش گره که از ترکیب (طبل صدا) آمده است.

فهرست منابع و مراجع

۱. آریان‌پور، عباس (۱۳۷۰)، **فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی**، نشر سپهر، تهران.
۲. اشمیت، اریک فریدریش (۱۹۳۹)، **خزانه تخت جمشید**، موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو.
۳. اکبری، پریش (۱۳۷۷)، «معماری مساجد خوارزمشاهی در خراسان»، **نشریه آئو**، ۲۹-۳۰، ص ۱۵۹ - ۱۶۷.
۴. بزرگمهری، زهره و خدادادی، زهره (۱۳۸۹)، **آموردهای ایرانی (شناخت، آسیب‌شناسی و مرمت)**، انتشارات سروش دانش، تهران.
۵. بهاروند، ندا؛ آرن، مهرا؛ ترخانی محمدسالار؛ قرشی، منوچهر و طالبیان، محمدحسین (۱۳۸۹)، «بررسی زمین ساخت فعال در تاق‌دیس سردارآباد و اثر آن بر معبد چغازنبیل»، **نشریه زمین**، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱ - ۱۴.
۶. پرتو، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، **واژه‌یاب فرهنگ برابری‌های پارسی واژگان بیگانه**، اساطیر، تهران.
۷. چینگ، فرانسیس دی.ک. (۱۳۷۹)، **فرهنگ تصویری معماری**، ترجمه محمد احمدی‌نژاد، نشر خاک، اصفهان.

۸. رفیعی سرشکی، بیژن (۱۳۸۱)، **فرهنگ مهرازی معماری ایران**، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

۹. زمانی، عباس (۱۳۴۹)، «مسجد جامع گناباد»، **هنر و مردم**، شماره ۹۲، ص ۶ - ۱۴.

۱۰. زمرشیدی، حسین (۱۳۶۸)، **اجرای ساختمان با مصالح سنتی**، انتشارات افشار، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش، تهران.

۱۱. سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۵)، «تزیینات آجری در معماری اسلامی ایران»، **مجله معارف اسلامی**، شماره ۲، سازمان اوقاف، ۸۵-۸۸.

۱۲. سسرتیپی پور، محسن (۱۳۹۲)، **شناخت مواد و مصالح**، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران.

۱۳. کامرون، جرج گلن (۱۹۳۶)، **تاریخ ایران قدیم**، موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو.

۱۴. کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶)، **تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی**، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

۱۵. گریشمن، رومن (۱۳۷۳)، **چغازنبیل (دور-اوتناش)**، جلد اول زنگورات، ترجمه اصغر کریمی، انتشارات میراث فرهنگی، ص ۲۴ - ۲۶. تهران.

۱۶. گزارش‌های باستان‌شناسی (۱۳۲۹)، جمعی از همکاران، جلد اول، مأمور کاوش: مهندس علی حاکمی و آقای محمود راد، اداره کل باستان‌شناسی، تهران.

۱۷. لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷)، دانشگاه تهران، تهران.

۱۸. مصطفوی، سیدمحمدتقی (۱۳۴۶)، **نگاهی به هنر معماری ایران**، شرکت سهامی سیمان تهران.

۱۹. مصطفوی، سیدمحمدتقی (۱۳۵۹)، **نگاهی به هنر معماری ایران**، شرکت سهامی سیمان تهران، شرکت سهامی سیمان شمال، تهران.

۲۰. معاریان، غلامحسین (۱۳۶۷)، **نیارش سازه‌های طاقی در معماری اسلامی ایران**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ج ۱.

۲۱. مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷)، **تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، تزیینات معماری**، انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران.

۲۲. نعیم، غلامرضا (۱۳۳۴)، **دزفول شهر آجر**، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.

۲۳. هادیان‌دهکردی، منیژه (۱۳۸۰)، **گزارش مطالعات انجام‌شده روی خاک‌های رس منطقه چغازنبیل جهت انتخاب خاک مناسب برای ساخت مصالح مرمتی**، پروژه بین‌المللی حفاظت و مرمت مجموعه چغازنبیل.

۲۴. هادیان‌دهکردی، منیژه (۱۳۹۴)، «کانی‌شناسی و بررسی شرایط پخت آجرهای تاریخی چغازنبیل»، **فصلنامه علمی پژوهشی علم و مهندسی سرامیک**، دوره ۴، شماره ۲، ص ۴۶ - ۳۳.

۲۵. هاریس، سیریل ام. (۱۳۸۱)، **فرهنگ تشریحی معماری و ساختمان**، ترجمه محمدرضا افضلی، نشر دانشیار، تهران.

۲۶. ویلبر، دونالد (۱۳۴۶)، **معماری اسلامی ایران**، دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریار، بنگاه ترجمه و نظر کتاب، تهران، ایران.

27. Panahi, A. (2012), "Application of geometry in brick decoration of Islamic architecture of Iran in Seljuk period", **Journal of American Science**, 8(6). 814-821.

بررسی مؤلفه‌های جغرافیایی و محیط‌زیستی در شکل‌گیری شهر میبد از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی*

محسن میرجانی ارجنان^۱، رضا رضالو^{۲*} (نویسنده مسئول)، کریم حاجی زاده باستانی^۳، علیرضا سرداری زارچی^۴

^۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

^۲ دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

^۳ استادیار باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

^۴ استادیار باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۸)

چکیده

دشت یزد - اردکان از کهن‌ترین دوره استقرار از منظر مکان‌گزینی حوزه‌های جغرافیایی قابل استفاده برای سکونت، فاقد انتخاب‌های طبیعی متنوع بوده است. مهم‌ترین علل این وضعیت محدود بودن منابع زیستی از قبیل جریان‌های آبی دائمی و شرایط اقلیمی حاکم بر این دشت به واسطه موقعیت جغرافیایی آن است. روش تحقیق در این مقاله به شیوه بررسی میدانی و اسناد و مکتوبات در قالب نقشه‌ها و نمودارهای مرتبط سامان یافته است. مهم‌ترین اهداف این مقاله ارائه یک الگوی استقراری مبتنی بر اقلیم، جغرافیا و بوم‌شناسی میبد است. سؤال اساسی این پژوهش مبتنی است بر این موضوع که شکل‌گیری این شهر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین استقرارهای دشت یزد - اردکان، حاصل چه برهم‌کنش‌ها و تأثیرات متقابل انسان و محیط پیرامون او بوده است. با استفاده از نتایج بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی و ارزیابی مؤلفه‌های جغرافیایی و زمین ریخت‌شناسی از قبیل تنوع منابع آبی (آبراهه‌های باستانی و فن‌آوری قنات)، شیب و ارتفاع زمین و واقعیت‌های زمین‌شناسی دشت میبد، مشخص می‌شود، شکل‌گیری میبد از پیش از تاریخ تا کنون در محدوده فضای دشتی با بستر رسی میسر بوده است. در دوره پیش از تاریخ و تا قبل از فراگیر شدن فن‌آوری کاربرد این استقرارها فصلی و بدون تداوم استقراری در مجاورت آبراهه‌های باستانی در مجاورت تراس رسی روستاهای بارجین - بیده شکل گرفته‌اند. بعد از آشنایی با فن‌آوری قنات این استقرارها در قالب شهر امروزی میبد به صورت دائمی تداوم داشته است.

واژگان کلیدی: دشت یزد - اردکان، تراس رسی، آبراهه‌های باستانی، قنات، الگوهای استقراری میبد.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری محسن میرجانی ارجنان با عنوان «تحلیل و بررسی الگوهای استقراری محوطه‌های پیش از تاریخی شهرستان میبد» است، که در گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی و تحت راهنمایی دکتر رضا رضالو و مشاوره دکتر کریم حاجی زاده باستانی و علیرضا سرداری زارچی به انجام رسیده است.

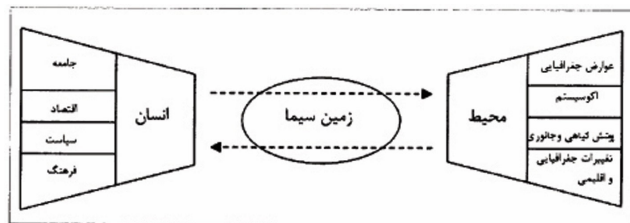
** E-Mail: reza_rezaloo@yahoo.com

اصطلاح چشم‌انداز و زمین‌سیما^۱ به معنای بستر جغرافیایی زندگی انسان تعریف می‌شود. یکی از گرایش‌های مطالعات باستان‌شناسی که با ترجمه‌های متنوعی از قبیل باستان‌شناسی چشم‌انداز، زمین‌سیما و پهن‌دشت^۲ مطرح شده است. برخی، باستان‌شناسی چشم‌انداز را به مثابه جمع دو علم جغرافیا و باستان‌شناسی می‌دانند (رضالو، ۱۳۸۰: ۷). چشم‌انداز به معنای مجموعه‌ای از مکان‌های مرتبط با هم است که هر تغییر در یک نقطه از آن، سبب تغییراتی در دیگر نقاط می‌شود و بستری است که در اثر تعامل انسان با محیط پیرامونش شکل گرفته است (Evans, 2006: 132). جوامع انسانی و جغرافیای طبیعی دو عامل عمده‌ای هستند که ساختار زمین‌سیما را شکل می‌دهند. حضور انسان در مکان و جابه‌جایی وی از مکانی به مکان دیگر، زمین‌سیما را شکل می‌دهد. زمین‌سیما محدوده‌ای است جغرافیایی که به‌واسطه برهم‌کنش‌های متنوع انسان در طول تاریخ شکل گرفته است (Tilly, 2006). یکی از مهم‌ترین نظریه‌های معطوف به نحوه ارتباط اقلیم و جغرافیا با شکل‌گیری رفتارهای انسانی در جهت شکل‌گیری استقرارها و سکونت‌گاه‌ها، گرایش «اکولوژی فرهنگی» است. این رویکرد به تبیین اموری می‌پردازد که منجر به بهره‌برداری انسان از طبیعت در جهت مکان‌گزینی مناسب برای زندگی است (Glock, 1985: 465). مطالعه نظام‌مند ارتباط متقابل انسان (فرهنگ) و طبیعت (زیست‌بوم) موضوع اصلی اکولوژی فرهنگی را شکل می‌دهد. تأکید بر اکولوژی فرهنگی در کنار علاقه به بازسازی رفتار انسان، راهی برای شناخت محیط زندگی جوامع گذشته و متغیرهای مهم و تأثیرگذار محیطی است (Michaels, 1996a: htm) در مطالعات باستان‌شناسی و جغرافیایی معطوف به زمین‌سیما علاوه بر اینکه سازمان فضایی سکونت‌گاه‌ها در قالب مطالعه الگوهای استقرار بررسی می‌شود، برهم‌کنش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع با محیط نیز مورد توجه است و تمامی فعالیت‌های انسانی در مواجهه با زیست‌بوم جغرافیایی در نظر گرفته می‌شوند (نمودار شماره ۱). در این دیدگاه محیط، بستر پرورش‌دهنده آثار مادی و ادراکی انسان‌ها تلقی شده است (Robin, 2002: 163) و جوامع انسانی به عنوان عامل اصلی تغییر شکل محیط پیرامون خود شناخته می‌شوند. زیست‌بوم میباید با توجه به محدود بودن منابع زیستی و وابستگی به منابع آبی، کاملاً منطبق با این عنصر طراحی شده است. ظهور و بروز این وضعیت نقش ویژه‌ای بر شکل‌گیری شهری و روستایی این شهر داشته است. مطالعه سیر تحول این حوزه جغرافیایی و فرهنگی بدون نقش مؤلفه‌های زیستی به ویژه منابع آبی و شیوه استحصال و به کارگیری آن میسر نیست.

بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی، حوزه فرهنگی - جغرافیایی میباید از دوران فرایارینه سنگی، بستری مناسب برای استقرارهای انسانی در دشت یزد - اردکان بوده است (رضوانی، ۱۳۸۹). در دوران تاریخی و اسلامی نیز به‌واسطه مزیت‌های راهبردی و جغرافیایی مناسب در مسیر راه‌های تجاری و نظامی (پویا، ۱۳۷۱: ۵) و هم‌چنین با استفاده از فن‌آوری قنات به عنوان عامل سازگاری اجتماعی با شرایط محیطی به یک حوزه مطرح شهرنشینی تبدیل شده است (لباف‌خانیک، ۱۳۹۳: ۸۱). در حقیقت فرایند شکل‌گیری استقرارهای انسانی، مناطق فعالیت و الگوهای موجود در آنها، علاوه بر عوامل انسانی، به عوامل زیستی و فیزیکی محیط‌های طبیعی نیز وابسته است (Barton et al. 2002). به‌واسطه این که میباید در محدوده جغرافیایی محصور در ارتفاعات و شرایط اقلیمی گرم و خشک واقع است؛ حوزه جغرافیایی برای شکل‌گیری استقرار، بدون هیچ‌گزینه انتخابی، یک دشت هموار رُسی است. مزیت‌هایی چون شیب مطلوب با جهت جنوب به شمال، منابع خاک رس ریز دانه برای کشاورزی و کوزه‌گری وجود داشته است (مهرشاهی، ۱۳۶۹). زمین‌سیمای میباید بیش از هر نقطه‌ای در دشت یزد - اردکان استعداد جذب جوامع کوچ‌رو در پیش از تاریخ را داشت. پرسش اصلی مقاله این است که روند شکل‌گیری شهر از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی متأثر از چه عوامل جغرافیایی و زیستی بوده است؟ هدف از این پژوهش بررسی نقش بسترهای بوم‌شناسی در شکل‌گیری الگوهای استقراری در دشت میباید است. اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، حاصل پژوهش‌های میدانی در دو بخش بررسی و شناسایی این شهرستان و مجموعه‌ای از نقشه‌های تولیدشده در محیط‌های متنوع برای دست‌یافتن به خصوصیات فیزیوگرافی منطقه شامل ارتفاع، شیب، جهت شیب، زمین‌شناسی و موضوع‌های مرتبط است. مؤلفه‌هایی که در میباید باعث ایجاد مزیت‌های جغرافیایی و مطلوبیت‌های محیطی در شکل‌گیری آن است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله میدانی و براساس مکتوبات و بر پایه نتایجی است که از نقشه‌های تولید شده استخراج شده‌اند. این نقشه‌ها با نرم‌افزارهایی چون Ilwis تحت GIS، ARCGIS، NASA WOLD WIND و استفاده از عکس‌های ماهواره‌ای و تصاویر هوایی گرفته شده از پهباد تهیه شده‌اند. با استفاده از این داده‌ها می‌توان تصویر روشنی از نحوه شکل‌گیری، انطباق‌های محیط‌زیستی و تأثیر مستقیم اقلیم و جغرافیا در مکان‌گزینی این شهر ارائه داد.



نمودار شماره ۱: نحوه برهمکنش انسان و محیط و شکل گیری زمین سیمما و چشم انداز؛ مأخذ: لباف خانیکی، ۱۳۸۵

معرفی عرصه مورد مطالعه

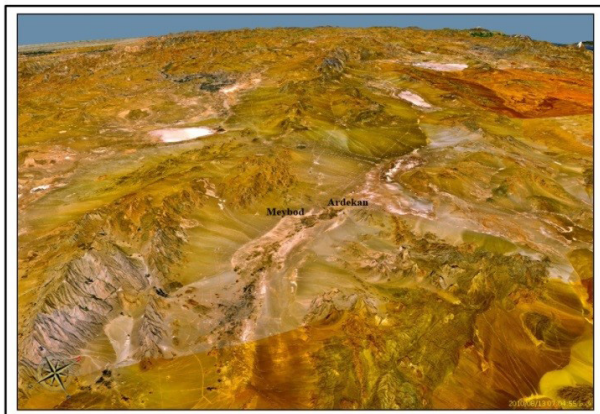
شهرستان میبید یکی از شهرستان‌های استان یزد است که در شمال غرب این استان واقع شده است. این شهرستان از شمال شمال شرق و شرق به شهرستان اردکان و از جنوب و جنوب غرب به شهرستان صدوق محدود می‌شود (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد، ۱۳۸۱: ۵۵۵) (نقشه شماره ۱).



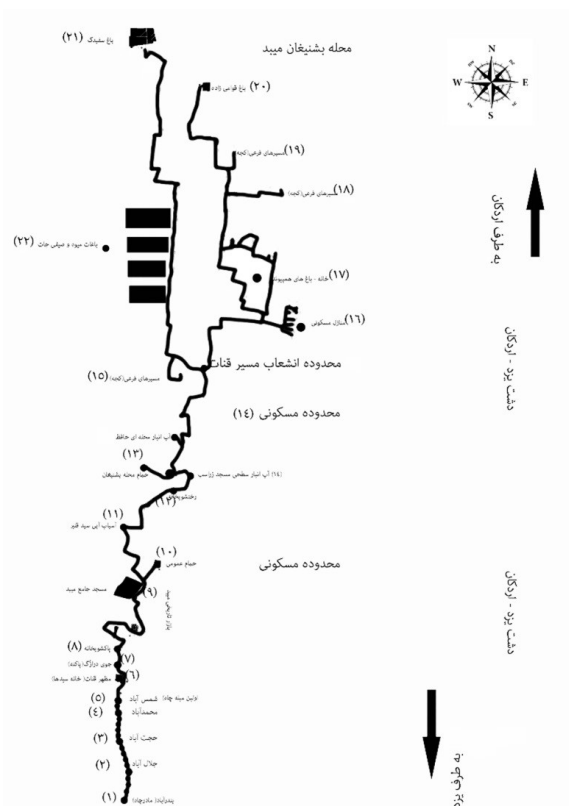
نقشه شماره ۱: موقعیت شهرستان میبید در استان یزد؛ مأخذ: آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میبید، ۱۳۹۵

میبید در میان حوزه ممتد و بسته‌ای است که از کاشان تا کرمان در امتداد جهت شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده است. این حوزه بسان کاسه‌ای تقریباً بسته به خارج راه ندارد و از هر سمت توسط کوه‌ها و ارتفاعات محدود شده است (نقشه شماره ۲). از غرب و جنوب غرب به شیرکوه، از شرق به سمت کوه‌های خراتق، از جنوب به کفه بهادران و از شمال به چاله عقدا منتهی می‌شود. اراضی شرقی و شمالی میبید دشت‌های هموار و شهر از غرب به کوهپایه‌ها و ارتفاعات جنوبی عقدا منتهی می‌شود (قبادیان، ۱۳۶۱: ۳۸). منابع آبی این شهر بسیار محدود

است و از گذشته‌های دور از آب‌های سطحی و رودهای فصلی و آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شده است (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۷). یکی از ویژگی‌های ساختاری شهر میبید از منظر طراحی شهری، شکل‌گیری آن بر مبنای مسیرهای قنات اختصاصی است که برای هر یک از محله‌های ۱۷ گانه آن طراحی شده است. این رشته قنات‌ها پس از ظاهر شدن در سطح و برداشت‌های عام المنفعه از آنها به مشروب ساختن باغ‌ها، برای ذخیره در آب انبارها و عبور از پایاب‌های خانه‌های مسکونی در محله‌های مختلف هدایت می‌شوند (نقشه شماره ۲).



تصویر شماره ۱: لنداسکپ میبید بر روی عکس ماهواره‌ای، نرم افزار NASA Wold Wind؛ مأخذ: آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میبید، ۱۳۹۵



نقشه شماره ۲: طرح شماتیک از مسیر قنات خارجا میبید از مادر چاه تا نقطه پایانی آن؛ ترسیم: نگارنده ۱۳۹۶

مؤلفه‌های جغرافیایی، زمین ریخت‌شناسی و فرهنگی میبید

دانش جغرافیا به عنوان علم برنامه‌ریزی مکانی - فضایی، همواره در جهت شناخت دقیق رابطه انسان و محیط جغرافیایی تلاش کرده است (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۳۵). از این رو، شناخت مؤلفه‌ها و عامل‌های جغرافیایی به عنوان زمینه و بسستر طبیعی و بوم شناختی استقرارهای انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. میبید از گذشته‌های بسیار دور با توجه به خصصت‌های محیطی و موانع و مواهب طبیعی توانسته به مثابه زیستگاهی پایدار و متکی به ویژگی‌های درونی و بومی همواره حیات پرتحرک و پویایی را بگذراند (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۵). در کنار مؤلفه‌های جغرافیایی، مؤلفه‌های فرهنگی به صورت متغیر و بر مبنای توسعه و پیشرفت فن آوری و تکنولوژی، یک عامل مهم در شکل‌گیری و تداوم مدنیت در میبید مطرح است. بی‌شک مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی در مواجهه با شاخصه‌های اقلیمی و بوم شناختی آن، مدیریت و استفاده فن آوران از منابع آبی محدودی است که در منطقه وجود دارد. قنات را می‌توان یکی از فن آوری‌هایی دانست که سازگاری انسان را نسبت به تغییرات محیطی به خوبی ارتقا داده و ادامه بقا در وضع نامساعد فلات مرکزی را امکان‌پذیر ساخته است. با فشار بیش‌تر تغییرات اقلیمی بر تعداد قنات‌ها افزوده شد و در بسیاری از مناطق فلات ایران، قنات تبدیل به یگانه منبع تأمین آب شده و امکان ماندگاری اجتماعات انسانی را فراهم کرده است (صفی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۴۵) به دیگر سخن، فن آوری قنات به عنوان مؤلفه‌ای فرهنگی، نشانگر قدرت انسان در هم‌ذات‌پنداری با طبیعت و ابداع تکنولوژی‌ای است برای غلبه بر محدودیت‌هایی که محیط زیست بر او تحمیل کرده (Grzymski, 2004: 12) و این دینامیسم و پویایی منجر به خلق زمین‌سیما و چشم‌انداز فرهنگی و جغرافیایی میبید شده است.

تراس رُسی بارجین - بیده میبید

این پدیده طبیعی از جمله مهم‌ترین علل شکل‌گیری میبید است. این تراس رسی که از غرب به شرق کشیده شده، سبب به‌وجود آمدن معماری، شهر و آبادی‌هایی شده است (نیکزاد، ۱۳۹۴: ۱۱۳). بنا بر نظر برخی از محققان شکل‌گیری این پدیده جغرافیایی در میبید ناشی از خشک شدن یک دریاچه باستانی است که البته متون تاریخی نیز بدان اشاره کرده‌اند (مهرشاهی، ۱۳۶۹: ۳۵ و جعفری، ۱۳۴۳: ۱۳) این موضوع در مطالعات مربوط به دریاچه نمک قم و تراس‌های ایجاد شده در اطراف آن از سوی برخی از محققان از جمله هدین، آسکولند و گابریل نیز اشاره شده است (کلینسلی، ۱۳۸۸: ۱۰). وضعیت توپوگرافیک روستای بارجین این موضوع را به بهترین وجه ممکن نشان می‌دهد. تصاویر هوایی این محوطه نشان از ایجاد چاله‌های وسیعی دارد که در مجاورت دیواره تراس رسی واقع شده‌اند (تصویر شماره ۲ و ۳). این تراس رسی منبع غنی خاک رس محسوب می‌شود که از برای تولید سفالینه‌های پیش از تاریخی در میبید مناسب بود. کشیدگی و امتداد شرقی - غربی این تراس با توجه به موقعیت استقرار دشت

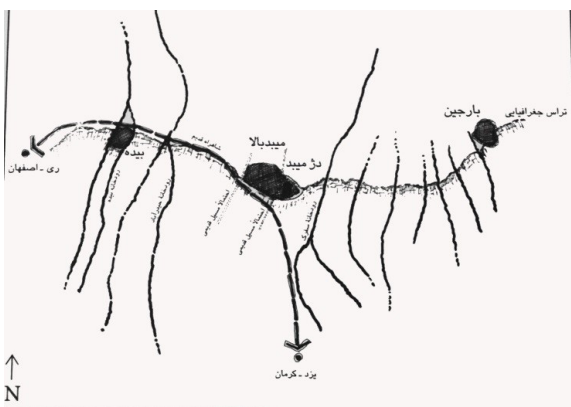
یزد - اردکان که به صورت شمال شرقی - جنوب غربی است، به عنوان سپر دفاعی برای به حداقل رساندن پدیده پیشروی شن‌های روان و تشکیل تلماسه‌های کویری عمل می‌کنند.

آبراهه‌های باستانی میبید

ارتفاع دشت میبید از جنوب به شمال کاسته می‌شود. روستای رکن آباد به عنوان جنوبی‌ترین نقطه شهر میبید از نظر تراز ارتفاعی ۲۰ متر با روستای عشرت آباد که در شمالی‌ترین نقطه آن واقع است، اختلاف سطح دارد و بلندتر است. این اختلاف سطح باعث تسهیل و تسریع در شکل‌گیری آبراهه‌ها و مسیل‌های باستانی شده است (پویا، ۱۳۷۱: ۱). این آبراهه‌ها با توجه به حرکت نزولات آسمانی از شیرکوه به سمت شمال در میبید به‌واسطه اختلاف ارتفاع ۲۰ متری دارای قدرت تخریبی و انتقال نهشته‌های فراوانی است که خود باعث ایجاد فضاهای مناسب برای کشاورزی و استقرار گروه‌های انسانی از پیش از تاریخ تا کنون شده است. در حقیقت این آبراهه‌ها مهم‌ترین منبع آبی در دوره پیش از تاریخ هستند که به‌واسطه دائمی نبودن این جریان‌های آبی هیچ‌گاه منجر به استقرار منسجم شهری و روستایی در میبید نشده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۹). ارتفاع دیواره برخی از این آبراهه‌ها در برخی از نقاط به بیش از ۱۵ متر می‌رسد (پویا، ۱۳۷۹: ۳۹) (تصاویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: عکس هوایی از آبراهه‌های باستانی روستای بیده میبید؛ مأخذ: مطالعات میدانی؛ نگارنده، ۱۳۹۶



نقشه شماره ۳: طرح شماتیک از تراس رسی میبید و نقش آن در هدایت و شکل‌گیری آبراهه‌ها و محله‌های کهن میبید؛ مأخذ: اسفنجاری، ۱۳۸۵

اثری از آن‌ها بر جای نمانده است. موضوعی که اگر طرح‌های انتقال آب به اجرا در نمی‌آمد باعث نابودی حیات و زندگی در این دشت شده بود.

رشته قنات‌های ورودی به میبد با ایجاد یک شبکه آب‌رسانی منسجم و پیچیده شامل کارکردهای عام المنفعه و اختصاصی باعث شکل‌گیری محله‌ها و کشت‌خواران‌های هم‌پیوند آن شده است. کارکردهای عمومی این قنات‌ها شامل پایاب‌ها، آسیاب‌های آبی، آب‌انبارها، حمام‌ها هستند و کارکردهای اختصاصی شامل ایجاد پایاب‌های شخصی در خانه‌ها و مشروب ساختن اراضی و کشت‌خواران‌های واقع در آن محله بوده است.

شرح فعالیت‌های میدانی و کتابخانه‌ای

ویژگی‌های فیزیوگرافی به مجموعه پارامترهای فیزیکی گفته می‌شود که مقادیر آن‌ها برای هر حوزه نسبتاً ثابت است و نشان‌دهنده وضع ظاهری و مرفولوژیکی منطقه مورد نظر است. از این ویژگی‌ها می‌توان به ارتفاع، شیب، جهت شیب و ... اشاره کرد (Pitlick, 1994). با جمع‌بندی این اطلاعات می‌توان تصویر نسبتاً دقیقی از کارکرد کمی و کیفی سیستم هیدرولوژیکی آن حوزه به‌دست آورد (علیزاده، ۱۳۸۶). هیدرولوژی علم مطالعه آب‌های زمین، منشأ، جابه‌جایی و پراکنش آن‌ها، ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی، ارتباط آب با محیط فیزیکی و بیولوژیکی و تأثیرات آن روی فعالیت‌های انسانی است (مهدوی، ۱۳۸۵: ۳). در حالت کلی شهرستان میبد خود بخشی از زیر حوزه هیدرولوژیک یزد- اردکان در تقسیمات هیدروژیکی کشوری قرار می‌گیرد که در نقشه شماره ۴ نشان داده شده است.

شهرستان میبد در شرایط خاصی قرار دارد به گونه‌ای که با قرارگیری دو سلسله رشته کوه در سمت‌های شرقی و غربی آن و هم‌چنین در بُعد بالاتر، قرارگیری در مسیر عبوری سایر جریان‌های آبی تخلیه‌شده از سمت غربی و شرقی دشت یزد- اردکان است؛ این نکته باعث شده که همواره در طول دوره‌های زمین‌شناسی منطقه‌ای مناسب از نظر آب‌دهی و دریافت آب‌های سطحی در کل منطقه باشد.



تصویر شماره ۳: عکس هوایی از آبراهه‌های باستانی روستای میبد
میبد؛ مأخذ: مطالعات میدانی، نگارنده، ۱۳۹۶

رشته قنات‌ها و کاریزها

قنات‌ها به عنوان تنها سازوکار برای شکل‌گیری استقرارهای دائمی روستانشینی و شهرنشینی در میبد بویژه از دوران تاریخی و اسلامی مطرح است، این پدیده نقش بسیار مهمی در ترسیم چشم‌انداز جغرافیایی و اقلیمی میبد در دوره اسلامی داشت. از این رو، پدیده قنات را می‌توان مؤلفه‌ای برآمده از برهم‌کنش اقلیم، جغرافیا و نیازهای جوامع بشری برای استقرار و سکونت دائم دانست. قنات‌ها بر خلاف چشمه‌ها و آبراهه‌ها در تمام طول سال دارای آبی گوارا و سالم هستند (مسرت، ۱۳۸۴: ۴۶). در منابع تاریخی اشارات متعددی به احداث و ایجاد قنات در میبد در قرون اسلامی شده است (همدانی، ۱۳۶۱: ۴۵؛ یزدی، ۱۳۷۰: ۹۸ و مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۵۰). در خصوص جهت جریان زیرزمینی آب‌ها در قنات‌ها، کارشناسان قدیمی برآنند که در شیب دشت‌ها و به عنوان نمونه دشت یزد- اردکان در مسیرهایی که آبراهه‌ها حرکت می‌کنند، آب‌های زیرزمینی نیز به آهستگی در همان جهت از زیر زمین پیش می‌روند (پویا، ۱۳۷۹: ۱۲۴). از این رو، مسیر حرکت قنات‌ها در این دشت دقیقاً منطبق با مسیر حرکت و شکل‌گیری آبراهه‌های باستانی است (تصویر شماره ۴ و ۵). قنات‌ها تا حدود نیم قرن پیش هم‌چنان به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین آب در دشت یزد- اردکان مطرح بودند که با تغییر الگوهای زیستی و صنعتی منطقه و حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق دیگر

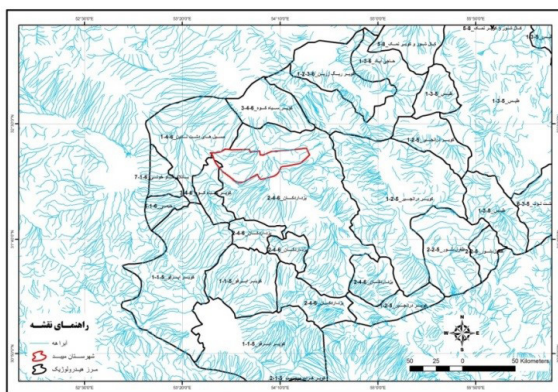


تصویر شماره ۴: عکس هوایی سال ۱۳۳۵ میبد. نحوه استقرار رشته قنات‌ها در راستای مسیر آبراهه‌ها که به صورت عمود بر تراس رسی میبد واقع شده‌اند؛ مأخذ: آرشیو پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۵

می تواند در شناخت رژیم آبی حوزه کمک کند. بر اساس نقشه DEM^۴ طبقه بندی ارتفاعی شهرستان میبد را می توان در نقشه شماره ۵ دید، ولی در جهت اهداف مقاله موقعیت محوطه های شناسایی شده بر روی نقشه هیپسومتری روی هم اندازی شد که در نقشه شماره ۶ می توان مشاهده کرد.

همان طور که در نقشه شماره ۷ مشخص است تمرکز محوطه ها بر روی سطوح ارتفاعی ۱۱۰۰-۱۲۰۰ متر است. هم چنین مشخصات ساختارهای زمین شناسی واحدهای متفاوت شهرستان میبد به صورت کلی در جدول شماره ۱ ارائه شده و واحدهای زمین شناسی در پهنه آن ها سایت های باستان شناسی قرار گرفته است.

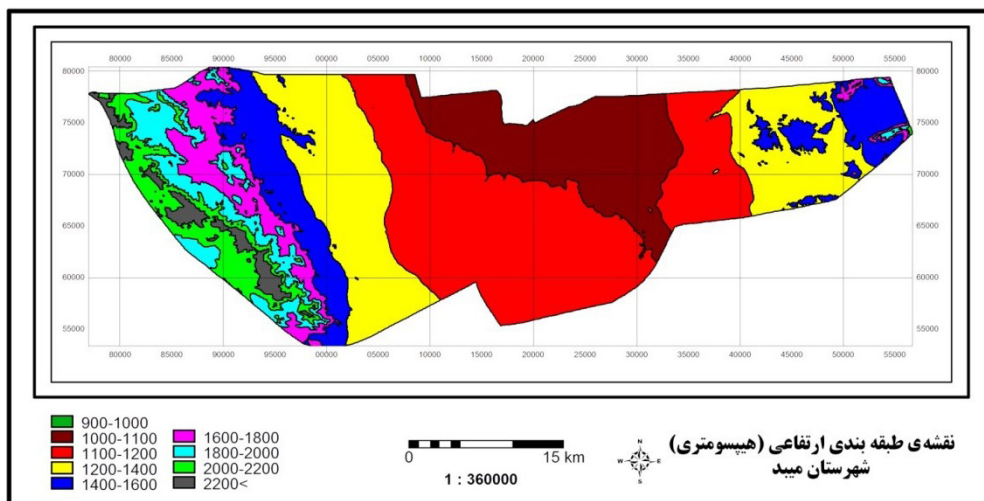
بر مبنای مکان گزینی محوطه های باستان شناسی و استقرار امروزین شهر، کفه های رسی با علامت اختصاری Q^{ef} دارای بیش ترین تمرکز استقرار لکه های زیستی است و میبد و محله های هم پیوند آن نیز بر این کفه بنیان نهاده شده است. این نقشه به خوبی نشان می دهد تمرکز استقرارهای جوامع انسانی در محدوده مشخص اقلیمی و زمین ریخت شناسی از پیش از تاریخ تا به امروز بوده است.



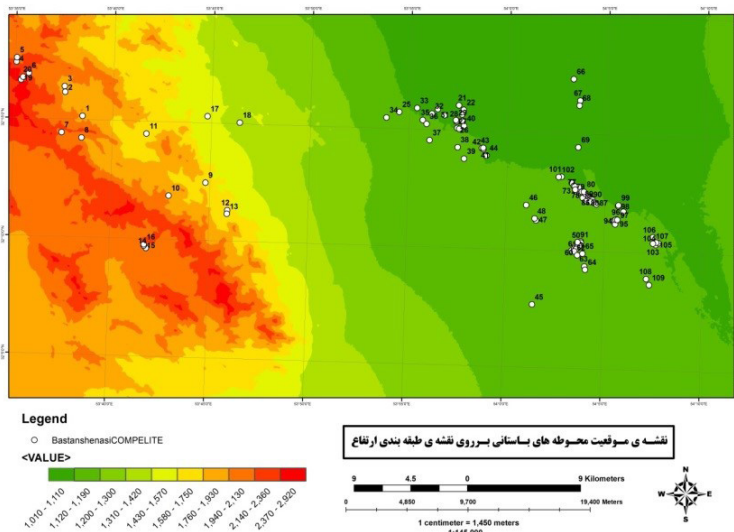
نقشه شماره ۴: موقعیت شهرستان میبد در مرزهای هیدرولوژیک استان یزد؛ مأخذ: آرشیو پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۵

مطالعات پستی و بلندی: تهیه جدول ارتفاع - سطح (هیپسومتری)^۲

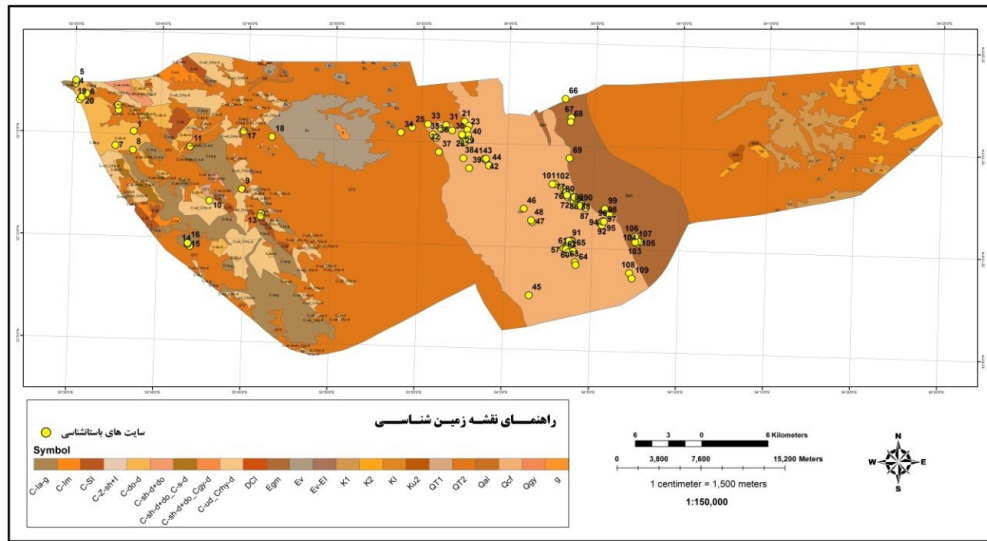
ارتفاع حوزه در میزان و نوع بارندگی، درجه حرارت و تغییرات آن، میزان تبخیر و تعرق و به طور کلی در آب و هوای منطقه و توسعه خاک و هم چنین نوع و تراکم پوشش گیاهی اثر دارد. به همین دلیل آگاهی از نحوه توزیع سطح با ارتفاع و این که چند درصد از سطح حوزه از ارتفاع معینی بالاتر یا پایین تر است،



نقشه شماره ۵: طبقه بندی ارتفاعی شهرستان میبد؛ مأخذ: آرشیو پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۵



نقشه شماره ۶: موقعیت محوطه های شناسایی شده بر روی نقشه هیپسومتری؛ مأخذ: آرشیو پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۵



نقشه شماره ۷: نقشه دیجیت شده زمین‌شناسی شهرستان میبد؛ مأخذ: آرشیو پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۵

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی نقش مؤلفه‌های جغرافیایی و بوم‌شناختی در شکل‌گیری شهر میبد پرداخته است. خروجی‌های حاصل از این پروژه نشان می‌دهد که تنها امکان زیست در محدوده میبد از پیش از تاریخ تاکنون دارای مختصات و موقعیت جغرافیایی مشابهی است. مهم‌ترین عامل در جانمایی و جایگزینی استقرارها در این محدوده مبتنی بر منابع آبی و معادن خاک رس به عنوان عاملی در جهت فعالیت‌های کشاورزی و سفالگری است. با توجه به نبود منابع دائمی آب در دشت یزد - اردکان و به تبع آن میبد الگوهای استقراری شکل گرفته در این دشت را باید در دو بخش عمده دسته‌بندی کرد:

اول: محوطه‌ها و فضاهای استقرار موقت باستان‌شناسی از پیش از تاریخ تا اواخر دوران تاریخی؛ در این برهه تنها منبع تأمین آب، آبراهه‌های باستانی هستند. این آبراهه‌ها با ژرفای بیش از ۱۰ تا ۱۵ متر و پهنای نزدیک به ۲۰ متر، باعث انتقال حجم وسیعی از نهشته‌های آبرفتی در میبد شده‌اند. این عامل بعدها با توجه به دستیابی به منابع دائمی آب کمک بزرگی به توسعه کشاورزی و یک‌جانشینی کرده است.

دوم: حفر قنات از دوره تاریخی در میبد معمول بوده و همین

عامل باعث ایجاد شهر و سکونت دائمی در این محدوده شده است. الگوهای استقرار مبتنی بر آبراهه‌ها و منابع موقتی آب و همچنین استفاده از فن کاریزکنی، هر دو بر مبنای واقعیت‌های جغرافیایی و زیستی دشت یزد - اردکان و میبد شکل گرفته‌اند. با توجه به نبود تنوع محیطی برای جایگزینی در فضاهای متنوع، تمامی استقرارهای پیش از تاریخ و روند شکل‌گیری اولین آبادی‌های متمرکز و شکل‌گیری محله‌های شهر تا دوران معاصر در جهت شمالی - جنوبی و متأثر از چشم‌انداز جغرافیایی شکل گرفته در دشت یزد - اردکان هستند (جدول شماره ۱).

با بررسی نقشه‌های تولیدی و عکس‌های هوایی می‌توان دریافت که بیش از ۸۱ درصد محوطه‌های شناسایی شده در دشت میبد - که بیش تر آن‌ها از دوره پیش از تاریخ هستند - در تراز ارتفاعی بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ متر از سطح دریا و در مجاورت آبراهه‌ها و تراس باستانی میبد شکل گرفته‌اند. توسعه شهر در دوره اسلامی نیز بر همین تراز ارتفاعی و با توجه به توانایی نقل و انتقال آب از طریق سیستم قنات به عرض‌های شمالی شکل گرفت. از منظر زمین‌شناسی نیز آمارهای استخراج شده حکایت از جانمایی مشابه محوطه‌های باستانی و توسعه شهری آن در دوران تاریخی و اسلامی دارد. در حدود ۶۶ درصد از محوطه‌های شناسایی شده بر

جدول شماره ۱: ارائه مدل تاریخی از نحوه شکل‌گیری میبد بر مبنای استفاده فن آوران از منابع آب

ردیف	دوره	شیوه استقرار	راهبرد
۱	پیش از تاریخ	فصلی و کوچ روی	سکونت در حوالی آبراهه‌ها و مسیل‌های فصلی
۲	دوران تاریخی (ساسانی)	متمرکز و شکل‌گیری بنیان اولیه میبد	حفر قنات و انتقال آن به بخش‌های پایین دست تراس میبد
۳	دوران اسلامی	متمرکز با طراحی شهری مبتنی بر محله‌گرایی	توسعه سنت کاریزکنی و ایجاد ساختارهای معماری مرتبط با توسعه شهری از قبیل پایاب، آسیاب، حمام، آب انبار و پاکنه‌های خانگی و اختصاصی
۴	دوران معاصر از دهه ۵۰ شمسی تا به امروز	عارضه مدرنیزاسیون شهری و تضعیف ساختارهای محله‌گرایی	حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و انتقال آب از سایر حوزه‌های جغرافیایی

بسترهای رُسی و بخش‌های هموار دشت که حاصل نهشته‌گذاری و شکل‌گیری بسترهای آبرفتی است، شکل گرفته‌اند؛ محدوده‌ای که در دوران‌های بعدی و تا به امروز نیز مورد استفاده برای ساخت و ساز و توسعه شهری بوده است. مطالعات آسیب‌شناسی تخریب‌های صورت گرفته توسط عوامل انسانی در تسطیح محوطه‌های باستانی برای استفاده‌های صنعتی و سکونت‌ی در مقابل تخریب‌ها و آسیب‌های طبیعی، حکایت از ۶۷ درصد آسیب دارد، که نشان‌دهنده نبود زمین‌ریخت‌شناسی مساعد برای توسعه شهری است. از نظر جانمایی و شکل‌گیری آن دارای الگوی مشابه با وضعیت شهری میبد از دوران تاریخی تا به امروز بوده است.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Landscape
- 2- Landscape Archaeology

۳- طبقه بندی ارتفاعی

۴- نقشه دیجیتالی ارتفاع

فهرست منابع و مراجع

۱. آرشیو و مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی شهر میبد، ۱۳۹۵.
۲. اسفنجاری کناری، عیسی (۱۳۸۵)، **میبد شهری که هست**، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور، تهران.
۳. پویا، سید عبدالعظیم (۱۳۷۱)، **سیمای باستانی شهر میبد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
۴. پویا، سید عبدالعظیم (۱۳۷۹)، **آبنامه یزد**، شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد.
۵. جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۴۳)، **تاریخ یزد**، به کوشش ایرج افشار، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۶. جمعه پور، محمود (۱۳۸۵)، «کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در امکان‌سنجی توان‌های‌های محیطی و تعیین الگوهای فضایی بهینه در نواحی روستایی، مورد نمونه: شهرستان تربت حیدریه»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی**، ۵۵، ۳۵ - ۵۸.
۷. رضالو، رضا (۱۳۸۰)، **باستان‌شناسی و محیط زیست تپه گزنک ساوه از دیدگاه باستان‌شناسی چشم انداز**، دانشگاه تربیت مدرس منتشر نشده، تهران.
۸. رضوانی، حسن (۱۳۸۹)، **بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان میبد**، اداره کل میراث فرهنگی استان یزد، منتشر نشده، یزد.
۹. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۹۶)، **کاربزد در ایران و شیوه‌های سنتی بهره‌گیری از آن**، موسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق، تهران.
۱۰. علیزاده، امین، (۱۳۸۶)، **اصول هیدرولوژی کاربردی**، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، مشهد.
۱۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد (۱۳۸۱)، **سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح**، تهران.
۱۲. قبادیان، عطاءالله (۱۳۶۱)، **سیمای طبیعی استان یزد در ارتباط با مسائل کویری**، دانشگاه جندی شاپور، دانشکده کشاورزی، اهواز.
۱۳. کلینسلی، دانیل (۱۳۸۸)، **کوبرهای ایران و خصوصیات ژئومورفولوژیکی و پالئوکلیماتولوژی آن**، ترجمه دکتر عباس پاشایی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۱۴. لباف خانیکی، میثم (۱۳۸۵)، «باستان‌شناسی زمین‌سیما»، **نشریه باستان‌شناسی**، سال دوم، شماره چهار، پاییز و زمستان، ۱۲۶ - ۱۱۳.
۱۵. لباف خانیکی، مجید (۱۳۹۳)، «پیدایش قنات پاسخی به تغییر اقلیم در فلات ایران»، **فصلنامه اثر**، شماره ۶۷، ۷۷ - ۸۴.

۱۶. مستوفی بافتی، محمد (۱۳۴۲)، **جامع مفیدی**، کوشش ایرج افشار، انتشارات کتاب‌فروشی اسدی، تهران.
۱۷. مسرت، حسین (۱۳۸۹)، **پژوهشی در آب انبارهای شهر یزد**، اندیشمندان یزد، یزد.
۱۸. مهدوی، محمد (۱۳۸۵)، **هیدرولوژی عمومی**، انتشارات علم و ادب، تهران.
۱۹. مهرشاهی، داریوش (۱۳۶۹)، «نگاهی به ژئومورفولوژی استان یزد»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال پنجم، شماره ۱، ۱۲۳-۱۴۷.
۲۰. همدانی، رشید الدین فضل‌الله (۱۳۶۱)، **وقف‌نامه ربع رشیدی**، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
۲۱. نیکزاد، ذات‌الله (۱۳۹۴)، «معماری بوکنی در نارین قلعه میبد»، **فصلنامه علمی، فنی و هنری اثر**، شماره ۷۰، ۱۰۹-۱۲۶.
۲۲. یزدی، رییس بن محمد (۱۳۷۰)، **جامع الخیوات**، تصحیح سید محمد علی وزیری، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان یزد، یزد.

23. Barton, C. M.; Bernabeu, J. J.; Aura, E.; Gracia, O. and La Roca, N.(2002), "Dynamic landscapes, aritifact taphonomy and landuse modeling in the Western Mediterranean", **Geoarchaeology: An International Journal**, 17, 155- 190.
24. Evans,T.L and P.T.Dally (2006), **Digital Archaeology: Bridging Metod and Theory**, Taylor & Francis Roultdge, London & New York.
25. Glock, A.E.(1985), "Tradition and Change in Two Archaeologies", **American Antiquity**, Vol. 50, Golden Anniversary Issue,464-477.
26. Grzymiski, K.(2004), "Landscape Archaeology of Nubia and Central Sudan", **African Archaeological Rewiew**, Vol 21, 7-30
27. Michaels, G, 1996, "Environmental archaeology", in B. M. Fagan(ed.), **The Oxford Companion to Archaeology**, Oxford: Oxford University Press. Oxford Reference nline, 19 March 2007 <http://www.oxfordrefernce.com/views/Entry. html subview=main&entry=t136.e338>
28. Pitlick, j.(1994), "Relation between peak flaws, precipitation, and physiography for five mountainous regions in the western usa", **Journal of Hydrology**, 158, 219 - 240.
29. Robin, C.(2002), "Archaeological ethnographies: Social dynamics of outdoor space", **Journal of Social Archaeology**, Vol2, 159-172.
30. Tilly, Christopher(2006), "Introduction: Identity, Place, Landscape & heritage", **Journal of Material Culture**, Vol 11, 7-32, [Publications London Thousand Oaks, Sa and New Delhi].

اثرات دگرگونی ساختار بر ادراک منظر در بافت تاریخی منطقه ۱۲ شهر تهران

هادی سلطانی فرد^۱، ایرج قاسمی^{۲*} (نویسنده مسئول)

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه حکیم سبزواری
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۲)

چکیده

تحولات کالبدی- فضایی با نام بهسازی و نوسازی یا به تعبیری مدرنیزاسیون شهری سبب تغییرات بنیادین در ساخت و پیکره‌بندی و بافت تاریخی شهر ایرانی شده است که به نظر می‌رسد این تغییرات تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر ادراک ساکنان از شهر و منظر شهری داشته است. منطقه ۱۲ به عنوان مرکز تاریخی و محل شکل‌گیری استخوان‌بندی شهر، هم از تغییرات ساختاری در درون و هم از تحولات ساختار بیرونی تاثیر پذیرفته و منظر دگرگونه‌ای پیدا کرده است. این مطالعه با هدف ارزیابی تغییرات مورفولوژی شهر و رابطه آن با ادراک شهروندان بافت تاریخی از منظر شهری انجام شده است. محدوده تحقیق، بافت تاریخی و استخوان‌بندی شهر در منطقه ۱۲ را تشکیل می‌دهد. به منظور تحلیل مورفولوژی شهر از رهیافت تئوری چیدمان فضا استفاده و از این طریق به ارزیابی ساخت و پیکره‌بندی بافت مورد مطالعه و کل شهر تهران پرداخته شده است. تحلیل پیکره‌بندی با ترسیم خطوط محوری در محیط نرم‌افزار Ucl Depthmap 10 انجام گرفته است. همچنین برای تحلیل ادراک شهروندان از روش پیمایشی و پرسشنامه پاسخ بسته با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. بر این اساس نمونه‌ای ۳۵۰ نفره به روش تصادفی منظم از جامعه ساکن در منطقه ۱۲ انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفتند. براساس داده‌های میدانی معیارهای منظر عینی و ذهنی مورد ارزیابی قرار گرفت و با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی به صورت فضایی تحلیل شد. در نهایت از تحلیل همبستگی پیرسون برای ارزیابی رابطه میان متغیرها استفاده شد. نتایج نشان داد که کیفیت بصری و ادراکی منظر شهری در محدوده مورد مطالعه رابطه معنادار و مستقیمی با میزان هم‌پیوندی فضاهای شهری دارد و با حرکت به عمق فضا، از میزان خوانایی و ادراک منظر شهری در محدوده مورد مطالعه کاسته می‌شود. بدین معنی که مدرنیزاسیون و نوسازی و بهسازی بافت تاریخی در بازتولید منظر پیوسته و یکپارچه عاجز بوده است.

واژگان کلیدی: منظر بافت تاریخی، درک از منظر تاریخی، مورفولوژی شهری، منطقه ۱۲ شهر تهران.

مقدمه

از آنجا که الگوی فضای سکونتگاه‌های انسانی برای پاسخ به نیازهای انسانی شکل می‌گیرد، عوامل اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی در شکل‌دهی به آن نقش عمده‌ای دارند (Nunta & Sahachaisaeree, 2012). در شهرهای ایرانی، تغییر و تحولات اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی که تحت لوای مدرنیزاسیون اجتماعی اتفاق افتاد، توسعه شتابان شهرها، گسترش شهرنشینی و ناپایداری بافت را به همراه داشته و این فرایند، مداخله در بافت تاریخی شهر را توجیه‌پذیر کرد. در جریان اولین مداخله‌ها، بازار که عامل پیوستگی فضایی - کالبدی شهر بود (ر.ک. سلطانی فرد و همکاران، ۱۳۹۲) رقیبی به نام خیابان پیدا می‌کند و بازارهای خیابانی نمود کالبدی نخستین جدال بین نظام توزیع کالا و خدمات نوین در مقابل بازار قدیم به عنوان نظام توزیع کهن شدند (ر.ک. قاسمی و دیگران، ۱۳۹۱). خیابان‌هایی که بدین شکل در بافت تاریخی ایجاد شدند افت کیفیت محیطی فضاهای شهری را نیز به دنبال داشته‌اند. بنابراین ارتباط و پیوستگی که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهری در شهر ایرانی بود و بافت تاریخی به واسطه تداوم تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی دارای انسجام و هماهنگی (ر.ک. پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰) در ساختار کالبدی - فضایی شهر بود، از بین رفت (ر.ک. پوراحمد و وفایی، ۱۳۹۶). از این زمان به بعد، همگنی و انسجام درونی شهرهای تاریخی ایران که در کوچک‌ترین اجزاء تا بزرگ‌ترین آنها وجود داشت (ر.ک. سلطانی فرد و سیدمرادی، ۱۳۹۵) رو به زوال نهاد. در اولین گام از این مداخله‌ها، سازمان فضایی بازار از شکل متمرکز به پراکنده تبدیل شده (ر.ک. قاسمی و دیگران، ۱۳۹۱) و بدین ترتیب ساختار فضایی و مورفولوژی بافت تاریخی مرکز شهر دچار خدشه شد. با این مداخله و تغییرات، منظر شهری به مثابه یکی از عناصر مهم و سازنده فضای شهری، تحت تاثیر قرار گرفت. علاوه بر این، در سطح کلان نیز توسعه شهری سبب دگرگونی‌های مداوم در ساختار و پیکره‌بندی شهر شده است که خود تاثیر مستقیمی بر ماهیت شهر، فرم آن و در نتیجه منظر شهری گذاشت (Eben Saleh, 2000; Priego & et al, 2008). بنابراین منظر شهری چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا، به دلیل تغییرات عمده‌ای که در ساخت فضایی و کالبدی شهرها به وجود آمد، دگرگونی عمده‌ای پیدا کرد. در نتیجه مداخله عمده در ساختار محیط، رفتار جدید و شکل جدیدی از کنش و واکنش‌ها (ر.ک. مثنوی و سلطانی فرد، ۱۳۸۵) بین منظر شهری و ساختار فضایی - کالبدی پدیدار گردید. از این رو می‌توان گفت این دگرگونی‌ها که براساس زمینه اقتصادی- اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در یک سیستم شهری اتفاق افتاده (Hanson, 2000) بر ویژگی‌های منظر به عنوان بخشی از ساختار طبیعت شهری (ر.ک. مثنوی و سلطانی فرد، ۱۳۸۵) و ادراک آن توسط شهروندان تاثیر مستقیم می‌گذارد (Harvey & Works, 2010). در این برداشت، منظر شهری ترکیبی از ساختمان‌ها و فضای

میان آنهاست که به واسطه توزیع و چیدمان عناصر زنده و غیرزنده شهر شکل می‌گیرد، از طریق حرکت تجربه، و به وسیله شهروندان درک می‌شود (Tilley, 2006). چیدمان عناصر فضاهای شهری متأثر از رابطه اجزاء شهر با کلیت آن و به بیان دیگر پیکره‌بندی فضایی است (ر.ک. سلطانی فرد و سیدمرادی، ۱۳۹۵) و منظر شهری بخش مهم و قابل درک فضای شهری است. از این جهت چند بعدی و پیچیده پیدا کرده و بعد بصری این مفهوم در کنار جنبه‌های ادراکی آن، منظر شهری را شکل داده و آن را تعریف کرده است. به عبارت دیگر منظر یک شهر عناصر قابل لمس و ادراکی شهر است که به واسطه الگوهای شهر، ویژگی‌های کالبدی- طبیعی شهر و پیکره‌بندی فضایی از یکدیگر متمایز می‌شوند. این تحولات به واسطه منطق فضایی و اجتماعی خود به ساختار فضا شکل داده و آن را مطابق با زمینه، بستر فرهنگی و اجتماعی و محیط فیزیکی پیرامون توسعه می‌دهد (Rapoport, 1992). در این تعامل، عناصر سازنده منظر به واسطه دگرگونی‌ها و تحولات ساخت شهر، تغییر می‌کنند و توسعه می‌یابند.

به واسطه وجود ادراک و تجربه قبلی، شدت این تحولات در بافت تاریخی شهرها بیش از سایر مناطق شهر قابل مشاهده است. بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی در یک قرن اخیر، با تغییرات گسترده‌ای در فرم و ساختار روبه‌رو بوده‌اند. رشد مداوم شهرها، تحمیل مدرنیزاسیون از بالا و پیروی از الگوهای غربی، بدون انطباق با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سبب اضمحلال سنت‌های به جای مانده و تغییر، جایگزینی و یا حذف عناصر تاریخی و فرهنگی شهرها شده است. این تغییرات مداوم در وهله اول بر تیپولوژی معماری و در مرتبه دوم بر منظر شهری اثرگذار بوده و باعث شکل‌گیری نوع جدیدی از منظر شهری گسسته از غنای تاریخی و فرهنگی شده است. منظر تاریخی شهرها همواره به واسطه زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی، فرم‌های معماری و منظر منحصر به فرد آن در ارتباط مستقیم با هویت اجتماعی، فعالیت‌ها و الگوی تعاملات ساکنان بوده است. از این رو در دهه‌های اخیر دگرگونی مورفولوژی و ساختار شهرها که با تغییرات عدیده در ساخت اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن همراه شده، سبک مدرنی از زندگی را ایجاد کرد که در تقابل با محیط سنتی و بومی شهرهای تاریخی است (ر.ک. کلاتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۸۹). این دگرگونی‌ها باعث خلق شکل جدیدی از منظر، منطبق با الگوی مدرن توسعه و همراه با تکثیر فرم‌های معماری، گسترش فضاهای باز و شبکه معابر بوده است (Curran, 1983; Lang, 1988).

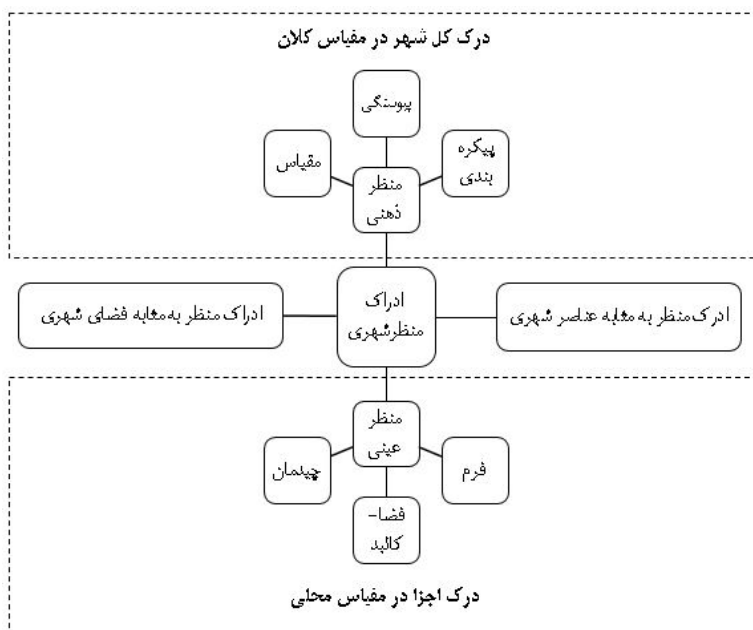
با توجه به آنچه گفته شد، مداخله فعال در فضای شهری و بافت تاریخی به معنی دخالت مستقیم در بازپردازی مثبت و یا تخریب مناظر شهری است. به لحاظ سیستمی لذت بصری که از مجموعه‌ای هماهنگ و یکپارچه از ساختمان‌ها و عناصر

ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی که محیط شهری را می‌سازند (رک. کالن، ۱۳۹۵) و به عبارتی چشم‌اندازی است که از فضای شهری رویت می‌شود. در این رویکرد شهر به مثابه کلیتی از توده و فضا، از طریق روابط بصری درک می‌شود. کالن در توجیه نظریه خود، دیدن و تجربه بصری را نقطه آغازین در درک کلیت شهر می‌داند که می‌تواند بیانگر نظم بین عناصری باشد که در تکوین محیط به کار رفته‌اند. با این حال منظر شهری علاوه بر بعد فیزیکی، حس و معنای ادراکی از فضای شهری را نیز شامل می‌شود؛ به واسطه فعالیت انسانی در فضا شکل می‌گیرد و در طول زمان تجربه و درک می‌شود (Deniz & Topcu, 2012). سلسله مراتب فضایی عناصر شهر و تنوع حاصل از آن رابطه مستقیمی با عملکرد، مقیاس و موقعیت آن دارد (رک. سلطانی فرد و دیگران، ۱۳۹۲). بنابراین آنچه منظر شهری را می‌سازد ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی و فرهنگی یک شهر است که دربرگیرنده فضای شهری، عناصر سازنده و ادراک شهروندان از آن (Varol & et al, 2011) در چارچوب سلسله مراتب شهری است. از این روست که منظر شهری از نظر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مترتب بر آن اهمیت پیدا کرده و نمایانگر سطح تمدن و فرهنگ یک جامعه است. این مطالعه با این فرض تدوین شده است که مورفولوژی شهر رابطه معناداری با ادراک منظر شهری توسط شهروندان دارد. فضای شهری از طریق پیکره‌بندی و به مثابه یک کل، باعث ارتباط مستقیم فضا و کالبد با منظر شهری می‌شود. علاوه بر این در مقیاس فرد ناظر، پیکره‌بندی فضایی به واسطه دسترسی‌ها و فضای شهری بر پیوستگی مقیاس و ویژگی‌های ادراکی منظر شهری تأثیر مستقیمی دارد. این روابط در شکل ۱ نمایش داده شده است.

مصنوع و غیرمصنوع شهری حاصل می‌شود، از لذت تک تک آنها به صورت منفرد بیشتر است. هر عنصری که این هماهنگی را افزون کند بر عملکرد مجموعه آنها تأثیر مثبت داشته و در صورت ایجاد انفکاک و جدایی بین عناصر، در عملکرد مجموعه بافت اختلال ایجاد می‌کند (Psarra, 2012). از سوی دیگر هر عاملی که کلان‌سیستم شهری را تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند بر زیرسیستم‌های شهری و از جمله منظر شهری و عناصر و اجزای سازنده منظر شهر موثر واقع شود. منظر شهری مقوله‌ای است که به طور مستقیم با هویت شهر در ارتباط است؛ زیرا همواره مفاهیمی را بازتولید می‌کند که از توده، فضا، اجزای شهری و عناصری برآمده است که در طول تاریخ در تعامل انسان‌ها با محیط پدید آمده‌اند. منظر شهری شاخص و نماد درجه و کیفیت تمدن و روحیات جمعی هر ملت و قومی، و حاصل تصمیمات و تصورات مردم آن شهر است. تحقیق حاضر به دلیل استفاده همزمان از روش‌های پیمایشی و تحلیل‌های چیدمانی و تلفیق آنها با یکدیگر حائز اهمیت است. در تحقیقات بسیاری که تا پیش از این انجام شده، با توجه به ماهیت منظر و مفهوم آنها، روش‌های تحلیل و نتیجه‌گیری مبتنی بر یکی از روش‌های پیمایشی و یا چیدمانی بوده است. این مطالعه، به دنبال بررسی رابطه میان ریخت‌شناسی شهر و ادراک شهروندان از منظر شهری در منطقه ۱۲ شهر تهران است. سوال اصلی پژوهش این است که مورفولوژی و پیکره‌بندی فضای شهری بعد از مداخله‌های صورت گرفته در منطقه ۱۲ شهر تهران چه تأثیری بر ادراک منظر شهری شهروندان داشته است؟

چارچوب نظری

از منظر شهری تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در ساده‌ترین تعریف ممکن، منظر شهری، نما و پوسته ظاهری و بیرونی شهر است و شامل تمام عناصری است که در زاویه و گستره دید انسان قرار می‌گیرد. هرچند اصطلاح منظر شهری اولین بار توسط توماس شارپ^۱ در مطالعات وی در دانشگاه آکسفورد به سال ۱۹۴۸ میلادی استفاده شد؛ اما این مفهوم در اوایل قرن نوزدهم در آثار جان نش^۲ و در اواخر قرن نوزدهم در دیدگاه‌های کامیلو زیتسه^۳ مشهود بود (Carmona, 2010). به طور کلی نظریه زیتسه در خصوص رویکرد زیبایی‌شناسی به شهر، زمینه لازم برای برخی از مباحث بصری در فضاهای شهری را فراهم آورد که در نهایت کالن^۴ با ارائه دیدگاه خود بنیانگذار تئوری سیمای شهر لقب گرفت. از دیدگاه کالن منظر شهری هنر انسجام بخشیدن بصری و



شکل شماره ۱: نقش پیکره‌بندی در ادراک منظر شهری

در چارچوب این شکل‌بندی از بحث، ساخت عینی از منظر شهری، نگاهی پدیدارشناسانه به شهر است که از بستر مطالعات ادراکی لینچ (Lynch, 1960)، اپلیارد (Appleyard & Lintell, 1972)، شولتز (Norberg-Schulz, 1988) و لنگ (Lang, 1988) در جهت شفاف‌سازی نقش انسان در ادراک هر پدیده، لزوم وجود معنا و ویژگی‌های مکانی، پدیده مکان، ساختار مکان و حس مکان در ادبیات شهری وارد شده است. لینچ در رویکردی شناختی که نسبت به شهر داشت، معنا را وضوح در درک و شناخت محیط و سهولت برقراری پیوند میان اجزاء و عناصر آن با سایر رویدادها و مکان‌ها می‌دانست که در یک تجلی منسجم ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌ها حاصل می‌شد. روشی که او اتخاذ کرده بود یعنی رسیدن به معانی موجود در شهر از طریق فراگیری نقشه‌های ذهنی ساکنان، به اساس و بنیادی برای جغرافیای شناختی بدل شد. بدین ترتیب مطالعات لینچ وارد حوزه نشانه‌شناسی نیز می‌شود که به عنوان نمونه در کتاب سیمای شهر به این موضوع پرداخته است (Lynch, 1960). روشی که لینچ اتخاذ کرده بود، یعنی: «رسیدن به معانی موجود در شهر از طریق فراگیری نقشه‌های ذهنی که ساکنان شهر برای خود ترسیم می‌کردند»، تبدیل به اساس و بنیادی برای جغرافیای شناختی شد که در حال حاضر جزئی از ابزارهای اساسی و اصلی پژوهش‌ها درباره محیط شهری است، پژوهش‌هایی که محیط شهری را به عنوان موجودیتی سرشار از معنای درک کرده‌اند. جغرافیای شناختی تولید مفاهیم فضایی را بر عهده محدوده ذهنی آحاد اجتماعی می‌گذارد و بر «سیماهای عمومی» یا تصاویر ذهنی مشترک که از اختلافات فردی در آن چشم‌پوشی می‌شود، تأکید دارد. در این میان پدیدارشناسان با نگاهی انتقادی به دیدگاه لینچ عقیده دارند که تشریح رضایتمندانه معماری با تصورات هندسی و معنی شناختی امکان‌پذیر نیست و پژوهش در هر دو زمینه مشاهده و طراحی بایستی با عناصر مقدماتی فضای وجودی آغاز گردد که ساختار محیط انسانی را فراهم می‌آورند. کریستیان نوربرگ شولتز از آسیب دیدن یکپارچگی فضای شهری به دلیل از هم شکافتگی بافت شهری و در هم شکسته شدن انسجام و پیوستگی دیوارها سخن می‌گوید و اینکه در نتیجه، عناصر مقدماتی فضای هستی به فقدان هویت دچار شده و شهر در مجموع «خوانایی» خود را از دست داده است. این ویژگی سبب ناهمخوانی فضا و انسان و در نهایت موجب عدم ارتباط یا ارتباط ضعیف انسان با محیط می‌شود، در حالی که هرچقدر تعامل و رابطه میان محیط ساخته شده و معانی رسوب کرده در ذهنیت افراد بیشتر باشد، تعلق مکانی انسان با محیط بیشتر خواهد شد (Norberg-Schulz, 1980).

بافت‌های شهری و نیز بافت تاریخی شهر در قالب نظریه‌هایی همچون نظریه ساخت شهر، مورفولوژی شهر، سیستم‌ها و نظریه چیدمان یا نحو فضا (رک. بهزادفر و نومحمدزاد، ۱۳۹۰) بررسی

شده‌اند. همچنین در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی با موضوع منظر شهری و بافت تاریخی انجام شده است. مطالعات انجام شده عمدتاً مدل‌ها و فرایندهایی را مورد تأکید قرار داده‌اند که به تحلیل ادراکی منظر و بازتولید آن در مقیاس شهر می‌انجامد (Marcus & et al, 2016). در این تحقیقات به طور سنتی، الگوی فضاهای شهری براساس شکل و فرم ساختمان‌ها، میزان محصوریت فضای شهری و کیفیت فعالیت در آن مورد ارزیابی قرار گرفته و شکل و نقشه شهر مبنای انجام این پژوهش‌ها بوده است. علاوه بر این ارزیابی رابطه میان مورفولوژی شهر و منظر شهری و کیفیت ادراکی آن توسط شهروندان اغلب در محدوده فضاهای مشخص و یا طول خیابان‌ها و مسیرهای رفت و آمد و تقاطع‌ها صورت گرفته است. این تحقیقات براساس شکل هندسی شهر و فضای شهری و برداشت صوری از آن است (Moura & et al, 2003; Rodwell 2008; Oers, 2009). در این تحقیق از رهیافت چیدمان یا نحو فضا^۵ برای ارزیابی مورفولوژی شهر و رابطه آن با منظر شهری استفاده شده است. در این تئوری بافت تاریخی شهر و فضای شهری به عنوان سیستمی به هم پیوسته از فضاهای قابل رویت شکل گرفته که از طریق پیکره‌بندی^۶ قابل ارزیابی و تحلیل است (Hillier & Hanson, 1984; Hillier, 2007). تحلیل پیکره‌بندی، روابط فضایی را بدون در نظر گرفتن فواصل و فضای فیزیکی، به صورت گراف‌های فضایی ارائه می‌کند که قابل تحلیل و ارزیابی است. از طریق این الگوهای فضایی می‌توان تجارب چندگانه فرد از فضای شهری را تفسیر کرد و به شناخت منطقی از ادراک فضایی فرد از شکل‌ها و فرم‌ها دست یافت (Peponis & et al, 1996; Önder & Gigi, 2010). این چارچوب منطقی به واسطه تحلیل روابط فضایی و الگوهای حاصل از آن در فضای شهری و الگوهای حرکتی فرد در فضا به دست می‌آید (Batty, 2004; Hillier, 2007). چیدمان فضا کمک می‌کند تا الگوی روابط میان فضاهای شهری را برآورد کرده و به کمک آن الگوی فعالیت و حرکت را در فضای شهری مورد مطالعه به دست آورد (Jiang & Claramunt, 2002)؛ سپس با تعیین هندسه فضای شهری و موقعیت عناصر منظرساز، نحوه ادراک فرد از فضای شهری را به واسطه آن بررسی نمود (Penn, 2001). ماهیت منظر شهری در این تحقیق براساس نحوه آرایش کاربری‌ها در فضای شهری حاصل می‌شود که رابطه معنادار و مشخصی با الگوی پیکره‌بندی فضاهای شهری دارد (Batty 2008)؛ Wang & Tsai, 2009; Karimi, 2012). پیکره‌بندی فضای شهری رابطه توپولوژیک از فضای شهری را به واسطه شکل و هندسه متفاوت از شبکه معابر ارائه می‌کند که به واسطه آن می‌توان الگوی حرکت فرد، رفتار وی و محورهای بصری و قابل دید او را تحلیل نمود (Turner & et al, 2001; Penn, 2003; Hillier & et al 2010). از این رو پیکره‌بندی باعث درک عمیق‌تر از الگوی فضای شهری و

محورهای بصری در شهر می شود (Desyllas & Duxbury, 2001)؛ Wang & Tsai, 2009). از طریق تجزیه^۷ این شبکه‌های فضایی شهر به مجموعه‌ای از فضاهای باز درهم تنیده، می‌توان الگوهای فضایی را تحلیل و ارتباط آن را با متغیرهای منظر شهری بررسی کرد.

روش تحقیق

از نظر روش این تحقیق در سه مرحله: درک منظر بافت تاریخی، تحلیل مورفولوژی شهر، و تحلیل روابط همبستگی بین متغیرها انجام شده است:

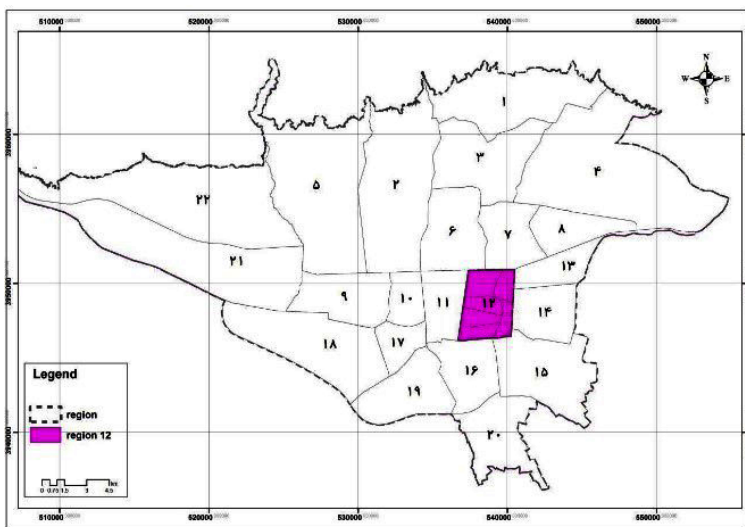
در مرحله اول برای تحلیل نحوه ادراک شهروندان از منظر شهری از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه از نوع طیف لیکرت است که برای سنجش شاخص‌های مورد مطالعه در خصوص منظر شهری به کار برده شده است. سوال‌ها در پنج طبقه براساس موافقت کامل (۵) تا عدم موافقت، درجه‌بندی (۱) شدند. پس از جمع‌آوری اطلاعات در قالب پرسشنامه، این داده‌ها در محیط نرم افزار spss وارد و سپس کدگذاری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور سنجش میزان روایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که روایی به دست آمده برابر با ۰/۸۶۹ بود، با توجه به اینکه محدوده تحقیق منطقه ۱۲ شهر تهران است. جامعه آماری نیز از میان شهروندان ساکن و مراجعه کننده گان به این منطقه انتخاب شد. به علت نامعلوم بودن آمار دقیق جامعه محدوده مورد نظر و برای اطمینان بیشتر محاسبه حجم نمونه، از روش G*Power استفاده شده است. با این روش، نمونه‌ای به تعداد ۳۵۰ نفر از میان ساکنان منطقه ۱۲ شهر تهران به طور تصادفی منظم انتخاب شدند. سپس موقعیت هر پرسشنامه با کد منحصر به فرد پرونده نوسازی شهرداری تهران مکان‌یابی شده و براساس پاسخ‌های هر فرد نقشه فضایی هر معیار به دست آمد و سنجش کیفی منظر مورد استناد قرار گرفت. نقشه فضایی به دست آمده از داده‌های مکانی و عینی و ذهنی حاصل از پرسشنامه تولید شد که در آن هر متغیر با استفاده از روش IDW در محیط GIS مورد سنجش قرار گرفت. متغیرهایی که در این تحقیق مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند در جدول ۱ نشان داده شده است.

در مرحله دوم، تحلیل پیکره‌بندی در این تحقیق، با استفاده از تکنیک چیدمان فضا انجام شد. بدین منظور براساس نقشه کاربری اراضی، نقشه محوری از فضاهای باز و شبکه معابر شهر تهیه و

پس از تحلیل در محیط نرم افزار UCL Depthmap 10، وارد محیط ArcGIS 10 شد تا با نقشه‌های حاصل از تحلیل فضایی پرسشنامه تلفیق گردد. در این مطالعه تحلیل پیکره‌بندی براساس خطوط محوری (Axial line) انجام شده است. لازم به ذکر است در این مطالعه از نرم افزار AutoCAD 2007 برای ترسیم خطوط محوری و تهیه نقشه محوری استفاده شده است. در این مقاله مولفه‌های (space syntax metrics) پیوستگی، عمق متوسط و هم‌پیوندی در تحلیل پیکره‌بندی مورد استناد قرار گرفته است. پیوستگی، تعداد خطوطی را که مستقیماً به یک فضا متصل شده‌اند را محاسبه می‌کند (Jiang & et al, 2000) و عمق متوسط می‌تواند به شکل تعدادی از مراحل که از یک گره تا تمامی گره‌های دیگر وجود دارد، تعریف شود. در این حالت گفته می‌شود که گره عمیق است، اگر مراحل زیادی وجود داشته باشد تا آن را از دیگر گره‌ها مجزا نماید (Jiang & et al, 2000; Asami & et al, 2003). اگر رابطه کمترین فضای واسطه به اصلی‌ترین فضا محاسبه گردد، مقدار عددی آن هم‌پیوندی نامیده می‌شود. این مقدار حداقل عمق هر فضا نسبت به پیکره‌بندی کل سیستم است (Hillier, 2007). هم‌پیوندی یکی از متغیرهای اندازه‌گیری کیفیت فضا در مقیاس کلان است و در بسیاری از مطالعات، نشان دهنده قابلیت دسترسی به یک فضای شهری است. از دیدگاه چیدمان فضا، هم‌پیوندی یک مفهوم اساسی در تحلیل‌های فضایی است و همبستگی بالایی با میزان تردد و الگوی حرکت فرد در فضا دارد (Jiang & et al, 2000). بنابراین هم‌پیوندی متغیری است که رابطه عکس با عمق فضا دارد. شاخص هم‌پیوندی بر رابطه فضایی میان اجزاء و کل دلالت دارد. زمانی که مفهوم هم‌پیوندی درک گردد، منطق پراکنش عملکردهای شهری و نحوه ارتباط آن با ساختار اصلی شهر نمایان می‌گردد. ارزش هم‌پیوندی در حقیقت بیانگر سازمان‌دهی فعالیت‌ها و عملکردها در فضا و پیکره شهر است. همچنین این متغیر یکی از معیارهای کلیدی در رتبه‌بندی فضا براساس بیشترین میزان هم‌پیوندی و یا بیشترین میزان جلافتادگی است (Vaughan et al 2005; Charalambous and Mavridou 2012). در مرحله نهایی پس از تحلیل فضایی داده‌های حاصل از پرسشنامه و نیز پیکره‌بندی فضایی، داده‌های متناظر برای هر متغیر استخراج شد. روش‌های علمی متنوعی برای نمونه‌گیری و یا استخراج داده‌ها برای بررسی‌های آماری وجود دارد؛ به طور

جدول شماره ۱: متغیرهای تحقیق

نوع مولفه	مولفه‌های سازنده سیما و منظر	صاحب نظران
ذهنی	جذابیت، زیبایی، خوانایی و تناسب بصری، تنوع بصری، اغتشاشات بصری، نظم و هارمونی، دسترسی (بعد فضایی)، حس مکان و خاطره‌انگیزی.	(هدمن و یازوسکی، ۱۳۷۰)؛ (Lynch, 1960)؛ (Appleyard, 1979)؛ (Bentley & et al., 1985)؛ (Tibbalds, 1992)؛ (Trancik, 1986)؛ (پاکزاد، ۱۳۸۵)؛ (گلگار، ۱۳۹۰).
عینی	شکل و فرم، رنگ و بافت، تراکم (ارتفاع) و محصوریت؛ تضاد و تاکید (جدید و قدیم)، دسترسی (بعد کالبدی).	(هدمن و یازوسکی، ۱۳۷۰)؛ (Lynch, 1960)؛ (Cullen, 1961)؛ (گروتز، ۱۳۷۵)؛ (پاکزاد، ۱۳۸۵)



شکل شماره ۱: موقعیت محدوده مورد مطالعه

در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و به‌ویژه منظر شهری دارد. هدایت کلی ساختار شهر از طریق استخوان‌بندی و وجود محلات تاریخی نظیر بازار، عودلاجان، سنگلج، امام‌زاده یحیی، سیروس، خانی‌آباد و شوش و نیز آثار تاریخی به‌جا مانده از دوران کهن در بافت مجموعه، لزوم مطالعه و برنامه‌ریزی در این محدوده را دو چندان کرده است.

یافته‌های تحقیق

روش تحلیل در این مطالعه بر مبنای ترسیم خطوط محوری^۱ است که براساس فضاهای باز و شبکه معابر در محیط AutoCAD 2007 انجام شد. در نهایت نقشه محوری^{۱۱} از کل شهر تهران با ترسیم بیش از ۷۴۰۰۰ خط انجام شد. برای تحلیل پیکره‌بندی فضایی شهر و محدوده مورد مطالعه، نقشه محوری وارد برنامه UCL Depthmap10 شد و براساس دو شعاع کل (Rn) و شعاع محلی (R3) تحلیل خطوط محوری و مولفه‌های مورد نظر تحقیق انجام شد. از نقشه‌های فوق ویژگی‌های نحوی شهر تهران و محدوده منطقه ۱۲ استخراج گردید که به‌طور خلاصه در جداول زیر نمایش داده شده است. به‌طور کلی محاسبات برای کل شهر تهران برای ۷۴۷۳۰ خط محوری انجام شد و نتایج زیر به دست آمد (جدول ۲):

جدول شماره ۲: خلاصه نتایج تحلیل مولفه‌های نحوی برای کل شهر تهران

مقدار عددی	مولفه‌های نحوی	اتصال	عمق متوسط	هم‌پیوندی محلی (R3)	هم‌پیوندی کلان (Rn)
حداقل	۱	۱۹,۰۴	۰,۳۳۳	۰,۴۱۹	
حداکثر	۹۴	۳۲۴,۹۶	۵,۲۶۱	۰,۷۵۴	
متوسط	۳,۱۸۷	۳۳,۵۱۲	۱,۷۴۱	۰,۴۸	
انحراف معیار از میانگین	۳,۲۹۵	۱۸,۲۵	۰,۷۴۳	۰,۱۳۹	

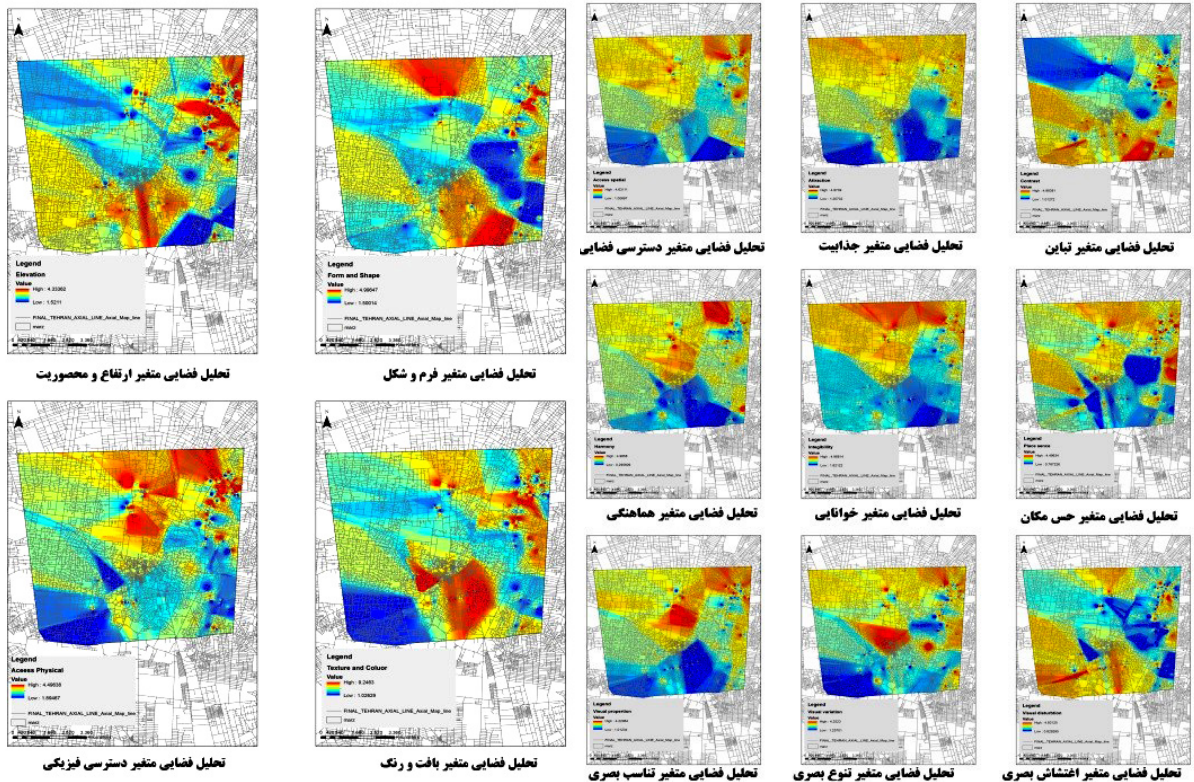
مثال: اکولوژیست‌های منظر و یا پژوهشگرانی که با داده‌های محیطی سر و کار دارند، از مدل ترانسکت و آنالیز گرادیان برای بررسی رابطه متغیرها استفاده می‌کنند. در این مطالعه برای استخراج داده‌های متناظر برای متغیرهای تحقیق از شبکه مربعات^۸ استفاده شده است. هر سلول یا مربع، ابعاد مشخصی دارد که بر حسب وسعت، نوع مطالعه و متغیرهای تحقیق تعیین می‌شود؛ به‌طور مثال: کانر و همکاران^۹ برای بررسی رابطه میان پیکره‌بندی منظر و دمای سطح زمین در منطقه فونیکس آریزونا از مربعی با مساحت ۲۴۰ مترمربع استفاده کردند و یا لیو و وانگ (۲۰۰۹) در مطالعات خود از مربعی با ابعاد ۱۵,۳۰، ۶۰، ۹۰،

۱۲۰، ۲۵۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰ متر برای ارزیابی تغییرات فصلی رابطه بین پوشش گیاهی و دمای سطح زمین در منطقه ایندیاناپولیس، بهره بردند. در این مطالعه، با توجه به ابعاد شهر و متغیرهای تحقیق از مربع به ابعاد ۱۰۰*۱۰۰ متر استفاده شد. این ابعاد امکان بررسی دقیق‌تر متغیرها و روابط میان آنها را با توجه به اهداف مطالعه فراهم می‌کند.

محدوده این تحقیق، منطقه ۱۲ شهر تهران که بافت تاریخی شهر و استخوان‌بندی شهری را تشکیل می‌دهد. از نظر تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، منطقه ۱۲ از اهمیت بالایی در شهر تهران برخوردار است. این منطقه بخش اصلی «مرکز تاریخی شهر تهران» را شامل می‌شود و به دلیل استقرار تعداد زیادی از خدمات (مقیاس شهری و فراشهری تهران) در منطقه مذکور و نیز اختصاص سطوح وسیعی از اراضی این منطقه به کاربری‌های فرامنطقه‌ای و سطوح بالاتر، منطقه ۱۲ را می‌توان مرکز ثقل شهر تهران قلمداد کرد. براساس مطالعات صورت گرفته ۲۷ درصد از سطح منطقه ۱۲ بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳ درصد از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. بیش از ۴۳ درصد محدوده منطقه از گستره‌ها و پهنه‌های شاخص و ارزشمند تشکیل شده است. علی‌رغم این ارزش‌ها، بیش از یک سوم سطح منطقه فرسوده (اعم از ارزشمند یا غیر آن) محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مرکز تاریخی تهران در معرض زوال و فرسودگی است. بررسی بافت فرسوده منطقه، نشان می‌دهد که الگوی قطعه‌بندی اراضی به صورت ریزدانه بوده و معابر شهری، شبکه‌ای نامنظم را شکل داده است. بیش از نیمی از املاک منطقه کمتر از ۱۵۰ متر مساحت دارند. ۹۰ درصد معابر شهری در منطقه ۱۲ دارای عرض کمتر از ۶ متر و ۵۱ درصد از آنها ساکنان محلی هستند (رک. مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۲ و منزوی و دیگران، ۱۳۸۹). به‌رغم وجود معضلات عمده کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، محدوده مورد مطالعه، به دلیل ارزش‌های فضایی-کالبدی خود و هویت ایرانی و اسلامی، اهمیت زیادی

مقادیر عمق متوسط فضایی منطقه ۱۲ نیز به نسبت شهر تهران به حد قابل توجهی کاهش یافته است. با این وجود متغیر اتصال در محدوده از متوسط کمتری نسبت به شهر برخوردار است که این امر به دلیل طول کمتر معابر شهر به نسبت شهر تهران است. اگرچه طول، یکی از پارامترهای تاثیرگذار در افزایش هم پیوندی به شمار می رود، ولی شرط کافی برای تحقق آن نیست؛ بلکه ارتباطات فضایی عاملی است که این پارامتر را افزایش می دهد. اگرچه وسعت و تعداد خطوطی که در این تحلیل مورد استفاده قرار گرفته اند دو عامل تاثیر در تفاوت پارامترها به شمار می روند، ولی نتایج حاصل از تحلیل و مولفه هایی نظیر انحراف از میانگین می تواند مبنایی برای تحلیل های فضایی و مقایسه میان آنها باشد. به طور خاص بررسی میزان انحراف از میانگین مولفه هم پیوندی کلان دو محدوده شهر تهران و منطقه ۱۲ نشان می دهد که منطقه ۱۲ به دلیل میانگین هم پیوندی بالاتر، ساختاری همگن تر از شهر تهران دارد. با این حال این تفاوت در مقیاس محلی بسیار ناچیز است که این امر به دلیل تمایز آشکار میان فضاهای با هم پیوندی بالا و عمق بالاست. به بیان دیگر اگرچه در مقیاس کلان بسیار از خیابان های موجود در محدوده منطقه ۱۲ دارای ارزش هم پیوندی بیش از ۰٫۶۵ دارند (نظیر ناصرخسرو، باب همایون، ۱۵ خرداد و مولوی)، ولی با تغییر مقیاس و تبدیل آن به مقیاس محلی، اغلب فضاهای موجود دارای عمق فضایی زیادی شده و ارزش هم پیوندی فضاهای موجود به حداقل می رسد. این تفاوت نشان دهنده واگرایی فضاهای شهری در این محدوده و انزوای بیشتر آن در کل ساختار

مطابق با جدول شماره ۲ به دلیل وسعت و وجود محورهای حرکتی طولانی در ساختار شهر تهران، متوسط هم پیوندی شهر بسیار پایین است. به طور کلی فضاهای هم پیوند در این مقیاس در حول خیابان انقلاب گسترده شده است و این خیابان با مقدار تقریبی ۰٫۷۳۴، بیش از حد متوسط کل شهر از ارزش هم پیوندی بالایی برخوردار است. این ویژگی بیانگر این نکته است که در ساختار کلی شهر تهران خیابان انقلاب (حداصل میدان آزادی تا خیابان دماوند) فضایی است که سازمان دهی فضایی شهر تهران را بر عهده دارد و سایر فضاهای شهر تهران به طور مستقیم و یا غیرمستقیم با این فضا در ارتباط اند. از این رو، خیابان انقلاب، به عنوان شریان اصلی حرکتی در ساختار کلی شهر تهران به شمار می رود. علاوه بر این، خیابان انقلاب و محورهایی که به طور مستقیم به خیابان انقلاب متصل اند هسته تاریخی شهر تهران را شکل می دهند. نکته قابل توجه پارامترهای نحوی حاصل در این محدوده، تفاوت های معنادار آن با کل شهر تهران است. در واقع قرارگیری این منطقه در مرکز جغرافیایی شهر تهران و همجواری آن با محورهای هم پیوند سبب شده است که متوسط هم پیوندی کلان این منطقه در مقایسه با متوسط هم پیوندی کلان شهر تهران به مقدار قابل توجهی افزایش یابد که نشان دهنده ارتباط قوی فضاهایی و تاثیرات آن بر روابط فضایی آن است؛ اما در مقیاس محلی متوسط مقادیر هم پیوندی تفاوتی چشمگیری با یکدیگر ندارند که نشان دهنده ویژگی های ساختاری تهران و منطقه ۱۲ در مقیاس محلی است. با این حال با افزایش مقادیر هم پیوندی،



شکل شماره ۲: نتایج تحلیل فضایی یافته های پرسشنامه در محیط GIS و با استفاده از روش IDW

در این مطالعه ۱۳۲۲ داده متناظر برای تمام متغیرها به دست آمد و مبنای تحلیل رابطه همبستگی قرار گرفت. جدول ۳ خلاصه‌ای از ویژگی‌های آماری متغیرها را نشان می‌دهد.

فضای شهری است. شکل ۲ تحلیل فضایی متغیرهای به دست آمده از روش IDW در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: خلاصه‌ای از ویژگی‌های آماری متغیرها

متغیرها	تعداد	حداقل	حداکثر	متوسط	انحراف از معیار از میانگین
مولفه‌های نحوی	هم‌پیوندی محلی	۰,۳۳۳	۴,۹۲۹	۲,۵۷۱	۱,۰۱۰
	اتصال	۱,۰۰۰	۷۸,۰۰۰	۸,۶۳۷	۱۲,۹۶۶
	عمق متوسط	۱۹,۹۱۰	۳۴,۴۶۳	۲۲,۹۳۷	۱,۷۸۹
متغیرهای منظر عینی	هم‌پیوندی کلان	۰,۴۰۷	۰,۷۲۱	۰,۶۲۵	۰,۰۴۷
	دسترسی فیزیکی	۲,۶۶۸	۴,۲۰۵	۳,۳۹۷	۰,۲۱۴
	ارتفاع و محصوریت	۲,۰۷۲	۳,۹۱۱	۲,۹۰۳	۰,۱۷۶
	بافت و رنگ	۱,۹۱۷	۵,۲۱۵	۳,۲۰۵	۰,۳۹۳
متغیرهای منظر ذهنی	شکل و فرم	۲,۱۹۹	۴,۹۱۴	۳,۴۷۷	۰,۳۴۷
	تمایز و تباین	۲,۰۲۶	۴,۵۰۸	۳,۱۱۰	۰,۳۶۴
	دسترسی فضایی	۰,۰۰۰	۳,۸۴۸	۲,۸۴۱	۰,۴۳۷
	حس مکان	۲,۰۶۱	۳,۸۳۱	۳,۰۴۵	۰,۲۷۳
	هماهنگی	۱,۰۰۰	۴,۰۱۰	۲,۴۲۰	۰,۴۲۴
	اغتشاش بصری	۱,۳۱۷	۴,۰۲۸	۳,۳۹۴	۰,۲۵۴
	تنوع بصری	۱,۶۴۴	۳,۶۸۹	۲,۸۲۳	۰,۳۳۹
	تناسبات بصری	۱,۰۹۵	۳,۲۵۳	۲,۲۹۲	۰,۴۲۱
	خوانایی	۲,۰۵۹	۴,۹۳۹	۳,۴۲۰	۰,۵۳۳
	زیبایی	۱,۲۰۰	۳,۷۰۴	۲,۵۹۹	۰,۵۴۱
	جدابیت	۱,۶۳۱	۴,۲۳۰	۳,۱۴۲	۰,۵۶۰

یکی از اهداف مهم این تحقیق بررسی روابط میان متغیرهاست. پس از تحلیل فضایی متغیرهای ذهنی منظر، مقادیر حاصل با مولفه‌های نحوی متناظر گردید و رابطه همبستگی آنها با یکدیگر مطالعه شد. جدول ۵ مقادیر همبستگی برای متغیرها و نیز مقادیر معناداری را نشان می‌دهد.

نتایج این تحلیل نشان داد که دسترسی فیزیکی از دیدگاه شهروندان بیشترین رابطه را با پیکره‌بندی فضا دارد و این مقدار مثبت است. به بیان دیگر، افزایش مقادیر هم‌پیوندی در مقیاس کلان، دسترسی فیزیکی را به دیگر نقاط محدوده افزایش داده است. از این رو انتظار می‌رود فضاهایی که در عمق بیشتر نسبت به سایر فضاها قرار گرفته‌اند، دسترسی ضعیف‌تری داشته باشند. متغیر اتصال نیز در راستای مقادیر هم‌پیوندی، رابطه افزایشی با مقادیر دسترسی دارد و به نوعی تایید کننده این رابطه است. بنابراین با افزایش ارتباطات و اتصالات فضایی در محدوده، دسترسی نیز افزایش یافته است. با این حال این مقادیر برای هم‌پیوندی محلی تا حدود زیادی کاسته شده است، ولی معناداری آن هنوز هم پابرجاست که این امر به دلیل تمایز زیاد متغیرهای عمق و هم‌پیوندی در مقیاس محلی است. در این مقیاس،

در نهایت ماتریس همبستگی میان متغیرها تشکیل و رابطه میان آنها بررسی شد. در این مطالعه از تحلیل همبستگی پیرسون برای متغیرها استفاده شده است. با توجه به ابعاد جدول و تعداد زیاد متغیرها، نخست رابطه همبستگی میان مولفه‌های نحوی و متغیرهای منظر عینی در محدوده مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۴ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: رابطه همبستگی میان مولفه‌های نحوی و متغیرهای منظر عینی

متغیرها	دسترسی فیزیکی	ارتفاع و محصوریت	بافت و رنگ	فرم و شکل
هم‌پیوندی محلی (R3)	۰,۱۱۴	-۰,۰۹۲	-۰,۱۱۹	۰,۰۳۱
اتصال	۰,۰۷۵	-۰,۰۲۹	-۰,۰۵۹	۰,۰۰۳
عمق متوسط	-۰,۲۲۲	۰,۱۰۱	۰,۲۱	۰,۰۰۴
هم‌پیوندی کلان (Rn)	۰,۲۳۹	-۰,۰۹۹	-۰,۲۰۱	۰,۰۰۶

مقادیر بولد شده، معناداری مقادیر همبستگی را در سطح ۹۵ درصد نشان می‌دهد

جدول شماره ۵: رابطه همبستگی میان مولفه‌های نحوی و متغیرهای منظر ذهنی

متغیرها	تباين	دستورسی فضایی	حس مکان	هماهنگی	اغتشاش بصری	تنوع بصری	تناسبات بصری	خوانایی	زیبایی	جذابیت
هم پیوندی محلی (R3)	-۰,۱۰۲	۰,۰۴۴	۰,۱۵۶	۰,۱۲۲	۰,۰۳۰	۰,۰۷۴	۰,۱۳۸	۰,۲۱۱	۰,۱۴۶	۰,۱۴۸
اتصال	-۰,۰۶۰	۰,۰۰۸	۰,۰۷۲	۰,۰۹۰	۰,۰۱۶	۰,۰۷۲	۰,۰۸۰	۰,۱۲۲	۰,۰۹۷	۰,۰۸۶
عمق متوسط	۰,۲۵۰	-۰,۲۱۳	-۰,۲۹۴	-۰,۳۰۱	-۰,۰۱۶	-۰,۰۹۳	-۰,۲۷۸	-۰,۳۹۰	۰,۳۲۷	-۰,۳۱۰
هم پیوندی کلان (Rn)	-۰,۲۷۳	۰,۲۲۵	۰,۲۹۶	۰,۳۱۳	۰,۰۲۰	۰,۱۱۱	۰,۲۸۴	۰,۴۱۲	۰,۳۴۲	۰,۳۲۷

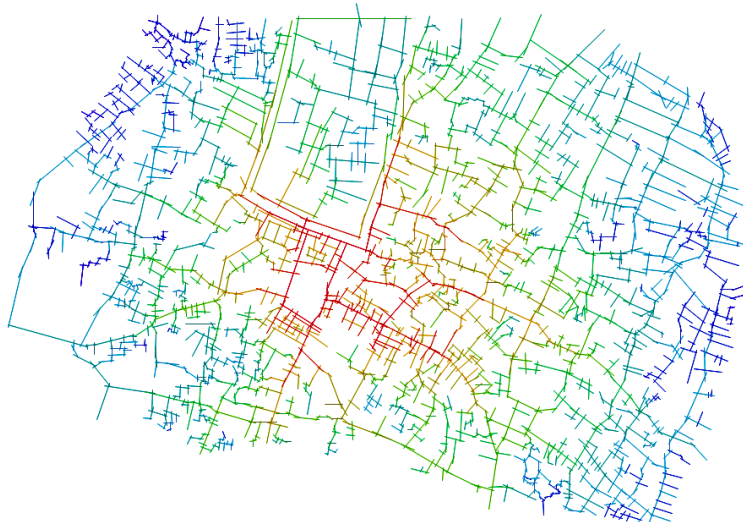
مقادیر بولد شده، معناداری مقادیر همبستگی را در سطح ۹۵ درصد نشان می‌دهد

مقادیر عمق به نحو چشمگیری افزایش یافته و از این نظر در تقابل با مقادیر هم پیوندی کلان، میزان همبستگی را کاهش داده است. نکته قابل توجه در این مطالعه، رابطه کاهشی میان مقادیر هم پیوندی و دو مولفه بافت و رنگ، و ارتفاع و محصوریت است. این مقادیر نشان می‌دهد به رغم افزایش هم پیوندی و تسهیل ارتباطات فیزیکی میان نقاط مختلف در بافت، این مقادیر تاثیر منفی بر میزان محصوریت و بافت و رنگ گذاشته است. در حقیقت از دیدگاه شهروندان فضاهایی که در اثر مداخله‌های جدید از هم پیوندی بالایی برخوردار شده‌اند، میزان محصوریت خود را برای درک منظر از دست داده‌اند و علاوه بر این، از تمایز میان رنگ و بافت جداره‌ها با فضاهایی با عمق بیشتر کاسته شده است. در این بررسی فضاهای با عمق بیشتر همچنان از کیفیت بافت و رنگ بیشتری بهره‌مندند و ارتفاع و محصوریت در آنها متناسب با افزایش عمق، افزایش یافته است.

در این بررسی فرم و شکل، تنها متغیری است که رابطه معناداری با متغیرهای نحوی ندارد و در حقیقت بیانگر نبود الگوی معنادار از تغییرات در سطح منطقه مورد مطالعه است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که مولفه‌های نحوی، با تمام متغیرهای ذهنی منظر به جز اغتشاش بصری رابطه معناداری دارند و این متغیرها واجد الگوهای فضایی معناداری در سطح منطقه هستند. مهم‌ترین عاملی که در این ارزیابی اهمیت بالایی دارد، خوانایی است که با مولفه هم پیوندی در سطح کلان بیشترین رابطه را دارد. این مسئله گویای این نکته است که با افزایش سطح ارتباطات فضایی و افزایش هم پیوندی، منظر به سمت خوانایی و وضوح بیشتر رفته است. این موضوع در مقایسه با مناطقی که در عمق بیشتر قرار دارند از اهمیت زیادی برخوردار و بیانگر این نکته است که ویژگی‌های ذهنی منظر نظیر خوانایی، با افزایش عمق فضایی، کاهش محسوسی می‌یابند. عامل دیگر، زیبایی و جذابیت است که با افزایش ارتباطات فضایی و افزایش هم پیوندی بیشترین افزایش و رابطه همبستگی را داشته است. به

بیان ساده‌تر افزایش میزان هم پیوندی رابطه مستقیمی با افزایش زیبایی و جذابیت در بافت دارد. نکته قابل توجه در این تحقیق، عامل تمایز است. نتایج می‌دهد با وجود افزایش خوانایی و جذابیت در منظر، سطوح تمایز و روابط آن با پیکره‌بندی به شدت افت کرده و روند کاهشی دارد. در حقیقت از دیدگاه شهروندان، تمایز و تباين منظر با افزایش میزان هم پیوندی کاهش می‌یابد که این خود بر کیفیت منظر تاثیر چشمگیری داشته است. مطالعات قابل توجهی با محوریت منظر شهری و ادراک آن انجام شده است. این مطالعات عموماً مبتنی بر دگرگونی مثبت بافت با توجه به پیچیدگی‌های زمین و سیستم شهری موجود است که سبب بازبانی روابط تاریخی و گذشته بافت با شهر در دوران معاصر می‌شود.

بررسی و تحلیل ساختار نحوی و پیکره‌بندی بافت تاریخی شهر تهران نشان می‌دهد که عناصر سازنده شهر، از هم پیوندی بالایی در ساختار شهر برخوردارند. عناصر تاریخی شهر به لحاظ نقش و عملکرد از یک سو تاثیر بسزایی در ساخت منظر عینی دارند و از سویی دیگر به واسطه تماس دائم مردم با آنها نقش مهمی در ساخت ذهنی منظر شهر برعهده دارند. شکل ۳ نتایج تحلیل پیکره‌بندی محدوده تهران را در عهد ناصری نشان می‌دهد.



شکل شماره ۳: تحلیل نحوی پیکره‌بندی شهر تهران در عهد ناصری

ساختار شهر تهران در این دوره بر اساس شکل‌گیری یک هسته هم‌پیوند (محورهایی با رنگ قرمز) و ایجاد سلسله مراتب فضایی میان فضاهای شهری است. عناصری نظیر بازار، مسجد جامع و ارگ که از عناصر مهم منظر شهری در این دوره هستند، در حول این هسته شکل گرفته و مکان‌یابی شده‌اند. ارزیابی ساختار شهر در این دوره نشان می‌دهد که بیشترین مقدار هم‌پیوندی برابر با ۰٫۶۶ است که منطبق بر راسته بازار شهر است. نکته قابل توجه این مطالعه؛ فاصله کم بیشترین و کمترین مقادیر هم‌پیوندی است که نشان‌دهنده ساختار همگن شهر در این دوره است؛ اما در دهه‌های اخیر این ساختار همگن به واسطه مداخلات متعدد دچار اختلال گردیده و بیشتر به سمت ناهمگنی ساختار پیش رفته است. عناصر جدید در چند دهه با تخریب عناصر اصلی شهر و دگرگونی ساختار، جای عناصر کهن را گرفته‌اند. این عناصر با قرارگیری در فضاهای هم‌پیوند، شکل جدیدی از نظر را شکل داده و آن را به مرور تکمیل کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

بافت تاریخی شهر ایرانی پس از استقرار حکومت پهلوی اول و بعد از آن به واسطه اجرای طرح‌های مختلف، به مدت بیش از ۹ دهه تحت تاثیر مداخلات فیزیکی قرار داشته است. اثر این مداخلات بیش از اینکه کالبد و فیزیک شهر را تغییر دهد منجر به دگرگونی ساختار شهر و شکل‌گیری عناصر جدیدی در آن شده است؛ به نحوی که منجر به ظهور عناصر جدید در ساختار شکل گرفته از تحولات دهه‌های اخیر شده است. این عناصر به واسطه نقش پررنگ خود در ساختار جدید، ماهیت و نقش عناصر کهن را تحت تاثیر قرار داده و علاوه بر تغییر کارکرد آن، به مرور زمان نقش ذهنی آن را از حافظه تاریخی شهروندان پاک کرده است. این مسئله در خصوص شهر تهران و بافت تاریخی آن نیز صدق می‌کند. بافت تاریخی تهران که در آخرین شکل خود منطبق بر محدوده ناصری شهر تهران است، به مانند تمام شهرهای تاریخی ایران، از عناصری چون بازار، ارگ، برج و بارو و راسته‌ها و بناهای تاریخی تشکیل شده که در یک ساختار مشخص شکل و تکامل یافته‌اند.

نتایج مطالعه نشان داد که الگوی مداخله‌ها که بر مبنای ماهیت فیزیکی و کالبدی شکل گرفته و به بهسازی و نوسازی فیزیکی بافت منجر شده، بسیاری از ارزش‌های منظر در بافت‌های تاریخی را تغییر داده است. به طور کلی تغییر در ماهیت پیکره‌بندی در بافت منطقه ۱۲ با افزایش هم‌پیوندی فضاها و اتصالات همراه بوده است. این مسئله هدایت جریان‌ها به واسطه خیابان‌کشی‌ها را افزایش داده و با ایجاد کارکردهای جدید، الگوی سازمان‌دهی فضایی جدیدی را خلق کرده است. علاوه بر این مداخله‌های صورت گرفته وضوح و خوانایی بافت را افزایش داده و سبب قوی‌تر شدن ارتباطات فیزیکی بافت با نقاط هم‌جوار خود شده است. با این حال باید اذعان داشت

که اگرچه ماهیت تغییرات با افزایش پارامترهای نحوی و پیکره‌بندی همراه است، اما این ویژگی اغلب با ماهیت بافت‌های تاریخی در ایران متفاوت است. در این تحقیق مشخص شد که تحولات صورت گرفته در محدوده منطقه ۱۲، تغییرات و تحولات پیکره‌بندی روابط فضایی را دستخوش تغییر کرده و سبب افزایش مقادیر هم‌پیوندی در بافت شده است. مداخله در بافت از سوی دیگر، باعث افزایش عمق متوسط فضایی و انزوای فضایی شده است. نکته قابل توجه در این بخش، نقش خیابان‌ها به عنوان کریدورها و گذرهای موجود با مقادیر بالای هم‌پیوندی است که حضور آن اگرچه با افزایش دسترسی فیزیکی به بافت همراه است، اما عمق فضایی را برای نقاط هم‌جوار افزایش داده است. این مهم بیانگر این نکته است که در حقیقت تغییراتی که در ساخت و پیکره‌بندی با اهداف بهسازی و نوسازی اتفاق افتاده، بیش از تاثیرات فیزیکی و کالبدی، ماهیت ذهنی منظر را از دیدگاه شهروندان تغییر داده است. بنابراین ادراک ذهنی شهروندان از فضای شهری منطقه ۱۲، بیش از جنبه‌های عینی متاثر از الگوی مداخله‌ها و تغییرات پیکره‌بندی بوده است. مداخله انسانی در قالب طرح‌های نوسازی و بهسازی، عینیت و ذهنیت شهروندان را از فضای پیرامون دستخوش تغییر کرده و هویت جدیدی برای او فراهم آورده است. این هویت جدید در چارچوب طرح مدرنیزاسیون مارکسی تأکید خود را بر دودشوندگی سنت گذاشته و منظر جدیدی را به وجود آورده است. نتایج دیگر این تحلیل را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

* پیکره‌بندی بافت با مداخلات سنگین و احداث خیابان‌های جدید، باعث افزایش عمق فضایی و انزوای بیشتر بافت تاریخی شده است. در وضع موجود خیابان‌های مرکزی در بافت منطقه ۱۲ دارای بیشترین میزان هم‌پیوندی هستند؛ ولی بافت پیرامونی به طور متوسط دارای عمق فضایی بیشتری شده است. نوسازی و بهسازی بافت فرسوده و بافت تاریخی نیز همت اولیه خود را بر نفوذپذیری گذاشته که در نتیجه آن به گسستگی این پیکر یکپارچه کمک کرده است.

* احداث خیابان‌های جدید، سهولت دسترسی در بافت را افزایش داده و لبه‌های جدید از منظر شهری را به وجود آورده است. مناظر جدید تحت تاثیر کاربری‌های مدرن، شکل، سیما و منظر جدیدی را به وجود آورده که توسط شهروندان به خوبی درک نمی‌شود و یا با آن ارتباط ذهنی برقرار نمی‌کنند.

* منظر جدید شهری که منطبق با راستای کریدورهای شهری است، صرفاً به ایجاد لبه‌های جدید حرکتی منجر شده و نقشی در بازتولید منظر شهری نداشته است.

* به‌رغم افزایش هم‌پیوندی و تسهیل ارتباطات فیزیکی میان نقاط مختلف در بافت تاریخی، این مقادیر تاثیر منفی بر میزان محسوسیت و بافت و رنگ گذاشته است. این ویژگی یکی از اثرات مهم معماری و شهرسازی مدرن است که در تقابل با معماری و شهرسازی ایرانی قرار دارد. به عبارت ساده‌تر بافت یکدست بناهای

۷. قاسمی، ایرج؛ احمد پوراحمد و حسین حاتمی نژاد (۱۳۹۱)، «پيامد نورپردازی در سازمان فضایی و عملکرد بازار تهران»، **نشریه شهر ایرانی اسلامی**، زمستان، شماره دهم.
۸. کالن، گوردون (۱۳۹۵)، **گزیده منظر شهری**، ترجمه منوچهر طیبیان، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، تهران.
۹. کلاتری خلیل آباد، حسین و هانیسه اخوت (۱۳۹۰)، **برنامه ریزی منظر شهری**، تهران، معاونت برنامه ریزی و توسعه سازمان زیباسازی شهر تهران- مدیریت مطالعات و آموزش- واحد آموزش، انتشارات پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاددانشگاهی، تهران.
۱۰. کلاتری خلیل آباد، حسین؛ محمدرضا صمیمی و سیداحمد صالحی (۱۳۸۹)، «راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر اردکان با استفاده از تکنیک AHP»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، زمستان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۰-۶۱.
۱۱. گروتز، یورگ کورت (۱۳۷۵)، **زیبایی شناسی در معماری**، ترجمه جهانشاه پاکزاد؛ عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، تهران.
۱۲. گلکار، کوروش (۱۳۹۰) «طراحی شهری، فرآیند یا فرآیندها»، **صفه**، نسخه ۲۱، صص ۹۹-۱۳۴.
۱۳. مثنوی، محمدرضا و هادی سلطانی فرد (۱۳۸۵) «منظر پیچیده و پیچیدگی منظر: بررسی نقش پیچیدگی در پایداری سیستم های اکولوژیک»، **مجله علوم محیطی**، زمستان، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۰۰-۸۵.
۱۴. منزوی، مهشید؛ محمد سلیمانی؛ سیمین تولایی و اسماعیل چاوشی (۱۳۸۹)، «آسیب پذیری بافت های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران در برابر زلزله؛ مطالعه موردی: منطقه ۱۲»، **پژوهش های جغرافیای انسانی (پژوهش های جغرافیایی)**، پاییز، دوره ۴۲، شماره ۷۳، صص ۱۸-۱.
۱۵. مهندسین مشاور باوند (۱۳۸۲)، **طرح جامع منطقه ۱۲**، شهرداری تهران، تهران.
۱۶. هدمن، ریچارد؛ یازوسکی، اندرو (۱۳۷۰)، **مبانی طراحی شهری**، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباسزادگان، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
17. Appleyard, D. (1979), "The Environmental Social Symbol", *Journal of American Planning Association*, 45 (2), 143-153.
18. Appleyard D, Lintell M (1972), The environmental quality of city streets: the residents' viewpoint, *J Am Inst Plann*, 38:84-101.
19. Asami Y, Kubat AS, Kitagawa K, Iida S (2003), Introducing the third dimension on Space Syntax: application on the historical Istanbul. *Proc. Fourth Int. Symp.*
20. Batty M (2004), A new theory of space syntax. *Syntax* 44:36.
21. Batty M (2008), *Cities as Complex Systems: Scaling, Interactions, Networks, Dynamics and Urban Morphologies*. London.
22. Bently, I., et al. (1985), "Responsive Environments, A manual for designers", Architectural Press, London.
23. Carmona M (2010), *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*, Routledge.
24. Charalambous N., Mavridou M. (2012), Space syntax: Spatial integration accessibility and angular segment analysis by metric distance (ASAMeD). *Access Instruments Plan Pract COST Off* 57-62.

جدید و یکنواختی در رنگ از مهم ترین ویژگی های منظر کنونی در محدوده مورد مطالعه است.

* با افزایش سطح ارتباطات فضایی و افزایش هم پیوندی، منظر به سمت خوانایی و وضوح بیشتر رفته است. در واقع لبه های جدید شهری که منطبق بر راستای حرکتی است، خوانایی و وضوح بیشتر را در لبه ها موجب شده است؛ ولی این ویژگی با حرکت در عمق بافت به طور محسوسی کاهش می یابد.

* ویژگی های ذهنی منظر نظیر خوانایی با افزایش عمق فضایی، کاهش محسوسی می یابد. نتایج تحلیل نشان داد که افزایش عمق فضایی رابطه معکوسی با ادراک ذهنی شهروندان از منظر شهری در محدوده بافت دارد.

* تمایز و تباین منظر با افزایش میزان هم پیوندی کاهش می یابد که این خود بر کیفیت منظر تاثیر چشمگیری داشته است.

پی نوشت ها

- 1- Thomas Sharp
- 2- John Nash
- 3- Camillo Sitte
- 4- Gordon Cullen
- 5- Space Syntax Approach
- 6- Configuration
- 7- Decomposition
- 8- Square Grids
- 9- Connors et al.,
- 10- Axial Line
- 11- Axial Map

فهرست منابع و مراجع

۱. بهزادفر، مصطفی و حسین نورمحمدزاده (۱۳۹۰)، «ساخت شناسی بافت کالبد تاریخی شهر یزد»، **نامه معماری و شهرسازی**، بهار و تابستان، دوره ۳، شماره ۶، صص ۸۷-۷۱.
۲. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، «منظر شهری: آنچه کوین لینچ از آن می فهمید»، **فصلنامه آبادی**، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۲۶-۲۰.
۳. پوراحمد، احمد و ابودر فایبی (۱۳۹۶)، «تاثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی اسلامی؛ مطالعه موردی: شهر کاشان»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، تابستان، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۷۶-۶۳.
۴. پورجعفر، محمدرضا؛ حسنعلی پورمند؛ حسین ذبیحی؛ لیلیاسادات هاشمی دمنه و محسن تابان (۱۳۹۰)، «پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت های تاریخی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، بهار، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۰-۱۱.
۵. سلطانی فرد، هادی؛ حسین حاتمی نژاد؛ مصطفی عباس زادگان و احمد پوراحمد (۱۳۹۲)، «تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی اسلامی؛ مطالعه موردی: شهر سبزوار»، **مجله شهر ایرانی اسلامی**، شماره چهاردهم، صص ۲۱-۱۳.
۶. سلطانی فرد، هادی و زهره سادات سیدمرادی (۱۳۹۵)، «دگرگونی جایگاه مسجد جامع در پیکربندی فضایی شهر اسلامی؛ مطالعه موردی: مسجد جامع شهر سبزوار»، **نشریه پژوهش های معماری اسلامی**، تابستان، دوره ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۱).

45. Oers R Van (2009), *Managing Historic Cities and the Conservation of Historic Urban Landscapes – An Introduction*.
46. Önder DE, Gigi Y (2010), Reading urban spaces by the space-syntax method: A proposal for the South Haliç Region. *Cities* 27:260–271. doi: 10.1016/j.cities.2009.12.006.
47. Penn A (2001), *Space Syntax and Spatial Cognition*.
48. Penn A (2003), *Space Syntax and Spatial Cognition or Why the axial line?* *Environ Behav* 35, 30–65.
49. Peponis J, Wineman J, Rashid M, et al (1996), On the description of shape and spatial configuration inside buildings. *Sp. Syntax FIRST Int. Symp.*
50. Priego C, Breuste JH, Rojas J (2008), Perception and value of nature in urban landscapes: A comparative analysis of cities in Germany, Chile and Spain. *Landsc Online* 7:1–22. doi: 10.3097/LO.200807.
51. Psarra S (2012), Spatial morphology, urban history and design. *J Sp Syntax* 3:7–19.
52. Rapoport A (1992), On cultural landscapes. *Tradit Dwellings Settlements Rev*, 33–47.
53. Rodwell D. (2008), Urban regeneration and the management of change: Liverpool and the historic urban landscape. *J Archit Conserv* 14: 83–106.
54. Tibbalds, F. (1992), *Making People-Friendly Towns: Improving the Public Environment in Towns and Cities*. Spon Press.
55. Tilley, C. (2006), *Introduction: Identity, place, landscape and heritage*.
56. Trancik, R. (1986), *Finding Lost Spaces: Theories of Urban Design*. New York: Van Nostrand Reinhold Co.
57. Turner A, Doxa M, O’Sullivan D, Penn A (2001), From isovists to visibility graphs: a methodology for the analysis of architectural space. *Environ Plan B Plan Des* 28:103–121. doi: 10.1068/b2684.
58. Varol C, Ercoskun OY, Gurer N. (2011), Local participatory mechanisms and collective actions for sustainable urban development in Turkey. *Habitat Int* 35:9–16
59. Vaughan, L. (2005), The relationship between physical segregation and social marginalization in the urban environment.
60. World Architecture, 185, 88-96. Wang, H. and Tsai, C. L. (2009). Contour projected dimension reduction. *Ann. Statist.* 37, 3743-3778.
25. Curran R.J. (1983), *Architecture and the urban experience*. Van Nostrand Reinhold Company,
26. Cullen, G. (1961), *Townscape*. London: Architectural Press.
27. Deniz K, Topcu M (2012), Visual presentation of mental images in urban design education : cognitive maps. *Procedia - Soc. Behav. Sci. Elsevier B.V.*, pp 573–582.
28. Desyllas J, Duxbury E (2001), *Axial Maps and Visibility Graph Analysis*. *Sp. Syntax Third Int. Symp.*
29. Eben Saleh MA (2000), The architectural form and landscape as a harmonic entity in the vernacular settlements of Southwestern Saudi Arabia. *Habitat Int* 24:455–473. doi: 10.1016/S0197-3975(99)00044-2.
30. Hanson J (2000), Urban transformations: A history of design ideas. *Urban Des Int* 5:97–122. doi: 10.1057/palgrave.udi.9000011.
31. Harvey T, Works MA (2010), *Urban Sprawl and Rural Landscapes : Perceptions of landscape as amenity in Portland , Oregon Urban Sprawl and Rural Landscapes : perceptions of landscape as amenity in Portland , Oregon*. *Local Environ* 7:381–396. doi: 10.1080/135498302200002750.
32. Hillier B (2007), *Space is the machine: a configurational theory of architecture*. space syntax, UCL University Press, London.
33. Hillier B., Hanson J. (1984), *The social logic of space*. Cambridge university press.
34. Hillier B, Turner A, Yang T, Park H-T (2010), *Metric And Topo-Geometric Properties Of Urban Street Networks Some convergences, divergences and new results*. *J Sp Syntax* 1:254–257.
35. Jiang B, Claramunt C (2002), Integration of space syntax into GIS: new perspectives for urban morphology. *Trans GIS* 6:295–309.
36. Jiang B, Claramunt C, Klarqvist B (2000), Integration of space syntax into GIS for modelling urban spaces. *Int J Appl Earth Obs Geoinf* 2:161–171.
37. Karimi K (2012), A configurational approach to analytical urban design: “Space syntax” methodology. *URBAN Des Int* 17:297–318. doi: 10.1057/udi.2012.19.
38. Lang J. (1988), *Symbolic aesthetics in architecture: toward a research agenda*. *Environ Aesthet Theory, Res Appl* 45–55.
39. Lynch K (1960), *The image of the city*. MIT press.
40. Marcus L, Giusti M, Barthel S (2016), Cognitive affordances in sustainable urbanism: contributions of space syntax and spatial cognition. *J Urban Des* 21:439–452. doi: 10.1080/13574809.2016.1184565.
41. Moura A, Rosa F, Holanda B De (2003), *From vernacular to collage city*.
42. Norberg-Schulz C (1988), *Architecture, Meaning and Place Selected Essays*.
43. Norberg-Schulz C (1980), *Genius loci: Towards a phenomenology of architecture*, Rizzoli.
44. Nunta J., Sahachaisaeree N. (2012), *Cultural Landscape, Urban Settlement and Dweller’s Perception: A Case Study of a Vernacular Village in Northern Thailand*. *Procedia - Soc Behav Sci* 42:153–158. doi: 10.1016/j.sbspro.2012.04.176

نقش مؤلفه «ایمنی و امنیت» فضاهای شهری در حضورپذیری کودکان مطالعه موردی: محله فاطمی در منطقه ۶ تهران

عطیه بهرام پور^۱، علی اصغر ملک افضلی^۲ * (نویسنده مسئول)

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران
^۲ دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۳۰)

چکیده

شهرها، تنها محیطی برای گذران زندگی نیستند، بلکه باید بستری برای رشد و تعالی شهروندان خود باشند. در این میان کودکان به عنوان یکی از آسیب پذیرترین شهروندان، نیازمند توجه بیشتری هستند. در دین اسلام دستورات و توصیه‌های فراوانی در این حوزه وارد شده است و دولت‌ها و سازمان‌ها نیز همواره به دنبال راهکارهایی برای حفظ حقوق کودکان در جامعه بوده‌اند. پرسشی که در این پژوهش مطرح شده این است که: مهم‌ترین معیارهای فضای شهری مناسب کودکان، به عنوان حقوق این دسته از شهروندان، کدام‌اند؟ همچنین کدام یک از این معیارها بیشترین تأثیر را بر حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارند؟ بدین منظور ابتدا مروری بر ادبیات مرتبط با کودک و تلاش‌های صورت گرفته برای حمایت از کودکان داشته و سپس با نگاهی کوتاه به نیازها و حقوق کودکان در شهر به ضرورت ارتباط کودک با فضاهای شهری پرداخته‌ایم. در ادامه، با بررسی نظریه‌های موجود معیارهای فضای شهری مناسب کودکان تعیین شد و به دلیل اهمیت بسیار زیاد معیار ایمنی و امنیت کودکان در شهر، این معیار مورد تدقیق قرار گرفت. در این پژوهش محله فاطمی تهران به منظور تأیید مبانی نظری پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت تا ضمن استخراج معیارهای فضای شهری مناسب کودکان، میزان حضور کودکان و همچنین ارتباط آن با میزان امنیت و ایمنی تبیین شود. با استفاده از تحلیل عاملی انجام شده روی داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، ۹ معیار فضای شهری مناسب کودکان استخراج شد. بررسی تأثیر معیارهای مذکور بر حضور کودکان از طریق همبستگی پیرسون تعیین و مشخص گردید از این میان، ایمنی و امنیت بیشترین تأثیر هم‌جهت را بر میزان حضور کودکان در فضاهای شهری این محله دارد (۱/۸۰/۰۱). این امر نشان‌دهنده اهمیت این حق کودکان در استفاده از فضاهای شهری از سوی ایشان است که تأمین آن نه تنها بر عهده دولت‌هاست که به عنوان یکی از وظایف برنامه‌ریزان و طراحان شهری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک در شهر، فضای شهری مناسب کودک، ایمنی و امنیت کودک، معیارهای شهر کودک‌مدار.

مقدمه

با پیچیده‌تر شدن جوامع امروزی، توجه به کودکان و نیازهای آنان در شهرها، یکی از مسائل پیش روی جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و سایر اندیشه‌مندان حوزه‌های مرتبط به کودک است. در سال‌های اخیر، شهرسازان نیز توجه ویژه‌ای به این قشر به عنوان یکی از گروه‌های مؤثر استفاده‌کننده از شهر داشته‌اند. یکی از وظایف برنامه‌ریزان، طراحان و مدیران شهری، شناسایی نیازهای کودکان در شهرها و برآورده‌سازی این نیازها در فضاهای شهر است. ارتباط کودک با فضاهای باز و ارتباط آنها در این فضاها با همسالان خود یکی از ارکان رشد سالم کودک است که فضاهای عمومی شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های ارتباط با محیط پیرامونی، نقش مهمی در این فرایند ایفا می‌کنند. اگر کودک نتواند ارتباط درستی با محیط پیرامون خود داشته باشد، این تعامل به درستی صورت نمی‌گیرد و در نهایت این عدم ارتباط یا ارتباط ناقص کودک با محیط اطراف، تأثیری منفی در رشد و تعالی کودک خواهد گذاشت.

در این مقاله سعی می‌کنیم مهم‌ترین نیازهای اجتماعی کودک را در شهر از دیدگاه اسلام و سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی شناسایی کنیم تا با شناخت بهتر این نیازها و تلاش در جهت رفع این نیازها در شهر، به سهم کردن کودکانمان در فضاهای شهری و تعامل سالم آنها با این فضاها کمک کرده و با فراهم آوردن شرایط رشد و تکامل این گروه از شهروندان، ارکان لازم را برای رسیدن به توسعه پایدار شهری فراهم کنیم.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تبیینی (آزمون فرضیه) استفاده شده است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز از طریق توزیع پرسشنامه و مصاحبه حضوری (با کودکان کمتر از ۱۵ سال که حداقل ۳ سال در محله مورد نظر سکونت داشتند) صورت گرفته است. از آنجا که در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است؛ چنان که در ماده ۱۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند، بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالیة کودک است.

در آموزه‌های اسلام نیز بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الوالد علی الوالد» می‌گویند. بدین منظور در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت محله برای حضور کودکان، والدین آنها مورد تحقیق قرار گرفتند. همچنین بدان سبب که حوزه امنیت و ایمنی مقوله‌ای عمدتاً ذهنی است و

به میزان درک والدین از مناسب بودن یا نبودن فضای شهری برای کودکان‌شان بستگی دارد، تصمیم بر آن شد که برای اندازه‌گیری شاخص‌های مدنظر، تنها به دریافت نظرات پرسش‌شوندگان بسنده شود و نظر کارشناسی محققان در بررسی حضورپذیری محیط‌های شهری تنها در تحلیل داده‌ها به کارگرفته شود.

برای استخراج معیارهای شهر مناسب کودک، پرسشنامه‌ای با ۸۸ گویه طراحی شد و در آن از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت با مقادیر بسیار کم/ بسیار ضعیف تا بسیار خوب استفاده شد. تعداد ۳۷۵ پرسشنامه به روش کوکران تعیین شد و پس از اعتباریابی آن، به روش نمونه‌گیری تصادفی برای پاسخ‌گویی به گروه هدف ارائه شد. به منظور استخراج معیارهای فضای شهری مناسب حضور کودک از گویه‌های پرسشنامه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. همچنین به منظور تبیین اثرات این معیارها بر میزان حضورپذیری، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با استفاده از نرم‌افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها ۰٫۸۳۸، به دست آمد که این میزان نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه و مناسب بودن همبستگی درونی داده‌هاست.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش «کودک» کیست؟

در اسلام، کودک (صغیر) به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده باشد. بالغ کسی است که قوای جسمی و غریزه او نمو کامل یافته است و آماده تولد و تناسل باشد. در فقه، بلوغ از امور طبیعی و تکوینی است و برخی نشانه‌های طبیعی و فیزیولوژیک و شرعی و قانونی برای آن ذکر شده است^۱ (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲: ۳۶). در قوانین کشورهای مختلف، تعاریف متفاوتی از کودک وجود دارد. اعلامیه جهانی حقوق کودک، در ماده ۱ خود تمام افراد زیر هجده سال تمام را به عنوان کودک می‌شناسد مگر آنکه قوانین داخلی کشورها ملاک دیگری برای تعریف کودک داشته باشند (unicef, Article 1). در ایران طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ مصوب سال ۱۳۶۰، کودک به فردی اطلاق می‌شود که بالغ نشده باشد. طبق همین قانون سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام و برای دختران نه سال تمام قمری است (قانون مدنی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰). در این پژوهش با توجه به اهداف مورد نظر، گروه سنی سه تا پانزده سال مورد بررسی قرار گرفتند.

حقوق کودکان از دیدگاه اسلام

اسلام، بیش از مذاهب دیگر، برای کودکان، این گروه آسیب‌پذیر جامعه، حقوق قائل شده است. در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هرگونه خشونت و بی‌رحمی در حق ایشان بازداشته شده‌اند. این در حالی است که پیش از اسلام، در میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی

نیز بهره‌مند نبودند. نکته قابل توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان، زمانی مطرح شد که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته و اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آنان، زمینه را برای رشد و پیشرفت کودکان در همه جوانب فراهم آورده است (ر.ک. بافکار، ۱۳۸۷).

حقوق گوناگونی که در دین اسلام برای کودکان در نظر گرفته شده است، طیف کاملی از تمام مواردی را شامل می‌شود که باید نه تنها برای زندگی، بلکه برای تکریم کودک در نظر گرفته شود. از این حقوق می‌توان به حق تعیین نام نیکو بر کودک، تغذیه و خوراکی پاکیزه و مناسب، حق تحصیل، حق تفریح و بازی، و پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی بر کودک اشاره کرد.

همچنین طبق تعالیم اسلام، کودک علاوه بر اینکه حق حیات دارد، حق بهره‌مندی از امکانات زیستی سالم و کافی را نیز داراست و باید در آسایش و آرامش قرار گیرد. در تعالیم اسلام رعایت سلامت و بهداشت روحی و جسمی کودک و نیز حفظ شخصیت و کرامت وی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و در روایات متعددی بر لزوم کرامت ذاتی کودک و لزوم احترام به آن تأکید شده است. برای نمونه، پیامبر(ص) فرموده‌اند: «فرزندان خود را تکریم کنید و به آنها آداب نیک بیاموزید تا آموخته‌شده شوید» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۰). همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «باید هفت سال نخست زندگی کودک، آزادانه به بازی و جنبش بدنی صرف شود» (همان، ص ۲۲۳). بنابراین در اسلام کودک، موجودی شایسته تکریم است و این کرامت همان‌طور که بیان شد مستلزم حقوق متعدد و گوناگون برای اوست؛ حقوقی که یکی از مهم‌ترین وجوه آن تأمین و حفظ ایمنی و امنیت کودک در خانواده و محل زندگی است (ر.ک. نیکنمایی و دیگران، ۱۳۹۲)؛ همان‌گونه که حضرت رسول دو نعمت امنیت و سلامت را جزو نعمت‌هایی می‌دانند که قدرشان شناخته نشده است (ر.ک. فتال نیشابوری، ۱۳۷۵).

طبق تعالیم اسلام، توجه کافی به کودک و کمک به او برای ابراز عواطف واقعی، اصیل و پایدار باعث می‌شود که کودک دنیا را امن و قابل اطمینان بباید. از این رو، باید فرصت‌هایی فراهم آورده شود که کودک به روش خود و با توجه به رشد و توانایی‌های خویش، مهارتی را فراگیرد و با مشکلات خود به طور نسبی دست و پنجه نرم کند. امروزه فضاهای عمومی شهرها مکانی برای دریافت این مهارت‌هاست و کودک و والدین او باید این امکان را داشته باشند تا آزادانه و بدون نگرانی در این فضاهای شهری حضور یابند و از آن استفاده کنند.

تلاش‌های بین‌المللی در زمینه حقوق کودکان

از آنجا که کودکان یکی از آسیب‌پذیرترین و در عین حال تأثیرپذیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند، همیشه مورد توجه

سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی بوده‌اند. در اینجا به طور خلاصه به تعدادی از تلاش‌های این سازمان‌ها برای احقاق حقوق کودکان اشاره می‌شود.

پیمان‌نامه حقوق کودک^۲

پیمان‌نامه حقوق کودک یکی از اولین و مهم‌ترین تلاش‌ها برای حفاظت از حقوق کودکان است. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و هر نوع شکایتی راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی) این سند را امضا کرده‌اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می‌شود و به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است. پیمان‌نامه حقوق کودک شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری است که چهار اصل پایه‌ای آن را جهت می‌دهد:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد؛
- زمانی که برای کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع عالی آنها در رأس قرار گیرد؛
- کودکان حق حیات دارند و باید رشد کنند؛
- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد (unicef, Article 12).

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ پیمان‌نامه حقوق کودک را پذیرفت و در مجلس شورای اسلامی به تصویب رساند.

صندوق کودکان ملل متحد^۳

صندوق کودکان ملل متحد که بیشتر به نام اختصاری آن یونیسف^۴ خوانده می‌شود، به منظور فراهم کردن غذای اضطراری و خدمات بهداشتی برای کودکان در کشورهایی که در اثر جنگ جهانی دوم تخریب شده بودند، در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ به توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایجاد شد. در اکتبر ۱۹۵۳ مجمع عمومی ملل متحد، این سازمان را به عنوان یکی از ارکان دائمی سازمان ملل شناخت و نام آن را از صندوق بین‌المللی اضطراری کودکان سازمان ملل به نام فعلی تغییر داد. فعالیت‌های یونیسف عمدتاً در راستای ارائه کمک‌های لازم و حمایت از کودکان کشورهای در حال توسعه است. یونیسف از اوایل دهه پنجاه فعالیت خود را برای کودکان در ایران آغاز کرده است (Beigbeder, 2001: 12).

شهر دوستدار کودک^۵

به طور کلی مفهوم شهر دوستدار کودک بدین معناست که دولت‌مردان، این شهرها را بر اساس علائق کودکان اداره کنند و

حقوق اساسی همه کودکان مانند حمایت، سلامت، امنیت، حمل و نقل، آموزش و فرهنگ در آنها رعایت شود. شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودکان نیست، بلکه شهری است که به وسیله آنها ساخته می‌شود (Riggio, 2002: 45-85).

در شهرهای دوستدار کودک نحوه مدیریت و حکمرانی، مستلزم ارائه فرصت‌های مناسب به کودکان برای تصمیم‌گیری است. اساساً شهرهای دوستدار کودک به دنبال ضمانتی برای تمام حقوق کودکان در شهر هستند. این حقوق بر اساس اساسنامه این شهرها شامل موارد زیر است:

- تأثیر تصمیماتشان در مورد شهر محل سکونتشان؛
- دسترسی به خدمات اساسی مانند سلامت، سرپناه، نوشیدن آب سالم، آموزش و بهداشت؛
- محافظت و امنیت در برابر خشونت و جنایت؛
- امنیت و ایمنی در برابر عبور و مرور در خیابان؛
- زندگی در محیط مناسب و آرام؛
- ملاقات و بازی با دوستان و همسالان؛
- به رسمیت شناختن کودکان به عنوان شهروندی یکسان با بزرگسالان؛
- داشتن دسترسی به همه خدمات بدون توجه به نژاد، مذهب و ناتوانایی‌ها (NSW, 2009).

تمامی این تلاش‌ها به منظور ایجاد شرایط زندگی بهتر برای کودکان صورت گرفته است.

ضرورت ارتباط کودک و فضای شهری

جنبه‌های مختلف زندگی کودک سازنده پایه‌های زندگی آینده او، جامعه و شهر است. بی‌گمان توسعه و پایداری همه جوامع در گرو مشارکت و فعالیت همه اقشار و گروه‌های آن جامعه است. کودکان نیز به عنوان یکی از اقشار جامعه که تقریباً نیازهای مشترکی دارند، نه تنها از این قاعده مستثنا نیستند بلکه ضرورت توجه به نیازهای اساسی آنها بیشتر از سایر اقشار جامعه احساس می‌شود.

ضرورت‌های اساسی کودک را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

- ضرورت درک محیط و گسترش شناخت؛
- ضرورت سلامت، امنیت جسمی و گسترش مهارت‌های بدنی؛

- ضرورت ارضای عواطف پیوند با محیط و گسترش انگیزه‌ها (رک. مظفر و دیگران، ۱۳۸۶).

این ضرورت‌ها تأکیدی بر نقش محیط زندگی و امکانات در دسترس در این محیط، برای تحرک آزاد و مستقل، گسترش مهارت‌های بدنی و ایجاد پیوندهای عاطفی و روحی کودک با آن است. روان‌شناسان حوزه کودک نیز عرصه‌های زندگی کودک را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

عرصه خصوصی؛ مانند خانه؛
عرصه نیمه عمومی؛ مانند مهدهای کودک و مدرسه؛

عرصه عمومی؛ مانند بوستان‌های شهری، فضاهای عمومی شهر و ... (رک. حاتمی ابرقویی و دیگران، ۱۳۹۱).

تحقیقات نشان داده است که عرصه‌های عمومی می‌تواند زمینه‌های متعددی را برای ایجاد فرصت‌هایی برای کاوش، جست‌وجو و برقراری ارتباط متقابل با طبیعت ایجاد نماید (fjortoft and sageie, 2000: 88) و به قدرت ارتباط متقابل کودک با همسالانش و در نتیجه افزایش حس اجتماع‌پذیری او کمک کند (meyer, 2005). رشد شخصیتی و اجتماعی کودک بیش از آن که به محیط‌های سرپشته‌ای مانند خانه، مدرسه و یا مهدهای کودک مربوط باشد به تعامل و حضور فعال کودک در فضاهای باز مطلوب و همراهی با همسالان خود وابسته است. حضور در این فضاها، حس شهودی کودکان را فعال می‌کند و در تعامل با همسالان مهارت‌های جسمی، کلامی و اجتماعی آنها را پرورش می‌دهد.

کودکان به‌ویژه در دوره دبستان با رفت و آمد از خانه به مدرسه، حضور در محیط محله خود را تجربه می‌کنند. آنها تمایل دارند با همسالان خود در محله بازی کنند و با محیط کالبدی محله درگیر شوند. در صورت پاسخ مثبت به این نیازها، کودک ارتباط مثبتی با محله شکل می‌دهد و پایه‌های هویت محله‌ای و شهری در او شکل می‌گیرد (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۸).

مازلو معتقد است که شکل‌گیری شخصیت‌هایی که درباره محیط زندگی خود حساسیت و کنجکاوی زیادی نداشته و رغبت و انگیزه‌ای برای زیستن ندارند، حاصل ناکامی و شکست در ارضای کنجکاوی‌های مشتاقانه و خودانگیخته دوران کودکی‌شان است. گوردون آلپورت^۷ نیز تأیید می‌کند که شرایط محیطی مساعد و تجربه‌های دوران کودکی در پرورش شخصیت سالم از اهمیت خاصی برخوردارند (رک. سینگر و رونسن، ۱۳۶۵).

با توجه به آنچه گفته شد درمی‌یابیم که وجود فضاهای عمومی سالم و مناسب حضور کودک، یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر برای رشد و تکامل همه جانبه کودکان است و در نهایت بنیان‌های جامعه سالم را پایه‌گذاری می‌کند. همان‌گونه که در اساسنامه شهرهای دوستدار کودک اشاره شد، شهرها به عنوان بستر رشد و تکامل کودکان باید بتوانند شرایط و امکانات زندگی سالم کودکان را فراهم آورند. کودکان باید بتوانند مانند سایر شهروندان بزرگسال با توجه به توانایی‌هایشان، امکان استفاده از فضاهای شهری را داشته باشند.

مفهوم فضای شهری

به منظور شناخت کامل‌تر از محیط زندگی کودکان لازم است ابتدا با مفهوم فضای شهری آشنا شویم. فضای شهری در معنایی عام، شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا غیر آگاهانه برای رسیدن به مقاصد مختلف طی می‌شود. ماتین^۸ خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها و پارک‌های شهر را به انضمام

جدول شماره ۱: معیارهای مطرح شده برای شهر مناسب کودکان

مکتب / نظریه پرداز	معیارهای حاکم بر فضاهای شهری دوستدار کودک
اسلام	حفظ شخصیت کودک، حفظ کرامت کودک، رعایت سلامت، بهداشت روحی و جسمی، امنیت، (ر.ک. بهشتی، ۱۳۷۷)، (ر.ک. فتال نیشابوری، ۱۳۷۵).
جیکوبز	امنیت، آزادی، ارضای کنجکاوی، تحرک و پویایی (ر.ک. جیکوبز، ۱۳۸۸).
چاولا	امنیت، انسجام، فضای سبز، محیط خشونت‌زا، ترافیک، انزوای اجتماعی، جرم، کسالت و مکان گردهمایی (chawla and others, 2005: 62).
دریسکل	امنیت، ایمنی، دسترسی، زیبایی، سازگاری، قابلیت بازی، آموزش دهنده‌گی، مشارکت، امکانات مالی (دریسکل، ۱۳۸۷: ۸۵).
سترث ویت و همکاران، یونیسف، ملون	امنیت، وقوع فعالیت، فضای آموزش، فضای بازی، بهداشت محیط، ارتباط با طبیعت، محیط خشونت‌زا (malone and tranter, 2003: 290).
شیعه	وقوع فعالیت، مقیاس متناسب، امنیت، سرزندگی، جذابیت، خیابان‌ها و میدانی طراحی شده، فضای باز، مکان پناه گرفتن، سرگرمی خیابانی، جشنواره‌ها، بازار (شیعه، ۱۳۸۵).
لنارد	اعتماد، انصاف، عدالت، ارتباط، فرصت مشاهده مردم، محیط شهری شفاف و سالم و قابل درک، معابر دور از مخاطرات رفت و آمد سواره (lennard, 1997).
مامفورد	فضای باز، فضای سبز، فضای فرهنگی (mamfurd, 1976).

نماهای ساختمانی ای که آن فضا را تعریف نموده‌اند، جزء فضاهای شهری می‌داند (ر.ک. گلکار، ۱۳۸۴). لنگ^۹ نیز عرصه عمومی را متشکل از فضاهای بین ساختمان‌ها و نیز قسمت‌هایی از فضای داخلی ساختمان‌ها می‌داند. فضای شهری، تنها فضای خالی بین ساختمان‌ها نیست، بلکه مفهومی در برگیرنده محیط کالبدی، فعالیت‌ها، رویدادها و روابط بین آنهاست (ر.ک. مدنی پور و مرتضایی، ۱۳۸۴). توسلی نیز فضای شهری را ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی می‌داند. با این وجه خیابان‌ها، میدانی و عناصر باز و ورزشی از جمله این فضاهای شهری محسوب می‌شوند (ر.ک. توسلی، ۱۳۷۱).

آنچه نیاز به توجه دارد این است که فضاهای شهری عموماً در سیطره بزرگسالان قرار دارند؛ از برنامه‌ریزی تا طراحی و ساخت این فضاها، استفاده بزرگسالان به عنوان هدف اصلی، مد نظر قرار گرفته است. مقیاس، عملکرد، نوع مصالح و ... همه به نوعی تأییدکننده این امر هستند. به ندرت می‌توان در شهرها، نشانه‌های بارزی از فضای کودک‌مدار را شاهد بود. هر چند نمی‌توان از برخی تلاش‌های صورت گرفته در این عرصه چشم‌پوشی کرد؛ اما آنچه تا کنون انجام شده پاسخگوی نیازهای کودکان در شهر نبوده است و باید در برنامه‌ریزی و طراحی این فضاها توجه بیشتری به ویژگی‌های کودکان معطوف داشت.

معیارهای فضاهای شهری مناسب کودک

آنچه در شهرهای کنونی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد این است که در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری باید به نیازها و توانایی‌های کودکان توجه کافی و لازم را مبذول داشت تا بتوان حضور فعال آنها را با فضا به گونه‌ای سازنده تضمین کرد. امروزه در شهرسازی، هر محله با حوزه عملکردی مربوط با کودکان شناسایی می‌شود. مرکز هر محله یک دبستان است و علاوه بر آن سایر فضاهای مرتبط با کودکان نیز مانند بوستان محله‌ای، فضاهای

بازی، خانه‌های کودک و ... در نظر گرفته می‌شود؛ اما سؤال‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود این است که:

- ۱- مهم‌ترین معیارهای فضای شهری مناسب کودکان کدام‌اند؟
- ۲- کدام یک از این معیارها بیشترین تأثیر را بر حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارند؟

نظریه‌پردازان و محققان متعددی درباره معیارها و ویژگی‌های فضاهای شهری مناسب کودکان سخن گفته‌اند. این معیارها نه تنها به عنوان ابزاری برای شناسایی شهرهای مناسب کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرند که حق کودکان بر شهر هستند. با بررسی آثار و تحقیقات صورت گرفته می‌توان مهم‌ترین معیارهای تعیین شده برای فضای شهری مناسب کودک را در جدول ۱ دید. هر چند در این نظریه‌ها به طیف وسیعی از معیارها برای مناسب‌سازی شهر برای کودکان اشاره شده است؛ اما با مطالعه دقیق‌تر این مؤلفه‌ها مشخص می‌شود که ایمنی و امنیت از مؤلفه‌های غیر قابل انکار برای خلق فضای شهری مناسب حضور کودکان هستند. جین جیکوبز معتقد است که مهم‌ترین عوامل علاقه کودکان به فضای شهری در ایمنی خیابان‌ها، تنوع کاربری‌ها، شادابی و سرزندگی شهری خلاصه می‌شود و با رفع این نگرانی، نگرانی‌های اصلی تمام جمعیت تمام خواهد شد (ر.ک. جیکوبز، ۱۳۸۸). از سوی دیگر در مطالعه‌ای که کمیسیون کودکان و نوجوانان ولز روی درک کودکان از سلامت انجام داده، سه موضوع اصلی اثرگذار بر سلامت کودکان را شناسایی کرده است و تأثیرگذاری محیط ساخته‌شده را بر این سه موضوع تأیید می‌کند؛ فعالیت، ایمنی و امنیت، و احساس مثبت نوجوانان از خود (NSW, 2009).

روانشناسان کودک تأکید می‌کنند که کودکان در فضاهای امن و ایمن فرصت و امکان بیشتری برای رشد و شکوفایی استعدادهای خود پیدا می‌کنند. همچنین آنها حساسیت زیادی

نسبت به عوامل تهدیدکننده محیطی دارند. کودکان در صورتی در محله خود فعالیت می کنند که احساس امنیت کرده و تمامی حواس شان در حالت تعادل و آسایش باشد. هر نوع تهدید محیطی مانند انواع آلودگی های صوتی و بصری، وجود خطرات فیزیکی، نداشتن قلمرو فیزیکی و روانی، وجود ازدحام غیر قابل کنترل و احساس عدم کنترل محیط توسط بزرگسالان مورد اعتماد، مانع تعامل مطلوب کودک با فضای شهری می شود. این عدم احساس امنیت می تواند باعث بروز رفتارهای پرخطرگانه در کودک شود. پریو و همکاران، با انجام مطالعه ای روی کودکان ۱۰ - ۱۲ ساله و والدین آنها (۶۷۷ خانواده در ویکتوریا)، درباره بزرگ ترین نگرانی آنها کاوش کردند. در مورد کودکان اولین نگرانی، استفاده از خیابان بود و پس از آن خطر افراد غریبه و ایمنی معابر در رده دوم و سوم قرار داشت (Iouy, 2005) که هر سه نگرانی در زمینه مؤلفه های امنیت و ایمنی کودکان در فضای شهری است.

در اغلب شهرهای اسلامی، محله ها با عناصر کالبدی از یکدیگر جدا می شدند. در بسیاری موارد این مرزها توسط مردم محله ها ایجاد و حفاظت می شدند و نهادهای حکومتی در آن دخالتی نداشتند. بافت اجتماعی درون محله ها بسیار منسجم بود. همچنین برای حفظ امنیت در برابر تهدیدهای بیرونی، ورودی های محله ها در بسیاری موارد دروازه داشتند (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰). امنیت کودکان در این شهرها اهمیت بسیاری داشت و علاوه بر تمهیدات کلی نظارتی که در این شهرها به کار رفته بود، نظارت مستقیم و غیرمستقیم افراد حاضر در مکان های عمومی بر کودکان یکی از مهم ترین و کارآمدترین سازوکارهای نظارتی برای حفظ امنیت این بخش از جمعیت بوده است.

ایمنی و امنیت

مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم رایج در علوم انسانی همچون عدالت، آزادی و صلح، تعاریف و تفاسیر گوناگونی دارد. این اختلافات عمدتاً از این واقعیت ناشی می شود که این مفهوم با

تنوعی از معانی و در شرایط و زمینه های گوناگون به کار می رود. از نظر تبارشناسی مفهوم امنیت دارای سابقه ای طولانی تر از مفهوم عدالت و جامعه است. نخستین مباحث فلسفی و سیاسی امنیت را می توان در آثار افلاطون و ارسطو مشاهده کرد. در ادامه به طور خلاصه به تعدادی از این تعاریف و دیدگاه ها اشاره می شود:

قرآن کریم: قرآن ضمن برشمردن امنیت و وجوه عینی آن، نوع کامل و اصلی امنیت را امنیت مبتنی بر ایمان به خداوند می داند. این مفهوم هر سه معنای امروزی از امنیت عینی، ذهنی و آرامش و اطمینان قلبی را بازنمایی می کند (ر.ک. غرایاق زندگی، ۱۳۸۹).

امام علی (ع): امام علی (ع) از همان ابتدای به دست گرفتن حکومت، امنیت به مثابه نظم را در وجوه مادی و معنوی تبیین کرده است. ایشان برای تبیین امن، امان و امنیت به واژه هایی که این ویژگی را ندارند، اشاره می کند: تجاوز، ظلم، ارباب، ترساندن، فساد، سفک، دما (خون ریزی)، شرارت، اذیت، سر به هوا بودن و اوباشی، فتنه و اهانت (ر.ک. لباف، ۱۳۸۵).

امام خمینی (ره): مفهوم امنیت، نگاهی کلان نگر و عمیق لازم دارد و به تعبیر دیگر در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظامی مورد تأیید نیست و نباید تنها به شکل ظاهری بسنده کرد. در مقوله امنیت اجتماعی مفاهیمی چون استقرار عدالت اجتماعی، امنیت شغلی و مسکن، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی، نظارت عمومی و اصل امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد (سالار، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

ماندل: تعاریف موجود درباره مفهوم کلی امنیت بر احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارد (ر.ک. ماندل، ۱۳۷۹).

بوزان: امنیت به معنای حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت های شخصی) است (ر.ک. بوزان، ۱۳۷۸).

جدول شماره ۲: ابعاد امنیت

ابعاد ایجابی، اطمینان و آرامش فکری و روحی را در برمی گیرد. در واقع هر آنچه در ایجاب و تکوین پدیداری حس امنیت در قالب احراز شرایطی از محیط که باعث آرامش و سکینه درون شود، می تواند در ابعاد ایجابی امنیت مورد بررسی و واکاوی قرار بگیرد.	ابعاد ایجابی	امنیت در ابعاد تکوینی
ابعاد سلبی، فقدان خوف و دلهره که موجب سلب آرامش و اطمینان می شود را در برمی گیرد. این بعد به جنبه هایی از مؤلفه های محیط تأکید دارد که سلب آنها از محیط، در پدیداری مفهوم امنیت تأثیر دارد.	ابعاد سلبی	
این بعد امنیت به جنبه های عینی امنیت اشاره دارد که نشان دهنده نبود تهدید موجود در ذات طبیعی محیط باشد. در واقع هر آنچه از لحاظ تصویر و تجسم عینی امنیت تأثیرگذار باشد می تواند در این مقوله مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.	ابعاد عینی	امنیت در ابعاد ادراکی
ابعاد ذهنی به حس امنیت اشاره دارد که در واقع نشانگر احساس امنیت داشتن افراد در ساختار جمعی محیط است و دارای بعدی روان شناختی است.	ابعاد ذهنی	
به شرایطی از محیط اشاره دارد که از جنبه فیزیکی به ایمنی فردی در برابر عناصر و مؤلفه های محیط کالبدی شهر اشاره دارد.	ایمنی ^{۱۳}	امنیت در ابعاد کالبدی
به جنبه های اجتماعی از مناسبت ارتباطی فرد در برابر اجتماع و گروه های اجتماعی در برابر فرد، اشاره دارد.	امنیت ^{۱۴}	امنیت در ابعاد اجتماعی

کلمنتس^{۱۲}؛ امنیت به معنای رهایی از خطرات یا مخاطرات و رهایی از لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید، مشوش نبودن و چیزی که ایمنی می‌دهد و اطمینان می‌بخشد به کار می‌رود (ر.ک. کلمنتس، ۱۳۸۴).

ابعاد امنیت

همان‌گونه که از آرای ارائه‌شده دریافت می‌شود، نمی‌توان معنای واحدی برای مفهوم امنیت تعیین کرد. در طول زمان با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی بشر، مفهوم امنیت نیز توسعه یافته و گسترده‌تر شده است، به طوری که می‌توان ابعاد جدول ۲ را در تعریف آن گنجانده.

مفهوم ایمنی

مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی دارد که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب آنها، وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد کرد (kelly and damian, 2009). با توجه به آنچه در جدول ۲ آمده، در این پژوهش منظور از ایمنی، بعد کالبدی امنیت است.

نظریه‌های مطرح شده در زمینه امنیت فضاهای شهری

با توسعه زندگی شهری و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی انسان‌ها، بحث امنیت فضاهای شهری بیش از پیش مورد توجه نظریه‌پردازان شهری و جامعه‌شناسان قرار گرفت. نظریه‌های بسیاری در این زمینه توسط گروه‌ها و نظریه‌پردازان مختلف ارائه شد که در اینجا به ذکر دو مورد از آنها بسنده می‌شود:

نظریه فضای قابل دفاع^{۱۵}

این نظریه نخستین بار در سال ۱۹۷۲ توسط اسکار نیومن^{۱۶} مطرح شد. در این نظریه، فضای قابل دفاع فضایی است که در آن میزان جرایم و جنایات از طریق افزایش دامنه دید و حس مالکیت به فضا، کاهش باید. اصول فضای قابل دفاع بر مشارکت و خودیاری مردم تکیه دارد. بر اساس این نظریه فقدان چهار عنصر در فضا می‌تواند مستعدکننده رخداد جرم در آن فضا باشد. این عناصر عبارت‌اند از:

- ایجاد حس قلمرو و مالکیت در فضای قابل دفاع؛
- نظارت طبیعی که به ساکنان اجازه می‌دهد افراد را شناسایی کرده و به وقایع قلمرو خود آگاه باشند؛
- خلق تصویری امن از محیط اطراف که ساکنان آن را می‌شناسند و از آن مراقبت می‌کنند؛
- همسایه‌ها باید بخشی از ناحیه امن و بزرگ‌تری باشند که از آن در برابر خطرات حفاظت و بالطبع محله خود را نیز حفاظت می‌کنند (coupland, 1997).

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^{۱۷}

رویکرد دیگری در زمینه طراحی در دهه ۸۰-۱۹۷۰ با عنوان جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی مطرح شد. این ایده

بر اساس نظریه‌های نیومن و ری جفری انتشار یافت. این نظریه در دو نسل به تکامل رسید. نسل اول به بررسی آکادمیک راهبردهای سیستماتیک کاهش جرم از طریق کاهش فرصت‌های ارائه‌شده توسط محیط فیزیکی می‌پردازد. اصول این راهبردها شامل: نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تقویت قلمروگرایی و جای‌گذاری مناسب کاربری زمین است (baker, 2005). اصول بنیادی نسل دوم علاوه بر اصول کالبدی، به عوامل اجتماعی نیز توجه دارد و راهبردهای خود را با استفاده از نگاه جین جیکوبز به روابط با همسایه‌ها و جامعه محلی ارائه داده است. چهار راهبرد جدید عبارت‌اند از: همبستگی اجتماعی، اتصال، فرهنگ اجتماعی و ظرفیت آستانه (ر.ک. فورچی بیگی، ۱۳۸۶).

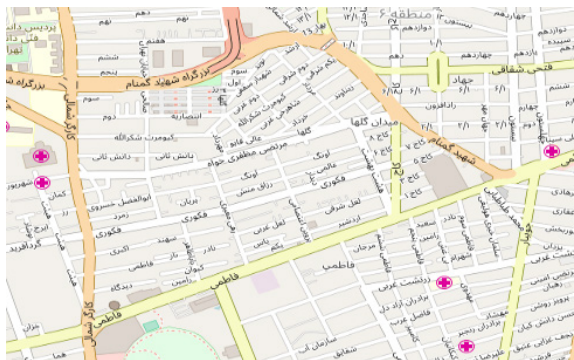
مفهوم فضای شهری امن و ایمن

آنچه که به تعریف امنیت فضای شهری کمک می‌کند، مقابله مفهوم فضای شهری امن و ایمن در برابر فضای شهری ناامن است. می‌توان گفت فقدان امنیت و عوامل از بین برنده ایمنی فضا، مفهوم فضای امن و ایمن را مشخص می‌کند. در فضاهای شهری، احساس امنیت شهری بدین معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با همسایه‌های خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آن که تهدید شوند یا با خشونت و اذیت و آزار جسمی و روحی و یا نابرابری جنسی مواجه شوند (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). نباید در شهرها محلی برای تحریک جرم و ناامنی وجود داشته باشد و بالعکس باید همواره با مداخلات فیزیکی و اجتماعی، محیط را منسجم کرد و روح وحدت را در فضاهای عمومی شهری حاکم گردانید؛ به طوری که یکی از نشانه‌های اصلی فضای امن شهری رونق و حیات جاری در آن است (کلاتسری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸). بنابراین می‌توان گفت فضای شهری امن فضایی است که امنیت و آسودگی خاطر همه افراد را در فضا شامل حاضران، ناظران و عابران فراهم آورد. کودکان نیز مانند سایر شهروندان باید از تمامی این حقوق برخوردار باشند و فضاهای شهری باید به منظور استفاده آنان، مناسب‌سازی شوند.

مؤلفه‌های فضای امن شهری

با توجه به تعاریف مطرح شده، امنیت، به طور کلی احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان و سایر متعلقات تعبیر می‌شود و محیط شهری نیز فضایی است که در آن می‌توان این احساس آرامش و اطمینان را در کاربرانش جست‌وجو کرد. همچنین احساس امنیت نیز با توجه به تأثیرات ذهنی و روانی شکل گرفته از محیط، انسان را در موضع تصمیم‌گیری قرار می‌دهد تا محیط را امن یا ناامن تشخیص دهد و تعریف نماید (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۴). با توجه به نظریه‌های مختلفی که در مورد امنیت فضاهای شهری و کاهش شرایط جرم‌خیزی فضاهای شهری وجود دارد، می‌توان مؤلفه‌های فضای شهری امن

کارگر شمالی منتهی می‌شود. جمعیت محله فاطمی بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ سازمان آمار ایران ۴۴۸۳۱ نفر است (جدول ۳). محله در پهنه مختلط (اداری، تجاری، خدماتی و مسکونی) قرار گرفته است و ترکیب جمعیتی آن ترکیب جوانی است (الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۶، ۱۳۸۶).



تصویر شماره ۱: محدوده محله فاطمی

با توجه به جدول ۴ مشخص می‌شود محله فاطمی از لحاظ سرانه‌های مورد نیاز کودکان در وضعیت مناسبی قرار دارد. همچنین مجاورت محله با پارک لاله، مرکز حجاب و کانون پرورش فکری کودکان می‌تواند بسیاری از نیازهای کودکان محله را پوشش دهد. البته باید توجه داشت که در چند سال اخیر کاربری‌های اداری به درون بافت مسکونی محله نفوذ کرده‌اند و این روند رو به گسترش است؛ به طوری که واحدهای مسکونی درون بافت تمایل دارند به کاربری اداری یا خدماتی تغییر یابند.

جدول شماره ۳: توزیع جمعیت و خانوار در محله فاطمی

جمعیت کل	مرد	زن	تعداد خانوار
۴۴۸۳۱	۲۲۴۸۵	۲۲۳۴۶	۱۳۷۰۷
گروه سنی ۰ تا ۱۴ سال	گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال	گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر	
۵۷۳۶	۲۵۰۶۱	۱۳۵۹۴	

جدول شماره ۴: توزیع فضاهای فرهنگی - آموزشی در محله فاطمی

کاربری	سرانه مورد نیاز	فعالیت‌های در محله	وضع موجود
فرهنگی	۰٫۹۱	سرای محله	۱
		فرهنگ‌سرا	۰
		مراکز فرهنگی	۱
		سینما	۰
آموزشی	۱٫۸	کتابخانه	۱
		دبستان	۴
		مهد کودک	۲

استخراج معیارهای فضای شهری مناسب کودک

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی، مقدار 17KMO برابر است با ۰/۷۵۰ و مقدار بار تلت آن ۸۲۲۶/۳۴ بوده و سطح

را بدین صورت معرفی کرد (رک. بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ قورچی بیگی، ۱۳۸۶؛ کامران و همکاران، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۱۳۸۷ و (kelly and damin, 2009).

اندازه و تراکم در فضا: یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار، تعداد افراد موجود برای تماس در محدوده فضایی مشخص، عنوان شده است. هرچند فضاهای بزرگ و خالی می‌تواند مسبب بروز و افزایش جرم باشد اما ازدحام زیاد در فضاهای کوچک نیز دلهره‌آور است و می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم برای مجرمان و ایجاد اختلال در ایمنی استفاده‌کنندگان باشد.

آسایش بصری و محیطی: نتایج بررسی‌های گوناگون نشان‌دهنده این است که میان فراوانی وقوع جرایم و مکان‌های آلوده (انواع آلودگی بصری، محیطی، صوتی و...) همبستگی آماري وجود دارد.

سازمان فضایی و نفوذپذیری: وضعیت نفوذپذیری قلمروها، وضعیت دسترسی، و فضاهای حمل و نقل عمومی سه معیار این مؤلفه هستند که هرکدام بر میزان امنیت و ایمنی قلمروها نقش مؤثری ایفا می‌کنند. تعریف مرزهای روشن، مالکیت فضا را تعریف می‌کند و موجب کاهش نفوذپذیری و افزایش نظارت اجتماعی می‌شود. ویژگی دسترسی و شبکه‌های ارتباطی نیز نقش مهمی در تأمین امنیت و ایمنی محله‌ها ایفا می‌کنند.

کیفیت مسکن و کاربری زمین: مسکن ناسالم، نحوه تصرف مسکن، تراکم جمعیتی و ساختمانی، میزان بهره‌مندی از خدمات عمومی واحدهای مسکونی و الگوی کاربری زمین و کمیت و کیفیت فعالیت‌ها، هر کدام نقش مؤثری در میزان امنیت محله‌ها ایفا می‌کنند.

با توجه به موضوع‌های مطرح شده و در نظر گرفتن اهمیت مؤلفه‌های ایمنی و امنیت برای حضور فعال کودکان در فضاهای شهری، به بررسی محدوده مورد مطالعه می‌پردازیم و محله فاطمی را از لحاظ وضعیت ایمنی و امنیت کودکان مورد سنجش قرار می‌دهیم. بدین ترتیب براساس مبانی نظری، فرضیه رابطه‌ای تحقیق این است که «به رسمیت شناختن حق ایمنی و امنیت کودکان که آموزه‌ای ایرانی-اسلامی و همچنین معیاری بین‌المللی برای حفظ حقوق کودکان است، رابطه معناداری (همبستگی) با حضورپذیری فضاهای شهری برای آنان دارد».

یافته‌های پژوهش

معرفی محدوده مورد مطالعه

محله فاطمی (تصویر ۱) یکی از محله‌های ناحیه دو شهرداری منطقه ۶ تهران است که از شمال به خیابان شهید گمنام از میدان گلها تا تقاطع خیابان کارگر شمالی، از جنوب به خیابان فاطمی از تقاطع خیابان کاج جنوبی تا تقاطع خیابان کارگر شمالی، از شرق به خیابان شهید گمنام و خیابان کاج جنوبی و از غرب به خیابان

معناداری ۰/۹۹ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است.

پس از انجام تحلیل عاملی، ۹ عامل دارای بردار ویژه بزرگ‌تر از یک به دست آمد. به طور کلی، این ۹ عامل در مجموع ۶۰،۵۳ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند که نشان از درصد بالای واریانس تبیین شده توسط این عامل‌ها دارد. بر اساس یافته‌های حاصل از جدول ۵، عامل اول با مقدار ویژه ۸/۴۱ تبیین کننده بیش از ۱۹/۱۲٪ واریانس کل است.

جدول شماره ۵: عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
اول (ایمنی و امنیت)	۸/۴۱	۱۹/۱۲	۱۹/۱۲
دوم (ارضای کنجکاو)	۴/۱۸	۹/۱۰	۲۷/۲۲
سوم (آزادی)	۳/۲۲	۷/۰۱	۳۴/۲۳
چهار (تحرک و پویایی)	۲/۹۵	۶/۴۳	۴۰/۶۶
پنج (محیط قابل درک)	۲/۶۲	۵/۷۰	۴۶/۳۶
شش (آموزش دهنده‌گی)	۱/۹۴	۴/۲۳	۵۰/۵۹
هفت (محیط بدون خشونت)	۱/۸۷	۴/۰۶	۵۴/۶۵
هشت (ارتباط با طبیعت)	۱/۵۵	۳/۳۶	۵۸/۲۱
نه (تعامل پذیری)	۱/۵۰	۳/۰۱	۶۰/۵۳

اما وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس تعیین گردیدند. با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده عامل‌ها، هر یک از عوامل، نام‌گذاری شده و ۹ معیار فضاهای شهری مناسب کودک تعیین گردید. این معیارها عبارت‌اند از: ایمنی و امنیت، ارضای کنجکاو، آزادی، تحرک و پویایی، محیط قابل درک، آموزش دهنده‌گی، محیط بدون خشونت، ارتباط با طبیعت، تعامل پذیری.

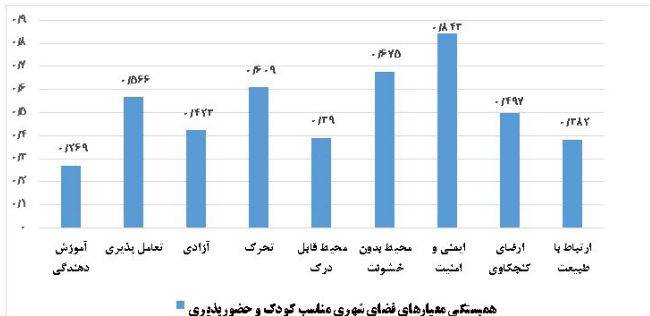
میزان حضور کودکان در محیط‌های شهری

با تحلیل داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها از طریق آزمون خی دو تک متغیره، مشخص شد فراوانی طبقات با یکدیگر متفاوت است؛ به گونه‌ای که برای فرضیه آماری «حمایت و تأمین حق ایمنی و امنیت کودکان بر افزایش حضورپذیری فضاهای شهری آنان تأثیرگذار است»، بیشتر پاسخ‌ها شامل متوسط، زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند تا کم و خیلی کم ($p < 0.05$ و $0.271 = \chi^2$ خی دو تک متغیره). در ادامه به منظور دستیابی به اهداف پژوهش به تبیین اثرات هر یک از معیارهای شهر مناسب کودک بر میزان حضورپذیری فعال کودکان، می‌پردازیم.

تبیین ارتباط معیارهای فضای شهری مناسب کودکان و میزان حضورپذیری آنها

نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که تمامی معیارهای فضای شهری دوستدار کودک با میزان حضور فعال کودکان در این فضاها دارای ارتباطی مثبت و معنادار هستند (با سطح معناداری ۰/۹۹ و ۰/۹۵) و این بدان معناست که با افزایش میزان رضایت از هر یک از این معیارها، میزان حضور فعال کودکان نیز به طور معناداری افزایش می‌یابد.

نتایج به دست آمده از همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که معیار امنیت و ایمنی بیشترین رابطه هم جهت را با میزان حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارد ($r = 0.801$) که مبانی نظری پژوهش را تأیید می‌کند. این امر بدین معناست که با بهبود مؤلفه‌های ایمنی و امنیت در فضاهای شهری انتظار می‌رود به طور قابل توجهی میزان حضور فعال کودکان در فضاهای شهری افزایش پیدا کند. با توجه به میزان کم حضور فعال کودکان در محله فاطمی و ارتباط مستقیم و قوی این موضوع با میزان امنیت، می‌توان فهمید وضعیت این محله از لحاظ معیار ایمنی و امنیت در وضع مناسبی نیست. این امر در داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه نیز مشهود است؛ به طوری که ۸۳ درصد از پاسخ‌دهندگان رضایت کم و یا بسیار کمی از میزان ایمنی و امنیت این محله داشتند.



نمودار شماره ۱: عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی و نام‌گذاری آنها

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از مرور نظریه‌های مطرح شده در زمینه کودکان و لزوم ارتباط آنها با فضاهای شهری، به حقوق و جایگاه کودکان از دیدگاه اسلام اشاره و برخی از تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته برای احقاق حق این گروه از جامعه بیان شد که از این میان می‌توان به پیمان‌نامه حقوق کودک، صندوق کودکان ملل متحد و اساسنامه شهر دوستدار کودک اشاره کرد. همه این تلاش‌ها به منظور ایجاد فضای مناسب برای رشد و بالندگی کودکان صورت گرفته است و فضاهای شهری نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور کودکان مورد توجه برنامه‌ریزان شهری و روان‌شناسان محیطی قرار گرفته است؛ تلاش‌هایی در

جهت تبیین و توجه به ویژگی‌هایی که فضای شهری باید دارا باشد تا کودکان به عنوان استفاده‌کنندگان از آن بتوانند در کمال آرامش و نشاط به اهداف رشد و بالندگی ذهنی و جسمی خود برسند. در این پژوهش با بررسی نظریه‌های پژوهشگران مختلف، معیارهایی برای این فضا بیان شد و با توجه به اهمیت معیار ایمنی و امنیت در محیط شهری، تدقیق بیشتری روی این معیار صورت گرفت. معیارهای بیان شده در مبانی نظری پژوهش از طریق پرسشنامه و مصاحبه مورد آزمون قرار گرفتند و از طریق روش تحلیل عاملی، نه معیار ایمنی و امنیت، ارضای کنجکاوی، آزادی، تحرک و پویایی، محیط قابل درک، آموزش‌دهندگی، محیط بدون خشونت، ارتباط با طبیعت، و تعامل‌پذیری به عنوان معیارهای شهر مناسب کودک معرفی شد که می‌توان گفت این معیارها حقوقی هستند که کودکان ما برای استفاده از فضاهای شهری بر گردن مسئولان و برنامه‌ریزان دارند. در ادامه به منظور تبیین رابطه معیارهای نام برده شده و تعیین معنادارترین رابطه این معیارها با میزان حضور فعال کودکان، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده و همان‌گونه که انتظار می‌رفت، نشان داده شد که معیار ایمنی و امنیت بیشترین رابطه هم‌جهت و مثبت را بر میزان حضور فعال کودکان در فضاهای شهری دارد ($r=0.801$). طبق نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و آزمون خی‌تک نمونه‌ای میزان حضور کودکان در محله فاطمی در منطقه ۶ در بازه کم قرار گرفت. همچنین طبق توزیع فراوانی داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، ۸۳ درصد از ساکنان وضعیت ایمنی و امنیت محله را برای حضور کودکان‌شان در محله مناسب نمی‌دانستند و این امر تأییدی بود بر نتایج حاصل از همبستگی پیرسون که نشان می‌داد ارتباط قوی بین میزان امنیت و حضورپذیری کودکان وجود دارد.

با توجه به بافت منطقه شش و توزیع و اختلاط کاربری‌های اداری، تجاری و مسکونی نیاز بیشتری به برنامه‌ریزی در راستای افزایش مؤلفه‌های ایمنی و امنیت احساس می‌شود تا کودکان بتوانند طبق حقوق تعیین شده‌شان در مجامع بین‌المللی، با آسودگی خاطر و آزادانه از فضاهای شهری استفاده کنند و از این فضاها به منظور رشد جسمی و ذهنی خود بهره ببرند. همچنین نتایج حاصل از پرسشنامه و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل عدم حضور کودکان در معیار ایمنی و امنیت از نظر ساکنان و والدین به ترتیب، وجود افراد ولگرد و معتاد، روشنایی نامناسب معابر، و حضور افراد ناشناس در محله است. به نظر می‌رسد نفوذ بافت اداری به درون محله، همجواری با بوستان لاله و عدم نظارت کافی پلیس در شب بر این بوستان و وضعیت نامناسب روشنایی و خط‌کشی‌های معابر در این عدم امنیت و ایمنی نقش پررنگی را ایفا می‌کنند.

با توجه به این نتایج و نظریه‌های مطرح شده در زمینه امنیت فضاهای شهری می‌توان با مناسب‌سازی و بهبود این فضاها با توجه

به رویکردهای ارائه شده، فضاهای عمومی شهرها را برای حضور و استفاده کودکان آماده کنیم و این حق گمشده کودکان در شهر را به آنها بازگردانیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. اما در میان متقدمان فقها و هم‌معاصران، نظر مخالف وجود دارد و برای نمونه برخی از معاصران به استناد روایات معتبری که دلالت دارند، سن بلوغ در پسر و دختر ۱۳ سال تمام قمری است، به این سن فتوا داده‌اند (یوسف، صانعی، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پرسش ۲۶) و یا یکی از صاحب‌نظران معاصر بیان نموده است که مسئله بلوغ یک مسئله تعبدی و فقهی نیست، بلکه یک موضوع خارجی است). محمدحسن، مرعشی شوشتری، (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ج ۱، تهران، نشر میزان، ج اول، ص ۲۳ و همچنین رک به محمدحسن، مرعشی شوشتری، تحقیقی درباره سن بلوغ، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ۴، ش، (تابستان ۷۱)، ۵۹-۶۰.
2. The Convention of Rights of the Children
3. United Nations Children's Fund
4. UNICEF
5. Children Friendly City (CFC)
6. Maslow
7. Gordon Allport
8. Moughtin
9. Lang
10. Mundell
11. Buzan
12. Clements
13. Safty
14. Security
15. Defensible Space
16. Oskar newman
17. Crime Prevention Through Environmental Design: CPTED

فهرست منابع و مراجع

۱. بافکار، حسین. (۱۳۸۷)، «نگاهی به حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون‌های جهانی»، **مجله طبوبی**، تابستان، شماره ۲۷، ۱۰۵-۱۱۱.
۲. بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۸)، **امنیت و طراحی شهری**، انتشارات هله، تهران.
۳. بوزان، بی (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۴. توسلی، محمود (۱۳۷۱)، **طراحی فضای شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۵. جیکوبز، جین (۱۳۸۸)، **مرکز و زندگی شهرهای بزرگ آمریکای**، ترجمه حمیدرضا پارسسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۶. حاتمی ابرقوئی، حسین؛ رحیمه عظیمی ابرقوئی و لیلیا حاتمی ابرقوئی (۱۳۹۱)، **سهم کودکان از شهرسازی پایدار با تأکید بر طراحی مراکز محله**، اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه.
۷. دانشپور، سید عبدالهادی؛ عبدالحمید نقره کار و علی اکبر سالاری پور (۱۳۹۶)، «مقایسه ارتباط کودک با محله در محله‌های سنتی و جدید؛ مطالعه موردی: محله‌های ساغریسازان و گل‌سار شهر رشت»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی**، بهار، شماره ۲۷، ص ۵-۱۵.

۲۹. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۹۲)، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره برداری از حقوق مربوطه»، **پژوهشنامه متین**، شماره ۲۱، ص ۲۷-۶۰.

۳۰. نیکنامی، ندا؛ علی اصغر آقایی و سارا کاظمی (۱۳۹۲)، «خشونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه حقوقی اسلام»، **تحقیقات حقوقی آزاد**، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۱۳۳-۱۶۷.

31. Baker, C . (2005), Safety Through Design, UMI 1431580ProQuest Information & Learning Company.
32. Chawla, L., N.; Blanchet-Cohen, N.; Cosco, D.; Driskell, J.; Kruger, K.; Malone, R. Moore, and B. Percy-Smith (2005), Don't just listen - Do something! Lessons learned about governance from the Growing Up in Cities Project. *Children, Youth and Environments*, 15 (2):53-88.
33. Coupland, A. (1997), *Reclaiming the City: Mixed use development*, Taylor & Francis, London.
34. Fjortoft, I., and Sageie J. (2000), "The natural environment as a playground for children: Landscape description and analyses of a natural playscape", *Landscape and Urban Planning*, 48 (1):83-97.
35. Kelly, Eric ,Damian, Crabtree Dain (2009), *Securing The Built Environment: An Analysis Crime Prevention Through Environmental Design*, Ball State University, Muncie, Indiana.
36. Lennard, H.L. (1997), *The good city for children*. international Making Cities livable council, (L.S.H. Crowhurst et al Eds), California, U.S.A.
37. Louv, R. (2005) *Last Child in the Woods: Saving our Children from Nature-Deficit Disorder*, NY: Algonquin Books of Chapel Hill, New York.
38. Malone, K., and P.J. Tranter, (2003), "School grounds as sites for learning: Making the most of environmental opportunities", *Environmental Education Research*, 9 (3):283-303.
39. Meyer, R.L. (2005), *The effect of green space on urban children's sense of community*, Paper read at Minnesota Association for Environmental Education Twelfth Annual Conference Proceedings, at Minnesota.-Myers, D.G., and S.J. Spencer. 2001. *Social Psychology: Canadian Edition*.
40. Mumford, I., Paleo, (1976), *Technic paradise*, in: *The Urbanization of European Society in the Nineteenth Century*, (a. Lees, Eds.), ROGERS univ.comdon and Pencilvania Univ., d.c Health and company, Massachusetts.
41. NSW Commission for Children and Young People (2009), *Built for Kids : A good practice guide to creating child-friendly built environments*. NSW Commission for Children and Young People, Surry Hills.
42. Y. Beigbeder, (2001). *New Challenges for UNICEF: Children, Women and Human Rights*, Springer.
43. Riggio, E. (2002), "Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child", *Journal of Environment & Urbanization*, 14 (2) : 45-58.
44. www.unic-ir.org/hr/convention-child.html
45. <http://www.unicef.org/iran/fa/overview.html>
46. <http://www.unicef.org/iran/fa/overview.html>

۸. دریسکل، دیوید (۱۳۸۷)، **ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان**، ترجمه مهرنوش توکلی و سعید رضوانی، نشر دیبایه، تهران.
۹. رفیعیان، محسن؛ محمد مویدی؛ حسن سلمانی و لیلا توانگر (۱۳۹۱)، «ارزیابی احساس امنیت شهروندان با رویکرد منظر شهری؛ نمونه موردی: محله آوین»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی**، دوره دوم، تابستان، شماره ۸، ص ۵۱-۶۴.
۱۰. سالار، محمد (۱۳۸۲)، «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، **اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره ۶، ص ۱۱۱-۱۳۵.
۱۱. سینگر، داروتی جی. و تی. رونسن (۱۳۶۵)، **کودک چگونه فکر می‌کند**، ترجمه مصطفی کریمی، نشر آموزش، تهران.
۱۲. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵)، **آماده سازی شهر برای کودکان**، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، تهران.
۱۳. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷)، **ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن**، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۴. طبرسی، حسن (۱۳۷۰)، **مکارم الاخلاق**، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، قم.
۱۵. غریب‌زندی، داود (۱۳۸۹)، «مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره سوم، زمستان، شماره مسلسل ۵۰، ص ۶-۷.
۱۶. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۷۵)، **روضه الواعظین و بصیره المتعلمین، الشریف الرضی**، قم.
۱۷. **قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران**، ماده ۱۲۰۱، مصوب ۱۳۶۰.
۱۸. قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶)، «راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم مناطق مسکونی»، **مجله فقه و حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۱۴۷-۱۷۲.
۱۹. کامران، حسن؛ طاهر پری‌زادی؛ امیرحسین صحرایی و حسن سینی امینی (۱۳۹۰)، «امنیت و ایمنی در فضاهای شهری با رویکرد پدافند غیر عامل؛ نمونه موردی: منطقه ۵ کلاشهر تهران»، **فصلنامه مطالعات مدیریت شهری**، پاییز، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۵)، ص ۳۳-۵۷.
۲۰. کلاتری حسین آباد، خلیل؛ روناک اردلانی؛ سروه سراجی و عطیه پوراحمد (۱۳۹۲)، «برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری مبتنی بر تفکیک جنسیتی با رویکرد CPTED: نمونه موردی: محله فرهنگیان، شهر بناب»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره سوم، تابستان، شماره ۱۲، ص ۱۵-۲۶.
۲۱. کلمنتس، کا (۱۳۸۴)، «ابه سوی جامعه‌شناسی امنیت»، ترجمه محمد علی قاسمی، **فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی**، سال هشتم، شماره دوم، ص ۲۸۱-۳۰۲.
۲۲. گلکار، کوروش (۱۳۸۴)، **کند و کاوی در تعریف طراحی شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۲۳. **الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۶ تهران** (۱۳۸۶)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۴. لباف، فریبا (۱۳۸۵)، «سیره عملی حضرت علی (ع) در استقرار نظم و امنیت»، **فصلنامه دانش انتظامی**، دوره ۸، شماره ۳، ص ۷۷-۹۹.
۲۵. ماندل، ر. (۱۳۷۹)، **چهاره متغیر امنیت ملی**، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲۶. مرعشی شوشتری، محمدحسین (۱۳۷۳)، **دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام**، ج ۱، نشر میزان، تهران.
۲۷. مدنی پور، علی و فرهاد مرتضایی (۱۳۸۴)، **طراحی فضای شهری-نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی**، شهرداری تهران، تهران.
۲۸. مظفر، فرهنگ؛ سیدباقر حسینی؛ محمد باقری و حمیدرضا عظمی (۱۳۸۶)، «نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان»، **فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر**، دوره ۴، شماره ۸، ص ۵۹-۷۲.

تبیین مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی حکمت متعالیه و بررسی میزان تجلی آن در کالبد بازارهای ایرانی؛ مطالعه موردی: بازار همدان، سرای شریفیه

علی رضا صادقی^{۱*} (نویسنده مسئول)، مسعود دادگر^۲، سحر سماواتی^۲

^۱ استادیار بخش شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

^۲ عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مدیر گروه پژوهشی معماری و منظر شهری پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری

^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۸)

چکیده

امروزه در زمینه زیبایی‌شناسی و چگونگی قضاوت و تجربه آن، تنوع بی‌حد و مرزی در معماری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری ایرانی دیده می‌شود. می‌دانیم که یکی از نمودهای عینی معماری و شهرسازی سنتی ایران که متأسفانه امروزه نقش اصلی خود را از دست داده، بازار است. به نظر می‌رسد بررسی مقوله‌های مربوط به ارزش‌های زیبایی‌شناسی شهرهای اسلامی در بازارهای ایرانی با هدف بازآفرینی و احیای این ارزش‌ها ضروری است؛ چرا که به باور حکمای اسلامی، زیبایی‌های موجود در محیط، جلوه‌هایی از زیبایی مطلق یعنی حق تعالی هستند و بازارها همواره به عنوان ستون فقرات شهرها ایفای نقش کرده‌اند. با توجه به این نکته، در این تحقیق دیدگاه‌های مختلف در زمینه زیبایی‌شناسی اسلامی بررسی و ویژگی‌های بازارهای ایرانی بازخوانی شده است. در ادامه و در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی و تحلیل محتوا و شیوه تحقیق گروه تمرکز، شاخص‌های زیبایی‌شناسی در حکمت متعالیه (زیبایی‌شناسی جامع) استخراج و در مورد کالبد سرای شریفیه همدان تحلیل شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر این مهم هستند که مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع در بازارهای ایرانی در قالب دو گونه کلی مؤلفه‌های ذهنی - روان‌شناختی و فرمی - کالبدی قابل تقسیم‌بندی هستند و عوامل بسیاری از جمله نور، رنگ، کمال، تناسب، هندسه، سلسله مراتب در آفرینش این زیبایی تأثیرگذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی اسلامی، حکمت متعالیه، زیبایی‌شناسی جامع، بازار ایرانی، سرای شریفیه بازار همدان.

مقدمه و بیان مسئله

ایران در طول تاریخ همواره یکی از برجسته‌ترین مراکز تجمع انسانی بوده است که ساختار شهرهای سنتی و اسلامی آن با نظام شناختی کیهانی‌اش غنی‌ترین الگوهای معماری و شهرسازی را باز می‌نمایاند. سنت در اینجا نه به معنای اعتقاد به ارتجاع و واپسگرایی، بلکه به معنای اعتقاد به اصولی مترقی، ماندگار و هویت‌بخش است که کرامت و حقوق انسان و محیط پیرامون او را پاس می‌دارد. در واقع شهر سنتی منظومه بناهایی است که تحت سیطرهٔ بینش سنتی و آداب و رسوم آن و متأثر از محدودیت‌های اقلیمی و فنی شکل گرفته و لاجرم دارای وحدت و هم‌آوایی است و اهدافی متعالی و الهی را پیگیری می‌کنند. این نوآوری در پی دست یافتن به کمالی است که هرگز حاصل نمی‌شود، مگر در عالم بالا. خداوند سبحان احسن الخالقین است و انسان که خلیفهٔ خداوند بر روی زمین است با خلایقیت، این ودیعهٔ الهی ذرات وجود را به سوی نظمی کیهانی سامان می‌دهد. معمار و شهرساز معتقد به سنت نوآوری را تکمیل تدریجی دستاورد پیشینیان و سپردن آن به آیندگان می‌داند. معمار و شهرساز سنتی به اندازه توان خود ارزشی بر ارزش‌های معماری می‌افزاید و ادعای معماری خلق الساعه را ندارد (حجت، ۱۳۸۴: ۶۲-۵۵). از این رو، فضای زندگی شهرهای اسلامی همواره تحت تأثیر قوانین الهی بوده که با جاری شدنش تمامی شئون زندگی مردم را در بر می‌گرفت و محیطی روحانی را فراهم می‌آورد که نمودش در تمامی اندام‌های این شهر از خانه تا میدان و از کوچه تا خیابان و بازار دیده می‌شود. در این زمینه، پژوهش‌های بسیاری بر چیستی، شخصیت، ساختار، ارکان، ابعاد، الگوها، انواع، نمونه‌ها، ویژگی‌ها، شئون، صفات، تحولات و تطورات و شاخص‌های شهر اسلامی تأکید داشته‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱-۱۴؛ پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳-۲۱؛ خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۱۳؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۳-۸۰؛ رحیمی و نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳-۲۰؛ عرفانی و نویدپور، ۱۳۸۷: ۷۲-۹۱؛ نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷-۶۱؛ مشکینی و رضایی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۷-۶۸؛ بیات، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۶۷ و صفایی پور و سجادیان، ۱۳۹۴: ۱۵۹-۲۰۵). در شهر اسلامی معماران مؤمن با هنر خود در ایجاد درکی بهتر از فضای هستی معتقد به آن، طراحی فضاهای شهری و بناهای معماری را بر عهده گرفتند تا مؤمنان در فضاهایی قرار گیرند که جلوه‌هایی از حق را به یاد آورند. در شهر اسلامی هم مؤمن به عنوان شهروند این شهر و هم اثر معماری و فضای شهری به عنوان محصول عمل هنرمند معمار وجهی مشترک دارند و آن یاد خداست. معمار در مسجد، بازار، مدرسه و بناهای دیگر ضمن برآوردن نیازهای مادی استفاده کنندگان از آنها، جلوه‌هایی از حضور خدا را به تصویر می‌کشد؛ در واقع مسافر این شهر همیشه خود را در درون چیزی می‌بیند، از حالی به حال دیگر و از ادراکی به ادراکی دیگر دست می‌یابد (استیرلن، ۱۳۷۷: ۶۳). با این تفکر اندام‌های گوناگون شهر اسلامی در یک نظام پیوسته و هماهنگ ادراکی قرار می‌گیرند؛

اما در این نظام پیوسته، یکی از بارزترین نمودهای عینی معماری و شهرسازی مجموعه‌های بازار شهری است که همواره به عنوان ستون فقرات و قلب تپندهٔ شهر ایفای نقش می‌کند (لک و حکیمیان، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۳۴)؛ چرا که در شهر اسلامی، استفاده کننده از فضا از دروازه‌های شهر به بازار و کاروان‌سراهای اطراف آن وارد می‌شد. در این شهر بازار مکانی است برای فعالیت‌های اقتصادی؛ اما در اسلام، اقتصاد از معاد باری تعالی جدا نیست. در این مکان معاملات چند سویه صورت می‌گیرد که یک سوی آن خداست. این موضوع فقط در روابط بین افراد دیده نمی‌شود بلکه با ساخت نیایشگاه در کنار راسته بازار و دعوت بازاریان و خریداران به نماز بر وجود رابط اصلی این معاملات یعنی خداوند تأکید می‌کند. در برخی بازارها مساجد، مدارس و دیگر بناهای مذهبی چنان در مسیر راستهٔ اصلی و فرعی قرار می‌گیرند که تفکیک فعالیت اقتصادی و فرهنگی غیر قابل انجام است (سرای، ۱۳۸۹: ۲۵-۳۷؛ دانشپور و شیر، ۱۳۹۴: ۱۷-۲۵). در مطالعهٔ معماری بازار نیز آنچه ذهن تحلیل‌گر انسان را به خود مشغول می‌کند، تکرار و تدامی است که در فرم ساختمان و اشکال مشترک بازارها چون راهروها، طاق‌های گنبدی شکل، نورگیرها و ... وجود دارد. در واقع فضاها و عناصر سرپوشیده و سرباز بازار چون راسته، چهارسوق، سرا، تیم، تیمچه و دالان را می‌توان از با ارزش‌ترین تجربه‌های معماری و شهرسازی دانست (جباری، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۷).

پیدایی و موجودیت بازارها در سرزمین پهناور ایران از گذشته بسیار دور آغاز شده و طی قرون متمادی به دلایل گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و مذهبی به تدریج تکامل یافته است (ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰: ۵-۱۵)؛ اما امروزه بازار نه تنها کارکرد و هویت اصلی خود را از دست داده است، بلکه عناصر شکل‌دهندهٔ فضا که همواره زیبا و متناسب با فرهنگ و هنر اسلامی و ارزش‌های جامعه بوده‌اند در حال افول و فراموشی هستند (لک و حکیمیان، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۳۴). با بررسی مطالعات انجام شده در زمینهٔ زیبایی‌شناسی معاصر، می‌توان مدعی شد که بیشتر مطالعات محدود به زیبایی‌های ظاهری است؛ به‌ویژه در عصر کنونی که بشر به بهانهٔ تجدد همه‌جانبه، افزون بر بی‌مهری به میراث تاریخی خود، تلاش کرده هنر و زیبایی‌شناسی را هم همانند هر عرصهٔ دیگری، دنیوی و مادی کند. زیبایی‌شناسی معاصر، نه تنها از نظر معرفت‌شناسی، بلکه به لحاظ روش مطالعه هم با آنچه در سنت و دین رایج بود، زاویه گرفته و پیامد این فاصله، بروز مشکلات و از بین رفتن هویت و زیبایی در بسیاری از بناهای معماری ایرانی امروزی است. از این رو، درک و بررسی مقوله‌های مربوط به زیبایی‌شناسی بازارهای سنتی ایرانی، با هدف بازآفرینی و احیای این ارزش‌ها ضروری است. ارزش‌هایی واجد کیفیت‌های مطلوب زیبایی‌شناختی که می‌توانند کالبد بحران‌زده شهر ایرانی امروزی را غنایی دوباره بخشند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بنیادهای هویت‌ساز در همهٔ ابعاد فرهنگی و انسانی جامعه دیدگاه آن جامعه دربارهٔ زیبایی‌شناسی است. ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه و هویت می‌توانند رابطه‌ای دوسویه و متقابل داشته

باشند. زیبایی‌شناسی، نشانگر سمت و سوی دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه است. اگر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه دچار بحران شود کم‌کم همه ابعاد جامعه به سوی بحران حرکت می‌کند. در تفکر آرمانی اسلامی، هنرمند باید صورت حقیقت را بشناسد و شکل یا قالب حقیقت را درک کند و از آنجا که یکی از نتایج مترتب بر هنرها تجلی زیبایی است، فضای حاصل از ظهور هنر باید نشانگر زیبایی باشد (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۷-۷۰؛ صادقی، ۱۳۹۳: ۷۰-۸۱؛ صادقی و جنگجو، ۱۳۹۶: ۳۷۷-۳۹۲). با توجه به آنچه گفته شد این مقاله می‌کوشد تا در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیبایی‌شناسی در آرای متفکران حکمت متعالیه (زیبایی‌شناسی جامع)، استخراج و در نمونه موردی مطالعه و بررسی کند. به منظور انجام این مهم، سرای شریفیه بازار همدان انتخاب و شاخص‌های زیبایی‌شناسی در عناصر گوناگون شکل‌دهنده سرای شریفیه همدان تحلیل شده است. همچنین راهکارهایی برای بازآفرینی این ارزش‌ها در بازارها به عنوان گونه‌ای از فضاهای منسجم شهری ارائه شده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به منظور بازشناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیبایی‌شناسی در آرای متفکران حکمت متعالیه (زیبایی‌شناسی جامع) و تحلیل این شاخص‌ها در کالبد سرای شریفیه همدان به عنوان نمونه موردی، از روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی، تحلیل محتوا و موردی بهره گرفته است. همچنین در فرایند پیشبرد تحقیق، از شیوه‌های تحقیق مشاهده، مرور متون، منابع و اسناد تصویری استفاده شده و برای تحلیل محتوا و دسته‌بندی شاخص‌های زیبایی‌شناسی جامع به دست آمده از مبانی نظری پژوهش و ارزیابی نمونه موردی بر اساس این شاخص‌ها، از شیوه گروه بحث متمرکز (مصاحبه گروه کانونی یا مصاحبه گروهی)^۱ بهره گرفته شده است. در شیوه گروه بحث متمرکز، افرادی مشخص و انتخاب شده، در یک یا چند بحث گروهی در زمینه موضوعی خاص یا مجموعه‌ای از موضوع‌ها شرکت می‌کنند. در واقع این شیوه، نوعی مصاحبه گروهی هماهنگ در قالب جلسه‌های بحث سازمان‌دهی شده است که طی آن افراد، نظر‌ها و تجربه‌های خود را در تبادل نظر با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. در این شیوه، پژوهشگر، شرکت‌کنندگان (یا گروه نمونه) را که تعداد آنها بین ۴-۱۲ نفر است (بر اساس متجانس یا نامتجانس بودن شرکت‌کنندگان) بر مبنای طرح پژوهش و توانایی همکاری آنان به صورت هدف‌دار انتخاب می‌کند. این شیوه دارای ۳ مرحله اصلی است: ۱- مفهوم‌سازی (تعیین موضوع بحث و هدف از تشکیل گروه) ۲- مصاحبه گروهی (آماده کردن سؤالات و راهنمای بحث، انتخاب شرکت‌کنندگان، انتخاب زمان و مکان مناسب، اجرای بحث گروهی) ۳- تجزیه و تحلیل اطلاعات

(استخراج، مرور، کدگذاری، سازمان‌دهی و طبقه‌بندی داده‌ها، تحلیل و تفسیر نتایج و تهیه گزارش نهایی) (خسروی و عابد-سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۹-۳۰ و صادقی، ۱۳۸۷: ۴۷-۷۵).

در این پژوهش، ۲ گروه بحث متمرکز ۶ نفره از متخصصان معماری و طراحی شهری تشکیل شد. نمونه‌گیری این تحقیق کاملاً هدفمند بود و افراد انتخاب شده برای شرکت در گروه‌های متمرکز، شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه، دانشجوین و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد معماری و طراحی شهری و کارشناسان و مدیران سازمان میراث فرهنگی بودند که از یک سو با مباحث مرتبط با زیبایی‌شناسی اسلامی و زیبایی‌شناسی حکمت متعالیه (جامع) و از سوی دیگر با وضعیت موجود سرای شریفیه بازار همدان آشنایی کامل داشتند. به منظور پیشبرد تحقیق، ابتدا به کمک مطالعات اسنادی و روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اولیه زیبایی‌شناسی در حکمت متعالیه شناسایی شد. در ادامه بر اساس موارد شناسایی شده، گروه بحث متمرکز اول تشکیل و از حاضران خواسته شد تا بر اساس ویژگی‌های مشترک مفهومی، هر کدام از شاخص‌های شناسایی شده را تصدیق و دسته‌بندی کنند. با تحلیل و تفسیر نتایج این مصاحبه گروهی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع دسته‌بندی و در قالب نمایه‌ای ارائه شد. در ادامه و بعد از شناخت و تحلیل یکپارچه وضع موجود سرای شریفیه بازار همدان، گروه بحث متمرکز دوم تشکیل و از اعضای گروه خواسته شد تا چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع در عناصر تشکیل‌دهنده سرای شریفیه بازار همدان را بررسی و تحلیل کنند. نتایج حاصل از این مصاحبه گروهی در قالب جدولی ارائه شد و بر اساس آن راهبردها و راهکارهایی نیز برای بازآفرینی ارزش‌های زیبایی‌شناسی جامع در بازارها به عنوان نمونه‌ای از فضاهای شهری ارائه شد.

چارچوب نظری

سراها به عنوان فضاهای مهم بازار ایرانی

بازار به مثابه قلب تپنده شهر ایرانی-اسلامی نه تنها نمود ابعاد اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی شهر، بلکه مهم‌ترین فضای شهری و بستر استخوان‌بندی شهر ایرانی اسلامی است؛ چنان‌که نقش بازار در سازمان فضایی شهر ایرانی اسلامی، موضوع بسیاری از پژوهش‌های متأخر بوده است (لک و حکیمیان، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۳۴). در زمینه مفهوم لغوی بازار باید اذعان کرد که واژه بازار در فارسی میانه، وازار بوده و با ترکیب‌هایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازارگان) و وازارید استفاده شده است (ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰: ۵-۱۵). این واژه در زبان پهلوی «واکار» خوانده شده که با گذشت زمان به شکل بازار درآمده است. در زبان عربی «ببازار» و «ببازره» (ادیب صابری، ۱۳۶۴: ۱)، در زبان آلمانی «basar»

و در زبان مالایایی «Pazar» تلفظ می‌شود (سرای، ۱۳۸۹: ۲۵-۳۷) و مجموعاً به معنای «جایگاه داد و ستد» دانسته شده است (حبیب، ۱۳۸۵: ۲۷-۳۴). ساختمان بازار در شهرهای قدیمی ایران، ستون فقرات کالبدی شهر را تشکیل می‌داد و سایر عناصر مهم شهری، مانند مسجد، مدرسه، تکیه و حمام را در بافت شهری به یکدیگر متصل می‌کرد. در واقع بازار، کیفیت پیوستگی را در شهر ایرانی - اسلامی کهن، متبلور ساخته است (ضیاء توانا، ۱۳۸۰: ۲۰).

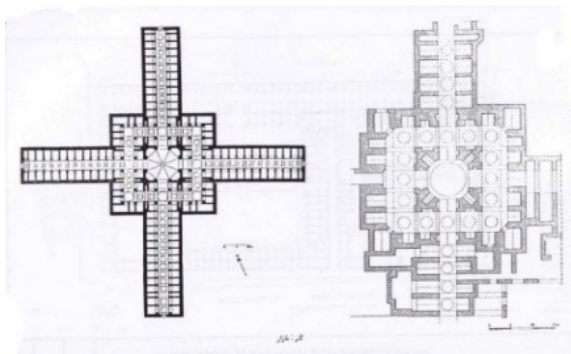
جایگاه بازار در شهر اسلامی، محل توجه و موضوع تفحص و تحقیق بسیاری از جغرافیدانان، خاورشناسان و مخصوصاً اسلام‌شناسان قرن بیستم بوده است. بعضی از آنان بازار را بخش اساسی و هسته مرکزی «شهر اسلامی» خوانده‌اند (ماسینیون، ۱۳۸۹: ۴۷۴) و بعضی دیگر چون پلانول، مسجد جامع را و برخی مانند گروه باؤم، هر دو را. به هر حال، همبستگی مسجد جامع و بازار به عنوان یک مجموعه و اهمیت آن دو در ساختار بنیادی شهر اسلامی، امری مشهود و عینی است (حبیب، ۱۳۸۵: ۲۷-۳۴). از لحاظ اجتماعی - فرهنگی بازار همواره کانون بزرگ خبررسانی درون شهری بوده است (بیهقی، ۱۳۵۶: ۷۳۰). در شهر اسلامی بازارها به مسجد جامع وابستگی کالبدی و کارکردی نزدیکی داشته‌اند. مسجد جامع به سبب تقدم وظایف مذهبی، در جای مناسبی در هسته مرکزی و محور اصلی شهر ساخته می‌شد و بازار به عنوان مرکز معیشت مردمی و فعالیت‌های صنفی معمولاً در جوار مسجد جامع قرار داشت. بازارها به شکل‌های کالبدی مختلف وجود دارند که در تصاویر شماره ۱ تا ۳ نمونه‌ای از آنها ارائه شده است.

اما از مهم‌ترین عناصر و فضاهای بازار ایرانی، سراها هستند. سراها در طول اصلی بازارها، فضاهایی بوده‌اند که در عمق قرار می‌گرفتند و فقط از طرف بازار ورودی داشتند. سراها (باراندازها) مخصوص انبار کالاها می‌بودند که قصد عرضه شدن آنها در زمانی خاص وجود داشت و تجار بازار آنها را در سراها می‌انباشند و به تدریج به مغازه و حجره برده و به فروش می‌رساندند.

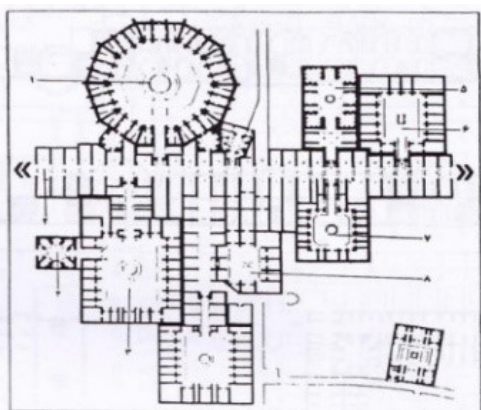
سراها دو نوع‌اند: سراهای سرپوشیده که تعداد آنها بسیار کم است؛ مانند سرای چهار بازار نزدیک چهار سوق بزرگ بازار تهران و سراهای رویاز که اکثر سراها از این نوع هستند. عنصر مرکزی سراها حیاط است و حجره‌ها گرداگرد آن قرار دارند. پس از ورودی که خود شامل سردر، هشتی و دالان است حیاط قرار دارد. تقریباً در کلیه سراها دورادور طبقه بالا، ایوانی سراسری هست که محل عبور مردم بوده و دسترسی به داخل حجره‌ها به وسیله همین ایوان باریک، صورت می‌گرفته است. بیشتر سراها، طرحی مربع یا مربع مستطیل دارند که گوشه‌های آن پخ شده، فضای سبز دارند و باغچه‌های آن شبیه طرح حیاط‌های اشراف است؛ یعنی حوض در وسط است و چهار گوشه حیاط درخت کاری و یا گل کاری شده است. معماری سراها به گونه‌ای است که فضای باز داخلی

نمایی قرینه‌سازی شده، هندسی و منظم دارد؛ مثلاً اندازه همه حجره‌ها یکسان است. فضای ورودی این سراها اغلب با اندکی فرورفتگی با سردری آجرکاری و یا کاشی کاری با دری بزرگ مزین شده است. درهای سراها شب‌ها بسته می‌شود؛ مانند سرای امیر و سرای انیس الدوله در بازار تهران (فرزانه، ۱۳۷۸: ۴۸-۵۱).

پس از بازشناخت مفاهیم مرتبط با بازار و معرفی سراها به عنوان یکی از فضاهای اصلی بازارها، در ادامه به بازخوانی مفاهیم مرتبط با زیبایی و زیبایی‌شناسی در فرهنگ اسلامی و حکمت متعالیه پرداخته شده است.

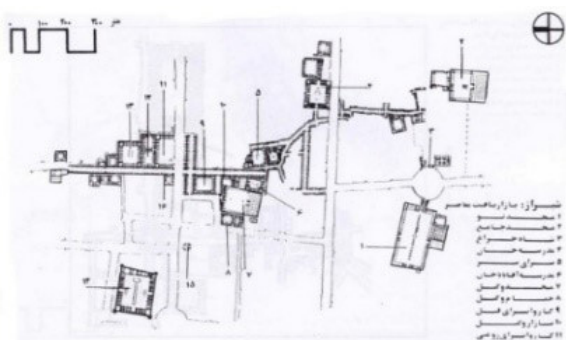


تصویر شماره ۱: بازار لاری، بازار متقاطع (صلیبی)؛ ماخذ: پیرنیا، ۱۳۷۸: ۱۴۰



کاشان، بازار، کاشان و اطراف آن
 ۱. کاروانسرای دولت
 ۲. دارالخلافه
 ۳. کاروانسرای کاشان
 ۴. کاروانسرای کاشان
 ۵. کاروانسرای کاشان
 ۶. کاروانسرای کاشان
 ۷. کاروانسرای کاشان
 ۸. کاروانسرای کاشان
 ۹. کاروانسرای کاشان
 ۱۰. کاروانسرای کاشان

تصویر شماره ۲: بازار کاشان، بازار چند محوری؛ ماخذ: پیرنیا، ۱۳۷۸: ۱۴۳



تصویر شماره ۳: بازار شیراز، بازار خطی (طولی)؛ ماخذ: پیرنیا، ۱۳۷۸: ۱۳۶

انگاره‌های مؤثر در خلق زیبایی در فرهنگ اسلامی

زیبایی امری نسبی است و به معنی حالت و کیفیت زیبا و عبارت است از نظم و هماهنگی به همراه عظمت و پاکی که در شیء وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را به تحسین و لذت و انبساط پدید آورد (فرهنگ معین، ذیل واژه). زیبایی‌شناسی از منظرهای گوناگون قابل بحث است. مفهوم این واژه در هر یک از حوزه‌های معرفت‌شناسانه، علوم عقلی و علوم نظری، علوم قدیم و علوم جدید، معنایی قابل تفکیک دارد. به باور حکمای اسلامی، زیبایی‌های موجود در این عالم، جلوه‌های مفیدی از زیبایی مطلق یعنی حق تعالی هستند (ذوالنون، ۱۳۸۹: ۱۶-۲۰)؛ چرا که از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن کریم، سرچشمه همه چیز خداست و پایان همه چیز نیز به سوی اوست. او جهان را آفرید و ما انسان‌ها را چنان آفریده که می‌توانیم جهان را درک کنیم و در بایم (ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُوَفَّكُونَ) (غافر، آیه ۶۲). در واقع حق تعالی سرچشمه و پدید آورنده همه حسن‌هاست و همه زیبایی‌های محسوس، آفریده او هستند. همچنین سرچشمه همه حسن‌های نامحسوس و عقلی و قلبی نیز اوست (اللَّهِ أَحْسَنُ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ) (سجده، آیه ۷). همه زیبایی‌های اخلاقی و رفتاری و شهودی نیز به او باز می‌گردد و مبنای هر کار اخلاقی، خداوند است. همه خوبی‌ها به او استناد دارد و اگر بدی باشد، ناشی از سوء اختیار انسان است (مَا أَصَابَكُمْ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ) (نساء، آیه ۷۹) (هاشم نژاد، ۱۳۸۵: ۳۱۳-۳۳۲). پس، حق تعالی، زیبای مطلق است که زیبایی‌ها را برای بندگانش بیرون آورده است (زَيْنَةُ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ) (اعراف، آیه ۳۲)، آسمان را زینت بخشیده است (إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا) (صافات، آیه ۶)، چهره زمین را به زیورها آراسته است (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا) (کهف، آیه ۷) و کار هر گروه را در نزد خودشان جلوه داده است (كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ) (انعام، آیه ۱۰۸). از سوی دیگر، هر آنچه نام نیکوست، از آن اوست و او در نام و نشان نیز زیباست (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى) (طه، آیه ۸)؛ (وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ) (اعراف، آیه ۱۸۰). پس او هم در نام زیباست و هم در کردار؛ و به تعبیر دیگر هم در ذات و صفات زیباست و هم در فعل (خرقانی، ۱۳۹۰: ۶۰-۸۶). این حقیقت که این خداوند است که سرچشمه حسن‌ها و زیبایی‌هاست (صبغه الاله و من احسن من الاله صبغه) (سوره بقره، آیه ۱۳۸) همان اصلی‌ترین حلقه‌ای است که در معماری و شهرسازی معاصر فراموش شده است.

گفته شد که در قرآن سرچشمه زیبایی‌ها خداوند و صفات اوست. انواع زیبایی‌ها در آیات قرآن به سه گروه تقسیم شده است: الف) زیبایی‌های مادی و ظاهری: «و الانعام خلقها لكم فيها دفا و منافع و منها تاكلون» (نحل، آیات ۵-۸)؛ ب) زیبایی‌های معقول «افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت» (الغاشيه، آیه ۱۷) و ج) زیبایی‌های معنوی و روحی (اخلاقی) «فاصبر صبرا جميلا» (معارج، آیه ۵) (نقره کار، ۱۳۸۷: ۲۱۸). در این زمینه و از دید مرتضی مطهری، تعریف ماهوی و منطقی از زیبایی اولاً غیر ممکن و ثانیاً غیر سودمند است و بهتر

است به جای آن به بررسی آثار و نتایج زیبایی پرداخت. تقسیم وی از انواع و مراتب ادراک زیبایی، براساس توجه به آثار زیبایی است و بر این اساس زیبایی را در چهار رده «حسی»، «خیالی»، «عقلی» و «قلبی» اثرگذار و قابل درک می‌داند (مطهری، ۱۳۷۸: ۸۲). همچنین تناسب و توازن، چینش منظم، تنوع و تضاد، گوناگونی رنگ‌ها، پیراستگی از عیوب و هدفمندی، ویژگی‌های آفرینش الهی در نظام هستی‌اند که از آنها به عنوان نشانه‌های زیبایی در قرآن کریم نام برده شده است (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۱-۴۷).

معماران و شهرسازان نیز براساس گفته‌های ارزشمند فیلسوفان و عالمان اسلامی مفاهیمی مرتبط با زیبایی‌شناسی در زمینه معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، مطرح و عناصر و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در شهر ایرانی-اسلامی را معرفی کرده‌اند. محمود توسلی در کتاب قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری هماهنگی و تناسب جزء و کل را بحث اساسی زیبایی می‌داند و بیان می‌دارد هر فضایی را در شهر نمی‌توان فضای شهری دانست، مگر آنکه بر اساس قواعد زیبایی‌شناسی شکل گرفته باشد (توسلی، ۱۳۷۶: ۳). اینکه چه فضایی در شهر معینی زیباست، ریشه فرهنگی و تاریخی دارد. وی عناصر زیبایی در شهر ایرانی را آگاهی از فضا، اصل سادگی، نظم، پیوستگی، هم‌پوندی، محصوریت، اصل سادگی، طراحی جداره‌ها، خصوصیت ایستایی و پویایی، مقیاس و تناسب، تقارن، فضاهای متباین، اصل قلمرو، و اصل ترکیب می‌داند (همان: ۸۳-۱۱۳). محمد نفی زاده در کتاب ادراک هویت و زیبایی شهر در پرتو تفکر اسلامی، از تقسیم زیبایی به زیبایی معنوی و زیبایی مادی، زیبایی معقول، زیبایی محسوس، زیبایی حقیقی و زیبایی کاذب، یا زیبایی طبیعی و زیبایی هنری سخن گفته است (نفی زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۳). وی بیان می‌دارد زیبایی در شهر و بنای ایرانی-اسلامی را عناصری چون نماد و رمز، لذت و مطلوبیت، هویت، ذوق، کمال، پاکی، هماهنگی، معنویت، امنیت، ذکر، یادآوری، علم، آگاهی، هدایت، آرامش، فقدان احساس غربت، معناداربودن محیط، نورانیت و آینگی، قانون‌مندی، دوری از زشتی، رنگ، وحدت، تعادل، حد، حریم، اندازه، مقیاس انسانی، و وحدت در کثرت تشکیل می‌دهند (همان: ۲۹۳-۳۰۲). عبدالحمید نقره کار در کتاب درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، زیبایی را وجودی حقیقی می‌داند که در عالم ماده با صورت‌های مادی به وسیله حواس و در عالم معقول با صفات مفهومی به وسیله عقل و در عالم ملکوت به وسیله دل (روح)، به نسبت قوه و ظهور وجود و ظرفیت مخاطبان ادراک می‌شود (نقره کار، ۱۳۸۷: ۲۳۹-۲۴۸). وی عناصر زیبایی‌شناسی را کارایی، ایستادگی، تناسب، سرزندگی و پویایی، شکوه، برانگیزندگی، ظرافت، بی‌عیب و نقص بودن، خلایقیت، اصیل و با ارزش بودن، ظهور و بروز کامل داشتن، تنوع داشتن عناصر، پر نقش و رنگ بودن، آرامش بخش و ایمن بودن و ... می‌داند که این نکات و مؤلفه‌های ارزشمند می‌تواند برای بازآفرینی زیبایی در شهر معاصر به کار گرفته شود.

در جدول ۱ انگاره‌ها و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی از دیدگاه متفکران اسلامی و متخصصان معماری و شهرسازی ارائه شده است.

جدول شماره ۱: تحلیل دیدگاه متفکران اسلامی و متخصصان معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی در زمینه زیبایی شناسی

مؤلفه‌های زیبایی شناسی	نگرش	متفکر / صاحب نظر
نمادپردازی، کمال، لذت نشانه، تدریجی بودن شکل‌گیری	زیبایی شناسی وجودی: زیبایی و جمال و آرایش در هر هستی بسته به آن است که سرشت در نوع خود به هستی برتر دست یازد و به پایان کمالی که هدف است برسد.	فارابی (۳۳۹-۵۲۶ق) کتاب سیاسته المدینه
نظم، هماهنگی موسیقایی، ترکیب منظم اشکال بصری، تناسب مطلوب، تقارن	زیبایی شناسی ماهوی: این گروه معتقدند که «فی الواقع جمیل در این عالم اثری است از نفس کلی سماوی»	اخوان الصفا (سده ۴ ق) رساله موسیقی
نور، رنگ، تناسب، ترکیب	وی زیبایی را نه عاملی بسیط، بلکه تعامل پیچیده‌ای میان عوامل تعریف کننده آن می‌دانست.	ابن هیثم (۴۳۰-۳۵۴ق) کتاب المناظر
نظم، تالیف، اعتدال، عشق تناسب و اندازه معین	زیبایی شناسی وجودی: واجب الوجود دارای زیبایی محض و حسن محض است و مبدأ و منشأ زیبایی و حسن هر چیزی است. زیبایی امری عینی و مساوی با وجود و خیر است. زیبایی خدا یعنی به گونه‌ای باشد که بر او ضرورت دارد چنان باشد؛ برای مثال قدر بودن، لطیف بودن، کریم بودن و جواد بودن بر حضرتش ضرورت دارد	ابن سینا (۳۵۹-۴۱۶ق) کتاب الشفا
کمال تناسب	زیبایی شناسی ماهوی: وی نهایت زیبایی را در داشتن همه کمالات سزاوار و ممکن هر چیز می‌داند (دیدگاه کمال‌گرا)	محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه‍.ق) احیاء العلوم الدین
کمال و ادراک آن، لذت نور، عشق، دریافت کننده زیبایی و آمادگی وی. کمال ماهیتی از کثرت به وحدت	زیبایی شناسی ماهوی: حدیث اثبات لذت عبارت است از حاصل شدن کمال هر چیزی را و دانستن حصول آن. زیبایی و حسن را متعلق به فراسوی عالم مادی می‌داند.	سهروردی (۵۸۷-۵۴۹ه.ق) رساله سفیر سیمرغ رساله حقیقه العشق یا مونس العشاق
گذر از زیبایی به کمال، محتویات ذهنی دریافت کننده، ارتباط بین واقعیت موجود و محتویات ذهن دریافت کننده (ارتباط بین درون و بیرون)	وی با توجه به دو سرچشمه بیرونی و درونی در پدیدار شدن زیبایی، دو مرتبه زیبایی را از هم تفکیک می‌کند: زیبایی فی نفسه، زیبایی لغیره.	کتاب زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام
بینش نمادین، انطباق محیطی، الگوی مثالی باغ بهشت، نظام فضایی مثبت، مکمل بودن، رنگ، مشارکت اجتماعی، حس مکان، نور، مقیاس انسانی، سلسله مراتب، نوآوری، درون‌گرایی، حضور مسجد، وحدت در عین کثرت	حضور الهی و زیبایی در معماری اسلامی یا در مساجد ساده و سفید رنگ اولیه جلوه گر شده است که بی‌آرایه بودند نشان یادآور وحدتی است که همه غنای عالم را به تنهایی داراست.	نادر اردلان و لاله بختیار (تاریخ گرا و بوم‌گرا) کتاب حس وحدت (۱۳۸۰)
نماد و نشانه و رمز و معنا عشق، معنویت، لذت و مطلوبیت، فرهنگ، هویت، ذوق، کمال، پاکی، هماهنگی، امنیت، ذکر، یادآوری، علم، آگاهی، هدایت، آرامش، فقدان احساس غربت، احساس ارتباط با جهان هستی، معنادار بودن محیط، نورانیت و آیینگی، قانون‌مندی، دوری از زشتی رنگ، حس مکان، بری بودن از زشتی‌ها، وحدت، تعادل، حد، حریم، اندازه، مقیاس انسانی عدم تسلط مادیت و مصنوع بر انسان، تناسب توجه به کلیت (وحدت در کثرت)	می‌توان از تقسیم زیبایی به زیبایی معنوی و زیبایی مادی، زیبایی معقول. زیبایی محسوس، زیبایی حقیقی و زیبایی کاذب، یا زیبایی طبیعی و زیبایی هنری سخن گفت.	محمد نقی زاده، کتاب ادراک هویت و زیبایی شهر در پرتو تفکر اسلامی (۱۳۸۶)
رنگ، هندسه، جنس، آرایش	زیبایی وجودی است حقیقی که در عالم ماده با صورت‌های مادی به وسیله حواس و در عالم معقول با صفات مفهومی به وسیله عقل و در عالم ملکوت به وسیله دل (روح)، به نسبت قوه و ظهور وجود و ظرفیت مخاطبان ادراک می‌شود.	عبدالحمید نقره‌کار، کتاب درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی (۱۳۸۷)

جمع‌بندی مؤلفه‌ها

نور، رنگ، نمادپردازی، لذت، نظم، اعتدال، عشق، کمال و ادراک آن، دریافت کننده زیبایی و آمادگی وی، قاعده لاتکرار فی التجلی، حسن، بری بودن از زشتی‌ها، اصل سادگی، پیوستگی، مردم‌واری، خودبسندگی، پرهیز از بیهودگی، مسائل اعتقادی، بینش نمادین، انطباق محیطی، الگوی مثالی باغ بهشت، نظام فضایی مثبت، مکمل بودن، رنگ، نماد و نشانه و رمز و معنا، فرهنگ، هویت، ذوق، پاکی، هماهنگی، امنیت، ذکر، علم، هدایت، آرامش، فقدان احساس غربت، احساس ارتباط با جهان هستی، معنادار بودن محیط، نورانیت و آیینگی، قانون‌مندی، دوری از زشتی رنگ، حس مکان، تدریجی بودن شکل‌گیری، تقارن، نظم، ارتباط بین درون و بیرون، ابتکار و نوآوری، هم‌پوندی، محصوریت، اصل سادگی، خصوصیت ایستایی و پویایی، مقیاس و تناسب، تقارن، فضاهای متباین، اصل قلمرو، اصل ترکیب، نیارش، درون‌گرایی، پرهیز از بیهودگی، پیمون، مقیاس انسانی، سلسله مراتب، نوآوری، درون‌گرایی، حضور مسجد، نمادها، هماهنگی موسیقایی (ریم)، نشانه‌ها وحدت، تعادل، حد، حریم، اندازه، مقیاس انسانی عدم تسلط مادیت و مصنوع بر انسان، تناسب توجه به کلیت (وحدت در کثرت)، هندسه، جنس، آرایش، ریم.

اما در بررسی ماهیت هنر و زیبایی‌شناسی اسلامی از نقطه نظر حکمای مسلمان، اغلب دیدگاه‌ها و آرای ایشان ذیل یکی از سه مکتب بزرگ حکمت اسلامی جای می‌گیرد. این سه مکتب عبارت‌اند از: حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه. حکمت متعالیه یا فلسفه صدرایی بر ۳ رکن اصلی استوار است: ۱- نظریه اصالت وجود ۲- اتحاد علم و عالم و معلوم ۳- نظریه حرکت جوهری (نقره کار، ۱۳۸۷: ۷۰). از آنجا که به نظر می‌رسد حکمت متعالیه بر ایند همه مکاتب دیگر فلسفه اسلامی و دستگامی است که مکاتب فلسفی پیش از خود را در درون خود جمع می‌کند، این پژوهش به علت جامعیت رویکرد حکمت متعالیه، بر آرای متفکران این مکتب فکری تمرکز کرده است.

حکمت متعالیه و زیبایی‌شناسی جامع

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، همه قواعد، سنت‌ها و مطلوب‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان را در درون خود دارد. در واقع دین مقدس اسلام سرشار از ظرافت‌ها در تبیین لزوم ارزش‌های والای انسانی و راهکارهای رفتاری و عملی در ابعاد مختلف اجتماعی و فعالیت‌های روزمره جامعه بشری است. شهروند جامعه اسلامی با پیروی از آموزه‌های دینی و دستورات حیات بخش معنوی و متعالی دین مقدس اسلام، شرایط مطلوب برای زندگی توأم با همه فضائل اخلاقی و ویژگی‌های ارزشی را پدید می‌آورد. از این رو، هر قدر که شهروندان جامعه اسلامی بیشتر به اصول ارزشی و آموزه‌های دینی و اخلاقی پایبند و مقید باشند، بیشتر زمینه استکمال و رشد انسان‌ها فراهم و سعادت انسان‌ها تأمین می‌شود (عبدوس، ۱۳۷۵: ۱۰). به عقیده ملاصدرا انسان یکی از مظاهر خداوند است؛ مظهری که به صورت، عالم صغیر و در معنا، عالم کبیر است و به تعبیری آینه تمام‌نمای حق تعالی است. تمامی کائنات، صورت‌های تفصیل حق هستند و آدمی گرچه از حرکت جوهری ماده تحقق می‌یابد؛ اما می‌تواند «کون جامع» گشته و حقیقت تمام کائنات در او تحقق یابد (شجاری و عزیزاده، ۱۳۹۱: ۲۷-۵). بر این اساس حکمای اسلامی در مکتب حکمت متعالیه، زیبایی‌پدیدارها را امری حقیقی و وجودی به شمار می‌آورند، احساس زیبایی و لذت را ناشی از ادراک وجود دانسته و از آنجا که وجود و ابزار ادراکی انسان را متنوع می‌دانند، برای زیبایی انواعی قائل‌اند (نقره کار، ۱۳۸۷: ۱۷۵). در واقع در این دیدگاه، انسان‌های صاحب فضیلت در آینه اخلاق ربانی خود مظاهر صفات جمال خداوند هستند. حق تعالی با ذات خود در آینه دل‌های انسان‌های کامل، کسانی که متخلّق به اخلاق الهی هستند، تجلی می‌کند تا اینکه آینه دل آنها، مظهر جلال ذات و جمال صفات الهی باشد. انسان‌های دیگر هم جمال و زیبایی خداوند را در آینه هنرهای خود متجلی می‌سازند (هاشم نژاد به نقل از صدرالمتألهین، ۱۳۸۵: ۳۳۲-۳۱۳). از جمله فیلسوفان این حکمت می‌توان ملاصدرا، امام خمینی، سنت‌گرایان (نصر و ...) را نام برد. در جدول ۲ به تبیین ویژگی‌های این مکتب فکری پرداخته شده است.

جدول شماره ۲: دیدگاه متفکران حکمت متعالیه در زمینه زیبایی‌شناسی

ویژگی، بستر و علت زیبایی	چگونگی نمود بیرونی
بستر زیبایی‌شناسی	سلسله مراتب وجود
علت فاعلی	حس، عقل، خیال، شهود، سلسله مراتب لذت و بهجت
علت مادی	صفات وجودی حق تعالی
علت صوری	تناسبات عرضی و طولی
علت غایی	تکامل ماهیتی و وجودی سیر بین کثرت و وحدت

ماخذ: نگارندگان با استفاده از نقره کار، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۸

در واقع نکته اصلی این فلسفه، نظریه اصالت وجود و استخراج احکام وجود است. حکمت متعالیه یک زیبایی‌شناسی چهار مرحله‌ای است که در آن با سیری پویا، انسان ابتدا به حوزه زیبایی‌های حقیقی وارد می‌شود؛ آنها را کسب کرده و سپس دوباره به همین عالم باز می‌گرداند. این سلوک چهار مرحله‌ای پایگاه مهمی را پدید می‌آورد که همه مکاتب دیگر فلسفه اسلامی را در درون خود جمع می‌کند (نقره کار، ۱۳۸۷: ۲۲۳). در این زمینه، صدرالمتألهین شیرازی بیان می‌دارد: هر زیبایی و کمالی رشحه‌ای و پرتوی از زیبایی و کمال خداوند است. هو مبدأ کل خیر و کمال و منشأ کل حُسن جمال (یعنی حق تعالی سرچشمه هر نیکی و کمال و منشأ هر زیبایی و حُسن است) (صدرالدین شیرازی، بی تا، ج ۱: ۱۱۵). صدرالمتألهین در جلد دوم اسفار، هر زیبایی را که در این جهان است، سایه و پرتوی از زیبایی موجود در جهان‌های بالا و عوالم دیگر می‌داند که البته در آن عوالم خالی و عاری از هرگونه نقص و شائبه و تغییرند؛ اما در این جهان، مشوب به ماده و نقص و تغییرند. هر نیرو، کمال و منظره و زیبایی که در این جهان فرودین یافت می‌شود، در حقیقت سایه و تصویرهایی هستند از آنچه در جهان فرازین است. این امور تنزل یافته و متکثر شده‌اند و به صورت جرم درآمده‌اند، بعد از آنکه از هرگونه نقص و عیب بری و پاک و از هرگونه غبار، زنگار و تاریکی عاری بودند (هاشم نژاد، ۱۳۸۵: ۳۳۲-۳۱۳). همچنین صدرالمتألهین در زمینه آثار زیبایی و تأثیری که زیبایی بر ادراک‌کننده می‌گذارد، از سه تأثیر اصلی صحبت می‌کند که عبارت‌اند از:

الف) دوستی و عشق: یعنی وقتی موجودی، کمالی را درک و شهود می‌کند، حالتی ایجاد می‌شود که به آن عشق گفته می‌شود؛ یا به عبارت دیگر عشق حالت ابتهاج و سروری است که با حضور کمال و جمال در نزد مُدرک حاصل می‌شود.

ب) لذت: فاعل شناسا با درک زیبایی، احساس لذت و خوشایندی می‌کند. طبق این بیان لذت یعنی ادراک کمال و جمال، و درد یعنی ادراک ضد کمال و ضد زیبایی. در حکمت متعالیه وجود با کمال و خیر یکی است؛ از این رو هرچه وجود کامل تر باشد، لذیذتر است. طبق این اصل حق تعالی لذیذترین وجودهاست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۵) و ادراک شهودی حق تعالی، والاترین لذت‌هاست.

تحلیل محتوا ارزیابی شدند (مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که بیشتر تکرار شده بودند، مشخص شدند). این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در گروه بحث متمرکز تشکیل شده، مطرح و بر اساس ارزیابی متخصصان و در قالب مصاحبه‌های گروهی، تحلیل و دسته‌بندی شدند. نتایج حاصل از بررسی مفهومی زیبایی‌شناسی جامع در گروه بحث متمرکز، مشخص کرد که این مفهوم به طور کلی از دو جنبه عین و ذهن قابل بررسی است. از یک طرف کالبد شهر مطرح است و از طرف دیگر ذهنیت شهروندان. از این رو مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع در قالب دو گروه عمده مؤلفه‌های فرمی - کالبدی و مؤلفه‌های ذهنی - روان‌شناختی دسته‌بندی شدند. این مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با آنها در قالب جدول ۴ و نمودار ۱ معرفی شده‌اند.

ج) تحسین برانگیزی: اثر دیگری که زیبایی روی نفس مدرک دارد، تحسین برانگیزی است. به این تأثیر زیبایی در کلام وحی الهی هم اشاره شده است: «و لو اعجبک حُسنهن» (احزاب، آیه ۵۲)، «... فلما رأينه أكبرته و قطن ایدیهن و قطن حاش لله، ما هذا بشر، ان هذا الا ملک کریم» (یوسف، آیه ۳۱) (هاشم نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۳۷). در جدول ۳ آرای برخی از متفکران حکمت متعالیه به منظور تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیبایی‌شناسی جامع بررسی شده است.

مرور یافته‌ها و تحلیل نمونه موردی

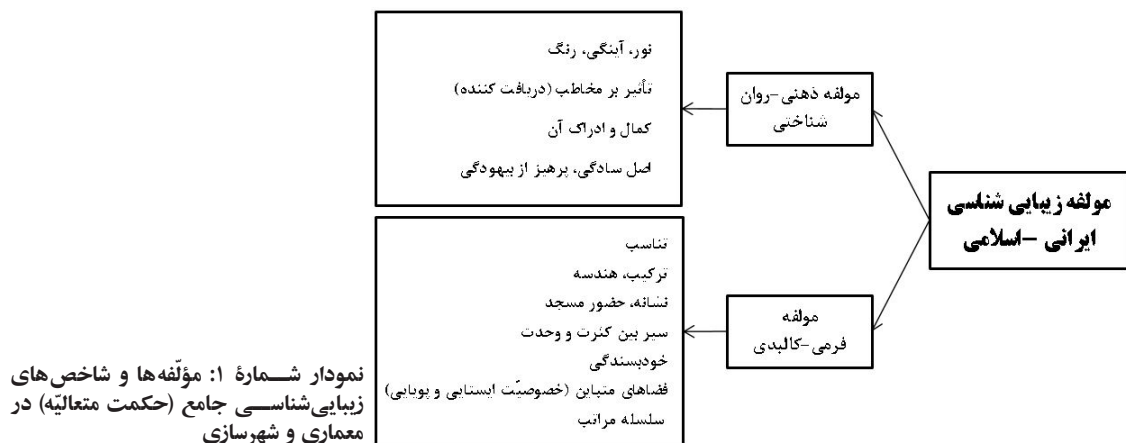
با توجه به آنچه گفته شد، مؤلفه‌های اصلی زیبایی‌شناسی جامع از دیدگاه متفکران اسلامی، فلاسفه مکتب حکمت متعالیه و متخصصان معماری و شهرسازی (جدول‌های ۱ و ۳) با روش

جدول شماره ۳: تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیبایی‌شناسی جامع از طریق تحلیل آرای متفکران

نظریه پرداز	منبع نظریه	بستر و زمینه تفکر در مورد زیبایی	مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با زیبایی‌شناسی
ملاصدرا	کتاب اسفار جلد ۷	زیبایی‌شناسی جامع: زیبایی صورت (امری تحسین برانگیز) یا امری تحسین برانگیز است. منشأ زیبایی جمیل مطلق است. زیبایی امری عینی و آفاقی است. به نظر صدرالمتهلین زیبایی با وجود مساوت دارد. پس از ویژگی‌های وجود، مثل اصالت داشتن، مشکک بودن و... برخوردار است.	ادراک مراتب بالاتر، وحدت‌گرایی قاعده «لا تکرار فی التجلی»، اعتدال، تناسب، تقارن و خوشایندی، کمالات بایسته و شایسته، داشتن شمائل لطیف و ترکیب نیک
استاد مرتضی مطهری	فطرت فلسفه اخلاق	زیبایی‌شناسی جامع: وی زیبایی را وابسته به حکمت عملی زندگی انسان می‌داند. تقسیم ایشان از انواع و مراتب ادراک زیبایی، براساس توجه به آثار زیبایی است. در این تقسیم زیبایی در چهار رده «حسی»، «خیالی»، «عقلی» و «قلبی» اثرگذار و قابل درک است.	تناسب (میانه‌روی)، هدفمندی، تناسب، ابتکار و نوآوری، آفرینش و خلقت، تضاد به عنوان مقدمه ظهور هماهنگی و کمال.
امام خمینی	صحیفه امام و انسان از دیدگاه امام خمینی	زیبایی‌شناسی جامع: زیبایی صفت یا ویژگی عارض بر چیزی نیست، بلکه خاصیت ذاتی شیء است. در مقایسه زیبایی‌ها با هم در حقیقت مراتب وجودی اشیا مقایسه می‌شوند. به این ترتیب بنیاد علم زیبایی‌شناسی علم وجودشناسی خواهد بود.	ادراک زیبایی، اتحاد با زیبایی، آوردن از زیبایی (محو و فنا)، تجلی از باطن به ظاهر، دعوت به زیبایی، دعوت مخاطبان به سیر از ظاهر، پرهیز از اسراف و استفاده نابجا از مواد و مصالح، پرهیز از اشکال مخالف با هویت جامعه اسلامی، سادگی.
سنت‌گرایان (سید حسین نصر و ...)	هنر و معنویت	زیبایی مانند رحمت، عشق و آرامش، در اسلام صفتی الهی محسوب می‌شود.	سرشت ریاضی‌وار هنر اسلامی، خارج کردن هر گونه نفسانیت از روح هنرمند و تأکید بر جداسازی خلاقیت فردی از نگاه هنرمند مسلمان، نور، رنگ، آب.

جدول شماره ۴: مفهوم مؤلفه‌های عمده زیبایی‌شناسی جامع

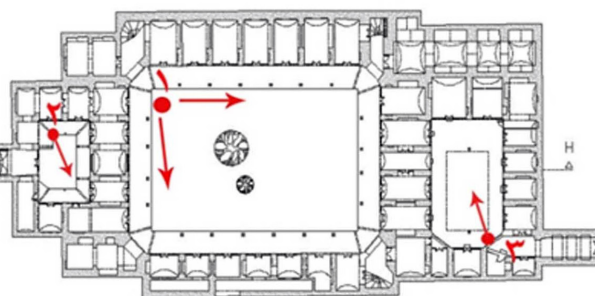
مؤلفه	مفهوم
فرمی - کالبدی	این مؤلفه نشانگر جنبه‌های عینی و کالبدی زیبایی‌شناسی جامع و واسطه ارتباط با مخاطب برای ادراک زیبایی است.
ذهنی - روان‌شناختی	این مؤلفه نشانگر جنبه‌های نمادین ماهوی زیبایی‌شناسی جامع است که نقش مهمی در شکل‌گیری معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی دارد.



تحلیل زیبایی‌شناختی سرای شریفیه بازار همدان

بازار همدان در مرکز بافت سنتی شهر واقع است. این شهر با قرارگیری بر مسیر شاهراه تجاری غرب به شرق که بین‌النهرین را به فلات ایران مرتبط می‌کرده در شکل‌گیری بازار نقش عمده‌ای داشته است. بازار سنتی و کاروان‌سراهای شهر همدان، بیشتر با سبک معماری دوره قاجاریه ساخته شده‌اند و با وسعتی حدود ۳۰ هکتار به دو صورت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی فعالیت می‌کنند. سرای شریفیه که واجد ارزش معماری است، در میان بازار و محدود به راسته‌های نخودبریزها، حلبی‌سازها، علاقبندها و صحاف‌خانه بوده و دارای دسترسی به هر یک از این ۴ راسته است. این سرا یکی از مراکز عمده عزاداری در ایام محرم بوده است. در این ماه سقف سرا با چادر پوشیده می‌شود و دسته‌های عزاداری در آن به سوگواری می‌پردازند. دو حیاط

کوچک در دو ضلع شمالی و جنوبی آن قرار دارد. بنا در دو طبقه با ایوان و تالار با ستون چوبی است و منسوجات و فرش در آن عرضه می‌شود. مساحت طبقه همکف آن ۱۲۲۷ متر مربع و طبقه اول آن ۱۴۵۴ متر مربع در زمینی به مساحت ۱۸۹۵ متر مربع است (تصویر ۴). پس از شناخت و تحلیل ویژگی‌های کالبدی و عملکردی سرای شریفیه بازار همدان، گروه بحث متمرکز دوم تشکیل و از شرکت‌کنندگان خواسته شد در قالب بحث و مصاحبه گروهی و بر اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های تدقیق شده زیبایی‌شناسی جامع، به ارزیابی و تحلیل چگونگی تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در کالبد، عناصر و فضاهای اصلی سرای شریفیه بازار همدان بپردازند. نتایج این تحلیل و ارزیابی، در جدول ۶ ارائه شده است.



تصویر شماره ۴: معرفی موقعیت قرارگیری و وضع موجود سرای شریفیه بازار همدان؛ ماخذ: نگارندگان

جدول شماره ۵: تحلیل سوات سرای شریفیه همدان به روش SWOT سوات

مشخصه‌ها	نقاط قوت	نقاط ضعف	نقاط فرصت	نقاط تهدید
کالبدی	۱. وجود ریتم‌ها و تناسب‌های مطلوب با مقیاس انسانی. ۲. خط آسمان هماهنگ و ریتمیک. ۳. محصوریت مناسب و درون‌گرایی که نشان‌دهنده اصل قلمرو در معماری ایرانی است.	۱. عدم توجه به ارزش‌های موجود در جداره‌های تاریخی در مرمت و استفاده از آنها. ۲. نصب تابلوها با رنگ‌ها و اندازه‌های متفاوت به صورت بی‌نظم. ۳. اغتشاش بصری تاسیسات.	۱. همجواری سراهای ارزشمند. ۲. امکان استفاده از الگوهای ارزشمند معماری موجود در ساخت و سازهای جدید. ۳. امکان فعال نمودن بناهای واجد ارزش هویتی و معماری با کاربری بومی. ۴. جلوه‌گری مسجد به عنوان نشانه شاخص	۱. تاسیسات به گونه‌ای ناهماهنگ با مصالح سرا (چوب) نصب و در مواردی نیز منجر به آتش‌سوزی و از بین رفتن نماهای با ارزش شده است.
عملکردی	۱. فعالیت کاربری‌های قدیمی و بومی.	۱. جایگزین شدن کاربری‌های ناسازگار.	۱. مجاورت با بازارها و راسته‌های اصلی آن که قطب اقتصادی شهر هستند. هویت سرا و تصویر ذهنی	۱. بناهای متروکه


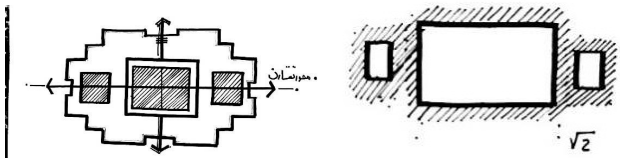
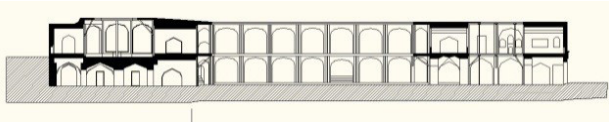
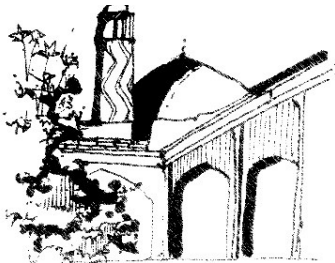
جدول شماره ۶: تحلیل مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیبایی‌شناسی جامع (حکمت متعالیه) در کالبد سرای شریفیه همدان

چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌ها در عناصر تشکیل دهنده سرای شریفیه بازار همدان							مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	
مصادیق	نوع استفاده کننده‌گان	ارتباط با بافت پیرامون	پلان	فضاهای درونی	ورودی‌ها	ترتیبات، مصالح	مؤلفه ذهنی - روان‌شناختی	مؤلفه فرمی - کالبدی
پنجره‌ها	•	•••	•	•••	•••	••		
همجواری با سایر عناصر و شیوه طراحی	•••	•	•	••	•••	•••	تأثیر بر مخاطب، دریافت‌کننده و آمادگی ادراک وی، کمال	
در طراحی پلان، در انتخاب مصالح	•••	•••	•••	•••	•••	•••	اصل سادگی، آرامش، پرهیز از بیهودگی	
در طراحی پلان، در انتخاب مصالح	•	•••	•••	•••	•••	•••	تناسب	
در طراحی پلان و جداره‌ها. در انتخاب مصالح.	••	•••	•••	•••	•••	•••	ترکیب، هندسه،	
محل قرارگیری در بافت	•••	•••	•	•••	••	•	نشانه	
محل قرارگیری در بافت	•••	•••	•	••	•••	•••	سیر بین‌کثرت و وحدت، ارتباط بین درون و بیرون	
محل قرارگیری در بافت	•••	•••	•	••	•••	•••	انطباق محیطی (خودبستگی)	
همجواری با عناصر بافت، طراحی پلان	•	•••	•••	•••	•••	••	فضاهای متباین (خصوصیت ایستایی و پویایی)	
شیوه طراحی پلان، شیوه ارتباط با بافت	••	•••	•••	•••	•••	•	سلسله مراتب	

(••• تأثیرگذاری زیاد، •• تأثیرگذاری متوسط، • تأثیرگذاری کم)

همچنین در جدول ۷، مصادیق مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع (حکمت متعالیه) در کالبد سرای شریفیه همدان در قالب طرح‌واره مفهومی نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: طرح‌واره‌های مفهومی معرف مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع در کالبد سرای شریفیه همدان

مؤلفه زیبایی‌شناسی	دیاگرام معرف مؤلفه
نور، آیینگی، رنگ	
تأثیر بر مخاطب، دریافت‌کننده و آمادگی ادراک وی، کمال	
اصل سادگی، آرامش، پرهیز از بیهودگی آن	
تناسب	
ترکیب، هندسه و سرشت ریاضی‌وار	
نشانه	

مؤلفه زیبایی‌شناسی	دیگرام معرف مؤلفه
سیر بین کثرت و وحدت، ارتباط بین درون و بیرون	
انطباق محیطی (خودبسندگی)	
فضاهای متباین (خصوصیت ایستایی و پویایی)	
درون‌نگرایی	
سلسله مراتب	

نتیجه‌گیری

گفته شد که یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بنیادهای هویت‌ساز در همه ابعاد فرهنگی و انسانی جامعه دیدگاه آن جامعه در زمینه زیبایی‌شناسی است. اگر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه دچار بحران شود کم‌کم همه ابعاد جامعه به سوی بحران حرکت می‌کند. در تفکر ایرانی - اسلامی، هنرمند باید صورت حقیقت را بشناسد و شکل یا قالب حقیقت را درک کند و از آنجا که یکی از نتایج مترتب بر هنرها تجلی زیبایی است، فضای حاصل از ظهور هنر باید نشانگر زیبایی باشد. زیبایی‌شناسی از دیدگاه متفکران حکمت متعالیه و قضاوت آن از دیدگاه معماران و شهرسازان در دو بعد فرمی - کالبدی و ذهنی - روان‌شناختی قابل بررسی است. در تحلیل مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی حکمت متعالیه در کالبد بازارهای ایرانی و به‌ویژه در سرای شریفیه بازار همدان به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- مؤلفه نور، نشانی از حرکت به سمت حقیقت است و این موضوع در بازارهای ایرانی در کنار عوامل دیگری مانند اقلیم و موقعیت قرارگیری بنا و نحوه استفاده از آن مطرح می‌شود. در فضاهای بازار ایرانی به دقت از سلسله مراتب نور در تاریکی برای حرکت و هدایت از فضایی به فضای دیگر استفاده شده است. شیوه‌های استفاده از نور در بازار همدان به صورت تأمل در نحوه ورود نور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (عناصر واسطه) و قابل رؤیت برای ناظر یا غیرقابل رؤیت، تغییر در ماهیت ظاهری نور به لحاظ شفاف، نیمه شفاف یا کدر بودن از طریق انتخاب مصالح، رسیدن به کیفیات خاص مطلوب محیط با ایجاد مکث و کنترل بازتاب نور به وسیله عناصر طبیعی و آب، مکان‌یابی روزنه‌های واردکننده نور نسبت به فضاهای داخلی و نظام فعالیت‌های درونی برای تعریف فضا به مدد تاریکی و نبود نور است.

۲- مؤلفه آینگی، در آیین ایرانیان باستان آب مانند گیاه همواره از عناصر مقدس بوده است. آب در بازار شریفیه به صورت عنصر مرکزی و به منظور تلطیف هوا، آسایش اقلیمی، انعکاس نور و به منظور تطهیر استفاده می‌شود. رنگ‌ها نیز که از تابش نور حاصل می‌شوند، نماد تجلی وحدت در کثرت و وابستگی کثرت به وحدت هستند. در فضای بازار شریفیه نیز نور نشانگر عالم بالا و

فضای معنوی است و تنوع رنگ در تزیینات و مصالح (با انتخاب مصالح بومی دارای وحدت)، بر زیبایی بازار افزوده است. از سوی دیگر مؤلفه لذت، ذوق و عشق از پایدارترین تجلیات روح آدمی و اصیل‌ترین ابعاد وجود بشری است. مناره و گنبد مسجد جامع همدان به عنوان نشانه الهی از درون سرای شریفیه از دیدهای متوالی دیده می‌شود.

۳- در مورد مؤلفه تأثیر بر مخاطب، دریافت‌کننده و آمادگی ادراک وی باید گفت که چنانچه بر این اعتقاد باشیم که معماری ایرانی، معماری حقیقت‌جوست و حقیقت آن کمال است و اصل کمال از ذات پروردگار است، پس هر آنچه در معماری حضور دارد عضوی از اوست. رنگ و بافت مصالح بومی و نور خورشید آرامش‌بخش و ادراک فضا را برای مخاطب سریع‌تر می‌کند. استفاده از خطوط و حجم‌های صاف و پوشش‌های گیاهی در افزایش این ادراک تأثیرگذار هستند. مخاطب با عبور از سلسله مراتب حرکتی که از نظر ابعاد و تاریکی و روشنی فضاهایی متباین هستند به این سرا می‌رسد و این، ادراک فضا را برای مخاطب میسر می‌کند.

۴- مؤلفه سیر بین کثرت و وحدت، ارتباط بین درون و بیرون در سرای شریفیه به صورت نظم هندسی سطوح افقی و عمودی، یکسانی و تکرار الگوها که مایه وحدت در عین کثرت است و فضاهای متباین (خصوصیت ایستایی و پویایی) جلوه‌گری می‌کند.

۵- مؤلفه انطباق محیطی (خودبسندگی) در استفاده از مصالح بومی و همساز با اقلیم، مانند سنگ و چوب خودنمایی می‌کند.

۶- مؤلفه درون‌گرایی در تعریف فضای بسته، نیمه بسته، نیمه باز، باز و سلسله مراتب عملکردی و سلسله مراتب فضایی به منته ظهور می‌رسد.

تحلیل مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع در بازار همدان نشانگر این مهم است که به منظور باز آفرینی فضاهای شهری معاصر می‌توان از مؤلفه‌ها و ارزش‌های زیبایی‌شناختی که در این مقاله به آنها اشاره شد استفاده کرد و کالبد بحران‌زده شهر ایرانی - اسلامی امروزی را غنایی دوباره بخشید. در جدول ۸ راهکارهای این مهم ارائه شده است.

جدول شماره ۸: راهکارهای حفظ و احیای زیبایی در بازارها به عنوان فضای عمومی شهری بر مبنای مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جامع (حکمت متعالیه)

مؤلفه زیبایی‌شناسی جامع	شاخص	راهکار
مؤلفه فرمی - کالبدی	نور، آیینگی، رنگ	* استفاده از این سه شاخص در طراحی جزئیات و کلیت فضا متناسب با اقلیم.
	تأثیر بر مخاطب، دریافت کننده و آمادگی ادراک وی، کمال	* شناخت تصویر ذهنی استفاده کنندگان از فضا و تلاش در زمینه ارتقای هویت مندی فضا. * استفاده از ترکیبی از نظر مردم و کارشناسان در بازآفرینی زیبایی بازارها به عنوان فضاهای شهری و توجه به ابعاد عینی و ذهنی فضا نقش مهمی در احیای فضا خواهد داشت. * تأکید بر مشارکت گروه‌های اجتماعی در طراحی و بازآفرینی.
	اصل سادگی، آرامش، پرهیز از بیهودگی آن	* بازگرداندن پایداری و ماندگاری به معماری بناها. * پاکسازی فضا از تاسیسات و الحاقات رونمایی زائد.
مؤلفه ذهنی - روانشناختی	تناسب	* استفاده از تناسب بومی و تناسب تلاپی به کار رفته در بنا و بافت.
	ترکیب، هندسه،	* شناخت مصالح بومی استفاده شده و ترکیب بجا و متناسب آنها.
	نشانه	* مدیریت بصری مکان برای دید مناسب به ورودی نشانه‌های خاص همچون مسجد، مدرسه، سرا و ... * تقویت و ارتقای دید به عناصر شاخص در راستای خوانایی محیط و جهت‌یابی افراد در فضا.
	سیر بین کثرت و وحدت، ارتباط بین درون و بیرون،	* توجه به ارزش‌های نهفته در ارتباط بین فضاها.
	انطباق محیطی (خودبسندگی)	* استفاده از مصالح بومی برای طراحی و احیای فضاها. * تدوین چارچوبی برای بومی و محلی نمودن راهکارهای مرمتی فضا.
	فضاهای تباین (خصوصیت ایستایی و پویایی)	* احترام به ساختار و استخوان‌بندی اصلی شهر در تعریف شبکه‌ای پیوسته و تباین از فضاها.
سلسله مراتب	* حفظ استخوان‌بندی و ریخت‌شناسی در محدوده فضا. * تأکید بر محورهای پیاده برای ادراک سلسله‌مراتب رسیدن به فضا.	

- ایراندوست، کیومرث و آرمان بهمنی اورامانی (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۵، صص ۵-۱۵.
- بمانیان، محمدرضا؛ محمدرضا پورجعفر؛ فریال احمدی و علی‌رضا صادقی (۱۳۸۹)، «بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی»، **فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی**، شماره ۳۰، صص ۳۷-۷۰.
- بیات، بهرام (۱۳۹۳)، «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی»، **فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۷.
- بیهقی، محمدبن حسین (۱۳۵۶)، **تاریخ بیهقی**، انتشارات فیاض، مشهد.
- پورجعفر، محمدرضا؛ علی پورجعفر و سیمای صفدری (۱۳۹۴)، «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهر آرمانی-اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی**، شماره ۸، صص ۲۱-۳.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۸)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، انتشارات سروش دانش، تهران.
- توسلی، محمود (۱۳۷۶)، **قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- جباری، مینا (۱۳۸۹)، **همیشه بازار**، انتشارات آگه، تهران.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵)، **زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام**، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵)، «هماوایی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۷، صص ۲۷-۳۴.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴)، «هویت انسان‌ساز و انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۴، صص ۶۲-۵۵.

در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که سنت بازارهای ایرانی خواهان آرامش و زیبایی توأمان است که این مهم از طریق حفظ اصول و احیا و بازآفرینی مؤلفه‌های از دست رفته امکان‌پذیر است. در این زمینه شناخت تصویر ذهنی ساکنان و کسبه بازار و حفظ هویت فضاهای داخلی بازارها چون سراها، احیای مراسم بومی (همچون برگزاری مراسم عاشورا و تاسوعا) به منظور ارتقای حس تعلق مردم به فضا و شکل‌گیری ذهنیت آنان، شناخت مصالح بومی استفاده شده و ترکیب بجا و متناسب آنها بر اساس مؤلفه خودبسندگی، سامان‌دهی مؤلفه‌های اصلی کالبدی فضا که دچار آسیب شده‌اند از طریق رویکردهای کارشناس محور و مردم محور، و استفاده از ترکیبی از نظر مردم و کارشناسان در بازآفرینی زیبایی فضاهای شهری و توجه به ابعاد عینی و ذهنی فضا نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

پی‌نوشت

1. Focus Group

فهرست منابع و مراجع

- قرآن کریم.
- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)، **حس وحدت**، نشرخاک، تهران.
- ادیب صابری، فروغ (۱۳۶۴)، **تاریخچه بازار تهران**، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- استیرلین، هانری (۱۳۷۷)، **اصفهان تصویر بهشت**، ترجمه جمشید ارجمند، چاپ اول، انتشارات فرزاد، تهران.

۳۵. لک، آزاده و پانته آ حکیمیان (۱۳۹۶)، «کنکاشی در ریخت‌شناسی بازار ایرانی با رویکرد نظریه‌های فضایی شهر موارد مطالعاتی: بازار شیراز و کرمان»، **نشریه علمی و پژوهشی صفا**، شماره ۷۶ (دوره ۲۷ شماره ۱)، صص ۱۰۹-۱۳۴.
۳۶. مشکینی، ابوالفضل و علی رضایی مقدم (۱۳۹۳)، «بررسی مولفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تاکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهر اسلامی- ایرانی»، **نشریه شهر پایدار**، شماره ۱، صص ۳۷-۶۸.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، **مجموعه آثار**، جلد ۱، انتشارات صدرا، قم.
۳۸. معین، محمد (۱۳۶۲)، **فرهنگ فارسی**، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۹. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، انتشارات وزارت راه و شهرسازی (مسکن و شهرسازی سابق)، تهران.
۴۰. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۷)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۴، صص ۴۷-۶۱.
۴۱. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶)، **ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی**، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۴۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱، صص ۱-۱۴.
۴۳. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، «الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی»، **نشریه فیروزه اسلام**، شماره ۱، صص ۶۳-۸۰.
۴۴. ماسینیون، لویسی (۱۳۸۹)، **جغرافیای تاریخی کوفه**، ترجمه عبدالرحیم قنوات، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، تهران.
۴۵. هاشم‌نژاد، حسین (۱۳۸۵)، «درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان بزرگ اسلامی»، **نشریه علمی-پژوهشی قبسات**، شماره ۳۹، صص ۳۳۲-۳۱۳.
۴۶. هاشم‌نژاد، حسین و سیدجواد نعمتی (۱۳۸۵)، «زیبایی‌شناسی در فلسفه صدرالمآلهین»، **نشریه علمی پژوهشی فلسفه**، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۳۷.

۱۶. خدایی، زهرا و علی اکبر تقوایی (۱۳۹۰)، «شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تاکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۱۳.
۱۷. خرقانی، حسن (۱۳۸۷)، «مفاهیم زیبایی‌شناسی در قرآن»، **فصلنامه مطالعات اسلامی**، شماره ۸۰، صص ۴۸-۱۱.
۱۸. خرقانی، حسن (۱۳۹۰)، «دیدگاه علامه طباطبایی در حوزه زیبایی‌شناسی و اخلاق»، **فصلنامه پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۶۸، صص ۸۵-۶۰.
۱۹. خسروی، شراره و ژیلا عابد سعیدی (۱۳۸۹)، «گروه تمرکز، روشی در گردآوری اطلاعات»، **نشریه پرستاری ایران**، شماره ۶۸، صص ۱۹-۳۰.
۲۰. دانشپور، عبدالهادی و الهام شیری (۱۳۹۴)، «عناصر کالبدی کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی اسلامی»، **نشریه نقش جهان**، شماره ۹، صص ۱۷-۲۵.
۲۱. ذوالقنون، سیدحسین (۱۳۸۹)، «غرض کرشمه حسن است (هنر و فلسفه اسلامی)»، **ماهنامه فرهنگ پویا**، شماره ۱۹، صص ۱۶-۲۰.
۲۲. رحیمی، لیلا و محمد نقی‌زاده (۱۳۹۵)، «تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محل)»، **نشریه هویت شهر**، شماره ۲۶، صص ۱۳-۲۰.
۲۳. سرایی، محمدحسین (۱۳۸۹)، «تحولات بازارهای ایرانی اسلامی؛ مطالعه موردی: بازار یزد»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲، صص ۲۵-۳۷.
۲۴. شجاری، مرتضی و جعفر محمدعلیزاده، (۱۳۹۱)، «ارتباط مراتب انسان با مراتب هستی از دیدگاه ملاصدرا»، **نشریه علمی پژوهشی انسان پژوهی دینی**، شماره ۲۷، صص ۵-۲۸.
۲۵. شیرازی، صدرالدین محمد (صدرالمآلهین) (بی‌تا)، **اسرار الآیات**، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه، تهران.
۲۶. شیرازی، صدرالدین محمد (صدرالمآلهین) (۱۳۸۰)، **المبدأ و المعاد**، تحقیق سید جلال‌الدین آشتیانی، بوستان کتاب، قم.
۲۷. صادقی، علی رضا و سینا جنگجو (۱۳۹۶)، «بهره‌گیری از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی به منظور تبیین نقش فلسفه اسلامی در شکل‌گیری معماری متعالی شهری»، **نشریه علمی پژوهشی مدیریت شهری**، شماره ۴۸، صص ۳۷۷-۳۹۲.
۲۸. صادقی، علی رضا (۱۳۹۳)، **تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاها عمومی شهر ایرانی اسلامی**، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۹. صادقی، ناهید (۱۳۸۷)، «ویکردی به رشد حرفه‌ای معلمان: موردی از کاربرد شیوه مصاحبه گروه‌های کانونی»، **مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی**، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۴۷-۷۵.
۳۰. صفایی‌پور، مسعود و مهیار سجادیان (۱۳۹۴)، «جستاری بر تحولات و تطورات مفهوم شهر اسلامی»، **فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس**، شماره ۲۴، صص ۱۵۹-۲۰۵.
۳۱. ضیاء‌توانا، محمدحسین (۱۳۸۰)، **بازار قیصریه لاری**، چاپ اول، نشر نی، تهران.
۳۲. عبدوس، محمدتقی و محمد مهدی اشتهازدی (۱۳۷۵)، **اصول اخلاق امامان (ع)**، جلد ۵، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم.
۳۳. عرفانی، جواد و محمدرضا نویدپور (۱۳۸۷)، «تأملی بر مفهوم شهر اسلامی در شهرهای نوین سده‌های آغازین اسلام (از مدینه‌النبی تا سامرا)»، **نشریه هفت شهر**، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۷۲-۹۱.
۳۴. فرزانه، فرهاد (۱۳۷۸)، **گامی در جهت انسجام کالبد شهر همدان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تهران، تهران.

تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر قزوین با تأکید بر نقش عوامل فرهنگی*

احمد پورا احمد^۱ * (نویسنده مسئول)، اسماعیل علی اکبری^۲، سید مهدی موسی کاظمی^۳، رضا رحمانی^۴

^۱ استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳ دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۴ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۱)

چکیده

فرهنگ و کارکردهای فرهنگی از جمله عوامل تأثیرگذار بر توسعه و تحول فضای شهرهاست تا آنجا که بدون شناخت آن، مطالعه چگونگی و چرایی توسعه شهرها بی معنا خواهد بود. شهر قزوین به عنوان الگوی شهر اسلامی با شهرسازی مکتب اصفهان مطرح است؛ لذا پژوهش حاضر با این رویکرد در صدد شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف، و فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه شهر قزوین است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از بررسی‌های اسنادی-کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی بهره گرفته و در نهایت تجزیه و تحلیل یافته‌ها با رویکرد تحلیل عوامل استراتژیک SWOT انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را تمامی کارکنان و کارشناسان شهرداری و شورای شهر قزوین تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، تعداد ۳۰ کارشناس انتخاب گردیده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل فرهنگی شهر قزوین با داشتن ۱۲ عامل به عنوان نقاط ضعف و همچنین ۱۰ عامل قوت و در عین حال ۱۲ عامل به عنوان تهدید و ۹ عامل فرصت، در وضعیت مطلوبی قرار نگرفته و با توجه به اینکه امتیاز نهایی ارزیابی عوامل فرهنگی داخلی توسعه شهر قزوین ۲/۲۲۹ به دست آمده و جمع امتیاز نهایی ارزیابی عوامل فرهنگی خارجی توسعه شهر قزوین ۳/۲۹۰ است، باید راهبردهای تدافعی از جمله ارتقای سرمایه اجتماعی شهروندان مانند آگاهی، اعتماد و مشارکت آنان در توسعه طرح‌های فرهنگی را در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار داد. همچنین توسعه شهر قزوین به شدت تحت تأثیر کارکردهای فرهنگی است و این امر باید مورد توجه مسئولان شهری قرار گیرد که لازمه آن مشارکت همه-جانبه شهروندان در مراحل مختلف تهیه، اجرا و نظارت طرح‌های توسعه شهری است در غیر این صورت ضمن آشفتنگی فضای فرهنگی شهر قزوین، نارضایتی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: فرهنگ، کارکردهای فرهنگی، توسعه شهری، قزوین.

سایر ابعاد شهر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. شهر قزوین با داشتن پیشینه فرهنگی غنی یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران است که توسعه شهری آن تحت تأثیر عوامل فرهنگی بوده است که در صورت هدایت منطقی و عاقلانه این ویژگی، توسعه هوشمندانه‌ای برای شهر اتفاق خواهد افتاد؛ اما در صورت بی‌توجهی به آن، نابسامانی‌های شهری را که نمود بارز آن حاشیه‌نشینی است، به همراه خواهد داشت؛ لذا مسئله اساسی پژوهش حاضر تحلیل راهبردی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه شهر قزوین است و در این راستا سوال اصلی پژوهش این است که نقش عوامل فرهنگی بر راهبردهای توسعه شهر قزوین چیست؟

مبانی نظری پژوهش

رایموند ویلیامز، در شناخت مفاهیم فرهنگ، بر وابستگی میان فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند و می‌گوید: فرهنگ به روابط اجتماعی یک گروه، ساختار و شکل می‌دهد (Jackson, 2007: 1). فرهنگ را می‌توان رفتار ویژه نوع بشر نامید که با ابزار مادی جزء لاینفک رفتار شناخته می‌شود. فرهنگ به طور مشخص از زبان، افکار، اعتقادات، سنن، قراردادهای، سازمان‌ها، ابزارها، روش‌های کاری، آثار هنری، مذهبی، مراسم اجتماعی و ... تشکیل می‌شود و بقا و کارکرد آن بستگی به قابلیت‌هایی دارد که انحصاراً در اختیار انسان است. این قابلیت با تعبیری مانند استعداد و تفکر منطقی یا ذهنی شناخته می‌شود. رایموند ویلیامز، نظریه پرداز فرهنگی اهل ولز، تعاریف فرهنگ را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است:

دسته اول، تعاریف ایده آل و مطلوب از فرهنگ است که در آنها فرهنگ به معنای حالت یا فرایند کمال انسانی با هدف محقق ساختن ارزش‌های مطلق و جهان‌شمول است. دسته دوم، تعاریف اسنادی از فرهنگ است که در آن فرهنگ به عنوان مجموعه آثار فکری و خلاقانه در نظر گرفته می‌شود و دسته سوم، تعاریف اجتماعی از فرهنگ (با همان تعاریف مردم‌شناختی فرهنگ) است که در آن فرهنگ به عنوان توصیف شیوه خاصی از زندگی در نظر گرفته می‌شود که نه تنها بیان‌کننده ارزش‌ها و معانی معینی در هنر و علوم انسانی است، بلکه نهادهای اجتماعی و رفتارهای متعارف را نیز در بر می‌گیرد (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۶). فرهنگ به شیوه زندگی انسان مربوط می‌شود و این احساس را به وجود می‌آورد که یک گروه از گروه‌های دیگر متمایز است (Norton, 2000: 1). در مطالعات مرتبط با فرهنگ شهری، فرهنگ پیوند دهنده ساختار و کارکرد اجتماعی است و به عنوان ارزش‌ها، باورها، هنجارها، رفتارها و اشیای مادی که شیوه‌های زندگی مردم را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌شود. «فرهنگ شامل آنچه ما انسان‌ها فکر می‌کنیم و آنچه که داریم، می‌شود. فرهنگ پلی است مربوط به گذشته ما و نیز راهنمایی است برای آینده ما» (Macionis & Parrillo, 2001: 62). شهر نوعی سازمان یافتگی

هر ناحیه نشانی است که پیکر ساختار مردمش را نشان می‌دهد. در این راستا جان فرزر هارت، جغرافیدان آمریکایی نیز، جغرافیدانان را به بررسی تأثیر فرهنگ‌های ناحیه‌ای در ساختار جغرافیایی ناحیه فرا می‌خواند (شکوئی، ۱۳۸۵: ۳۳۷). شهرها نیز مانند انسان‌ها که تفاوت‌های فردی دارند، با یکدیگر متفاوت‌اند و نباید با یک طرح برای همه شهرها برنامه‌ریزی صورت پذیرد. در تاریخ ایران ماهیت بسیاری از حکومت‌ها بر اساس محور فرهنگی بوده است. یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های استقرار این طرز تفکر، وجود روحانیون و رهبران دینی و مذهبی به عنوان یکی از ارکان مهم حکومتی و حتی در بزنگاه‌هایی از تاریخ به عنوان بنیان‌گذاران سلسله‌های حکومتی بوده که در رأس حاکمیت قرار گرفته‌اند. در عصر حاضر نیز انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب فرهنگی برخاسته از مردم بوده است. این مهم هم اکنون نیز تحقق یافته و در اسناد حکومتی و بالادستی؛ چون: قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و برنامه‌های کلان توسعه‌ای نمود ویژه‌ای دارد. این تسلط فرهنگ بر دیگر حوزه‌های حکومتی منجر به ایجاد مراکز، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در کشور شده است. عوامل و فضاهای شهری به طور سنتی عرصه نمایش فرهنگ شهری و ایفاکننده کارکردهای فرهنگی بوده است. کارکردهای فرهنگی از یک طرف تأثیری مهم و دیرپا بر فرم و کارکرد شهرها از جنبه‌های زیباشناختی، اجتماعی، اقتصادی و سمبولیک دارند و از طرف دیگر از فرم و دیگر کارکردهای شهری تأثیر می‌پذیرند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۳) بنابراین بین کارکردهای فرهنگی و توسعه، ارتباطی قوی برقرار است. طبیعتاً همان‌طور که کیفیت مسکن بر رفتارهای انسانی تأثیر گذار است، رفتارها و ویژگی‌های فرهنگی نیز، شکل فضایی شهر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ اما این پیچیدگی‌ها و مشکلات فرهنگی را با توجه به ابعاد وسیع آن می‌توان با برنامه‌ریزی راهبردی به حداقل رساند. هدف اصلی برنامه‌ریزی، ایجاد رفاه در جامعه است و لذا با شناخت مشکلات موجود و مربوط به مسائل فرهنگی و مطالعه سایر مشکلات تأثیرگذار از جمله: عدم استفاده برتر از منابع کشور، عدم توازن اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و افزایش جمعیت و بسیاری از عوامل دیگر و انتخاب شیوه مناسب برنامه‌ریزی راهبردی مشکلات را به حداقل رساند. در سال‌های اخیر با افزایش بی‌رویه و بدون برنامه، جمعیت بسیاری از بافت‌های داخلی شهر به تدریج کارکرد اصلی خود را از دست داده و با کارکرد نامناسب مواجه گشته و با از بین رفتن شرایط مناسب زندگی به بافت فرسوده مبدل گشته‌اند که بیانگر فرهنگی شهری یک مکان می‌باشند و ارزش فرهنگی بسیاری دارند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۴).

امروزه در کنار تمامی عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه شهرها، یک عامل بسیار مهم، ابعاد فرهنگی ساکنان است که به نوعی

سلامت محیط بهره‌ای نخواهد داشت. تنها در صورت دارا بودن بینش فرهنگی صحیح و هدایت شده است که انسان‌ها خود را در تمامی دارایی‌های محیطی سهیم می‌دانند و در حفاظت و بهسازی انواع محیط و رعایت حقوق یکدیگر می‌کوشند. علاوه بر آن ارتقای بینش فرهنگی در تمام سطوح جامعه به ایجاد حس مسئولیت و تعهد در تک تک افراد جامعه منجر شده و در تدوین روابط صحیح اجتماعی و اقتصادی و رفع نیازهای بنیادین و زیربنایی نقش عمده‌ای خواهد داشت (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۵۰).

همراه با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرها، کارکردهای فرهنگی فضاهای عمومی آنها نیز دچار تحول شده است. این تحول از یک سو در ماهیت و چگونگی تعریف این کارکردها و همچنین نقش و جایگاه آنها در فضای شهری رخ داده و از سوی دیگر در شیوه تدارک و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آنها انجام پذیرفته است. گرچه باید ریشه بیشتر این تحولات را در کشورهای غربی جست‌وجو کرد، اما در سایر شهرهای جهان، کمابیش روندهای مشابهی قابل تشخیص است. همان گونه که در سطح کلان، الگوهای زیستی و کالبدی شهرهای غربی در سایر شهرهای جهان به درجات مختلف مورد تقلید قرار گرفته، در سطوح خرد و از جمله کارکردهای فرهنگی فضاهای شهری نیز نشانه‌های این تأثیرپذیری، آشکار است. در اثر این الگوبرداری‌ها به‌ویژه در یک قرن اخیر، همسانی و همشکلی فزاینده‌ای در ایجاد فضاهای فرهنگی، الگوهای رفتاری در درون این فضاها و نیز شیوه‌های برنامه‌ریزی برای آنها، در شهرهای جهان به وجود آمده است. امروزه اگر الزامات اقتصادی شهرهای غربی به روندهای «بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور» در این شهرها شکل داده است، در شهرهای جهان سوم نیز همین رویکرد، با اهداف مختلف از جمله با هدف تحرک بخشیدن به بازار گردشگری مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در اینجا روندهای تحول در کارکرد فرهنگی فضاهای شهری با تأکید بر تجربه غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بررسی به پارادایم‌های مختلفی که در طول زمان در برخورد با کارکردهای فرهنگی شکل گرفته، اشاره می‌شود و به‌ویژه رویکردهای معاصر در این زمینه مورد تأکید قرار می‌گیرد (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۸). یکی از مهم‌ترین تأثیرات فرهنگ شهری، تأثیر فرهنگ در جذب گردشگر است که تحت عنوان گردشگری فرهنگی مشخص می‌گردد. آنچنان که گردشگران فرهنگی با انگیزه‌هایی چون، علاقه به تاریخ، شناخت روحیه‌های ملت‌ها، افزایش دانش فرهنگی و پژوهش درباره یک موضوع تاریخی به مسافرت می‌پردازند (پورااحمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۳).

روش تحقیق

شهر قزوین یکی از شهرهای تاریخی ایران است که زمان احداث آن به قبل از اسلام و به بیش از ۷۰۰۰ سال قبل بازمی‌گردد و از این

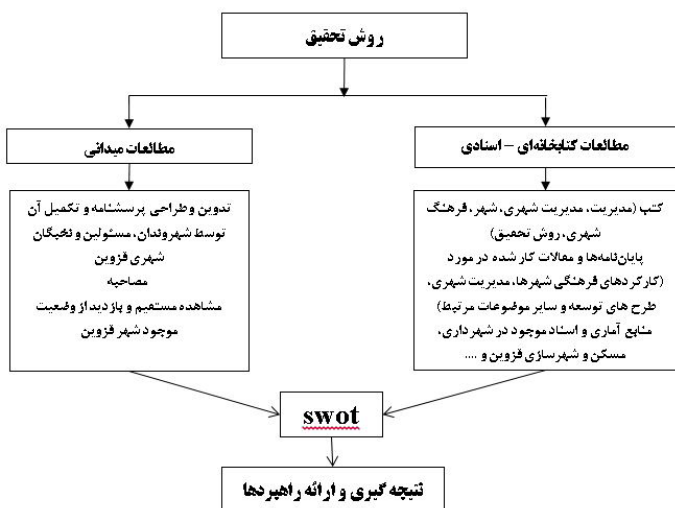
اجتماعی در فضا است که باید آن را تولید کننده دائم فرهنگ به شمار آورد. اگر فرهنگ را مجموعه پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه بدانیم که به آن جامعه شخصیت و هویت بخشیده و به همین دلیل نیز جامعه تلاش می‌کند از طریق سازوکارهایی با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر دست به بازتولید خود بزند، در چنین حالتی بی‌شک شهر را باید بهترین بستر برای فرایند «فرهنگ‌سازی»، به حساب آوریم. شتابی که شهر به فرایندهای تقسیم کار اجتماعی داده و توزیعی که بدین ترتیب در ارتباط با فضا به وجود می‌آورد، به صورت پیوسته‌ای فرهنگ غالب، یعنی شکل‌های غالب رفتاری و عقیدتی در کل جامعه را به خرده فرهنگ‌ها یا اشکال غالب فرهنگی درون گروه‌های خاص تجزیه می‌کند که در عین حال، عناصر تقویت کننده فرهنگ غالب نیز به حساب می‌آیند؛ زیرا هر یک به گونه‌ای در درون خود فرایند بازتولید را به انجام می‌رسانند. این فرایندها البته همواره بدون اشکال به انجام نمی‌رسند و می‌توان شاهد تبدیل خرده فرهنگ‌ها به اشکال ضد فرهنگ بود که به مقابله با فرهنگ غالب برخاسته و آن را از درون تخریب کرده و در نتیجه بازتولیدش را مشکل می‌کنند؛ اما به صورت عمومی، خرده فرهنگ‌ها کارکردی تکمیلی و تقویت کننده نسبت به فرهنگ غالب دارند. فرهنگ غالب خود بر محورهای متفاوت تبیین شده و به عمل درمی‌آید که به سازمان‌یافتگی عمومی شهر و اقشار حاکم در آن و همچنین کارکردهای اساسی آن شهر مربوط می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۵: ۲۸۶).

اندیشه توسعه فرهنگی به عنوان موضوع سیاست ملی، خاصه در چارچوب نظام سازمان ملل از حدود سال ۱۹۵۰ قوت گرفت و رواج یافت. طی دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ که به دهه ساله اول توسعه شهرت یافته است تحول پرمعنایی روی داد و مفهوم توسعه، گسترش، تنوع و عمق یافت. در دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه فرهنگ وضع و به تدریج رایج شد که از مهم‌ترین آنها «توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی» است. توسعه فرهنگی باید بتواند راهبردهای لازم را برای کشف و شکوفایی عناصر مساعد در فرهنگ جامعه به کار گیرد. چشم‌اندازهای چنین انتظاری آن است که:

جامعه را در کسب و رشد اصالت‌ها، خلاقیت‌ها و فضیلت‌های اجتماعی به مدد بازشناسی و بازآفرینی فرهنگ مستعد خویش یاری دهد؛ با مشارکت تمامی آحاد جامعه در فرهنگ آفرینی و تقویت و گسترش رقابت‌های سازنده، راه همگانی کردن فرهنگ را بگشاید؛ در مواجهه با دگرگونی‌های سریع اجتماعی، اقتصادی و صنعت، جامعه را به جای رنجور کردن از توسعه مادی از آن بهره‌مند کند. نامتوازنی، ناهمزمانی و ناموزونی را در توسعه به حداقل برساند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۶: ۱۰). اگر جامعه‌ای فاقد فرهنگ شهرنشینی باشد، به فرض داشتن شهرهای مدرن و نوساز، از



شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی قزوین در استان و کشور ایران



شکل شماره ۲: روش تحقیق

- تهیه فهرستی از نقاط ضعف داخلی عمده‌ای که در ناحیه مورد مطالعه وجود دارد؛
- نقاط قوت داخلی و فرصت‌های خارجی مقایسه می‌شود و نتیجه در گروه استراتژی‌های SO قرار می‌گیرد؛
- نقاط ضعف داخلی با فرصت‌های موجود در خارج مقایسه شده و نتیجه در گروه استراتژی‌های WO قرار می‌گیرد؛
- نقاط قوت داخلی را با تهدیدات خارجی مقایسه نموده و نتیجه در گروه استراتژی‌های ST قرار می‌گیرد؛
- نقاط ضعف داخلی را با تهدیدات خارجی مقایسه کرده و نتیجه در گروه استراتژی‌های WT قرار می‌گیرد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۵ و ۷۶).

حیث یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران محسوب می‌گردد. این شهر در طول حیات خود با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده، به گونه‌ای که طی یک دوره به اوج رونق و سرزندگی می‌رسیده و طی دوره بعدی بر اثر حوادث و اتفاقاتی خاصی از رونق افتاده و تخریب و ویران می‌شده؛ چنان‌که در دوران پس از اسلام در اثر حمله مغولان، شهر به شدت تخریب و ویران شد و در دوران صفویه با انتخاب به عنوان پایتخت به اوج قدرت و شکوفایی خود رسید (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۳۵). شهر قزوین مرکز شهرستان قزوین است که در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز قرار گرفته است. شهرستان بوئین زهرا در جنوب، شهرستان تاکستان در جنوب غرب، استان تهران در شرق، استان زنجان در غرب و استان گیلان و مازندران در شمال آن قرار گرفته‌اند. موقعیت حوزه استحفاظی شهر قزوین در ۴۹۹ ۵۵ تا ۱۰ ۵۰۰ طول شرقی و ... ۳۶° تا ۲۲ ۳۶° عرض شمالی واقع شده است. اتوبان تهران - زنجان از شمال شهر و راه آهن تهران - زنجان نیز از جنوب شهر می‌گذرد. شکل ۱ موقعیت شهر قزوین در ایران و استان را نشان می‌دهد.

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از بررسی‌های اسنادی-کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی بهره‌گیری شده و در نهایت، تجزیه و تحلیل یافته‌ها با رویکرد تحلیل عوامل استراتژیک SWOT انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را تمامی کارکنان و کارشناسان شهرداری و شورای شهر قزوین تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، تعداد ۳۰ کارشناس انتخاب شده است. (شکل شماره ۲)

مدل SWOT

مدل SWOT یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت و ضعف درون سیستمی با فرصت‌ها و تهدیدات برون سیستمی است. این مدل، تحلیل سیستماتیک‌تری را برای شناسایی عوامل و انتخاب استراتژی‌ها که بهترین تطابق میان آنها را ایجاد می‌نماید، ارائه می‌دهد. از دیدگاه این مدل یک استراتژی مناسب، قوت‌ها و فرصت‌ها را به حداکثر و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل ممکن می‌رساند. برای این منظور نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در چهار حالت کلی SO، WO، ST، WT، پیوند داده شده و گزینه‌های استراتژی از میان آنها انتخاب می‌شوند. برای ساختن ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت باید ۸ مرحله را طی کرد:

- تهیه فهرستی از فرصت‌های عمده‌ای که در محیط خارجی ناحیه مورد مطالعه وجود دارد؛
- تهیه فهرستی از تهدیدات عمده‌ای که در محیط خارجی ناحیه مورد مطالعه وجود دارد؛
- تهیه فهرستی از نقاط قوت داخلی عمده‌ای که در ناحیه مورد مطالعه وجود دارد؛

مرور یافته‌ها

فرایند برنامه‌ریزی راهبردی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه شهر قزوین

تجزیه و تحلیل عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه شهر قزوین

برای تهیه و ساخت جدولی از عوامل درونی و بیرونی و مشخص نمودن چگونگی تأثیرگذاری آن بر کارکردهای فرهنگی و همچنین تحلیل آن باید مراحل زیر را انجام داد (ابراهیم زاده و آقاسی زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۶): در ستون یک (عوامل خارجی و داخلی)، مهم‌ترین قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی سیستم را نام می‌بریم که در این پژوهش ۱۰ عامل به عنوان نقاط قوت، ۱۲ عامل به عنوان نقاط ضعف، ۹ عامل به عنوان فرصت‌ها و ۱۲ عامل به عنوان تهدیدهای فراروی برنامه‌ریزی راهبردی بخش فرهنگی توسعه شهر قزوین شناسایی شده‌اند. در ستون دو (ضرب اولیه)، به هر یک از این عوامل و بر اساس اثر احتمالی آنها بر موقعیت استراتژیک فعلی سیستم، وزنی از پنج (مهم‌ترین) تا یک (بی‌اهمیت‌ترین) داده شده است. هرچه وزن بیشتر باشد، تأثیر بر موقعیت کنونی و آینده آن سیستم بیشتر خواهد بود. در این پژوهش میزان وزن عوامل با بهره‌گیری از روش دلفی و به وسیله مدیریت شهری (اعضای شورای شهر و کارمندان شهرداری)، تعیین شده است. در ستون سوم، ضرب ثانویه و یا وزن هر کدام از عوامل مشخص شده است. در ستون چهارم (رتبه‌بندی)، به هر عامل و بر اساس اهمیت و موقعیت کنونی عوامل، به آن عامل خاص رتبه‌ای از ۴ (بسیار خوب) تا ۱ (بسیار ضعیف)، داده شده است، برای رتبه‌بندی نیز از روش دلفی بهره برده شده است. در ستون پنجم (امتیاز وزنی)، وزن در درجه هر عامل ضرب شده تا به این وسیله امتیاز وزنی آن به دست آید، سپس همه امتیازهای وزنی عوامل خارجی و داخلی جداگانه جمع زده شده‌اند تا مجموع امتیاز نهایی عوامل خارجی و داخلی به دست آید جدول ۱ برای عوامل داخلی و جدول ۲ برای عوامل خارجی.

جدول ۱ بیانگر آن است که از میان ۱۰ عامل قوت فرهنگی توسعه شهر قزوین، عامل وجود اماکن مذهبی (مساجد، حسینیه‌ها و امام‌زاده‌ها) با کارکردهای فرهنگی در شهر قزوین با امتیاز وزنی (۰/۲۳۴) به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت و پس از آن به ترتیب عوامل: پیشینه تاریخی و فرهنگی شهر قزوین (۰/۱۸۷) و احساس امنیت فرهنگی مطلوب در شهر قزوین با امتیاز وزنی (۰/۱۷۸) قرار گرفته‌اند و همچنین از میان ۱۲ عامل ضعف، عوامل عدم درک صحیح از نیازهای فرهنگی شهروندان قزوین توسط مدیریت شهری با امتیاز وزنی (۰/۱۲۱)، عدم مشارکت دادن شهروندان در طرح‌های فرهنگی توسعه شهری با امتیاز وزنی (۰/۱۰۴) و تخصیص حداقل بودجه برای کارکردهای فرهنگی با امتیاز وزنی (۰/۰۹۵) به ترتیب در جایگاه اول تا سوم مهم‌ترین نقاط ضعف قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱. ماتریس عوامل فرهنگی داخلی مؤثر بر توسعه شهر قزوین

امتیاز وزنی	رتبه	ضرب ثانویه (وزن)	ضرب اولیه	عوامل داخلی (IFE): نقاط قوت (S) و نقاط ضعف (W)
۰/۱۷۲	۳	۰/۰۵۷	۱۳۵	S ₁ : نرخ باسوادی مردان در شهر قزوین
۰/۱۳۴	۳	۰/۰۴۵	۱۰۵	S ₂ : نرخ باسوادی زنان در شهر قزوین
۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۱۲۵	S ₃ : تعداد کتابخانه‌های شهر قزوین
۰/۱۳۶	۴	۰/۰۳۴	۸۰	S ₄ : تنوع قومیتی در شهر قزوین
۰/۱۸۷	۴	۰/۰۴۷	۱۱۰	S ₅ : پیشینه تاریخی و فرهنگی شهر قزوین
۰/۱۷۰	۴	۰/۰۴۲	۱۰۰	S ₆ : وجود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی
۰/۱۱۵	۳	۰/۰۳۸	۹۰	S ₇ : تناسب مبلمان شهری با هویت و فرهنگی شهری شهروندان قزوین
۰/۲۳۴	۴	۰/۰۵۹	۱۳۸	S ₈ : وجود اماکن مذهبی (مساجد، حسینیه‌ها و امام‌زاده‌ها) با کارکردهای فرهنگی در شهر قزوین
۰/۰۹۸	۲	۰/۰۴۹	۱۱۵	S ₉ : وجود زمین کافی برای احداث مراکز فرهنگی جدید و توسعه مراکز فرهنگی موجود
۰/۱۷۸	۳	۰/۰۵۹	۱۴۰	S ₁₀ : احساس امنیت فرهنگی بالا در شهر قزوین
۰/۰۸۹	۲	۰/۰۴۵	۱۰۵	W ₁ : تحصیلات پایین و غیر مرتبط پرسنل مدیریت شهری قزوین و عدم توجه به مباحث فرهنگی
۰/۰۹۵	۲	۰/۰۴۸	۱۱۲	W ₂ : تخصیص حداقل بودجه برای کارکردهای فرهنگی
۰/۰۵۶	۱	۰/۰۵۶	۱۳۲	W ₃ : عدم بها دادن به پژوهش‌های در ارتباط با مباحث فرهنگی
۰/۱۰۴	۲	۰/۰۵۲	۱۲۲	W ₄ : عدم مشارکت دادن شهروندان در طرح‌های توسعه شهری
۰/۰۱۷	۱	۰/۰۱۷	۴۰	W ₅ : کمبود نمایشگاه‌های با ماهیت فرهنگی
۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	۶۸	W ₆ : کمبود تعداد سینماها در شهر قزوین
۰/۰۵۰	۱	۰/۰۵۰	۱۱۷	W ₇ : عدم حمایت از صاحبان ایده و طرح‌های توسعه فرهنگ شهری
۰/۰۳۴	۱	۰/۰۳۴	۸۰	W ₈ : کمبود تعداد تئاترها و فرهنگسراها
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱۱۱	W ₉ : اعمال سلیقه در طرح‌های فرهنگی توسعه شهری توسط مدیران اجرایی شهر
۰/۰۴۸	۱	۰/۰۴۸	۱۱۳	W ₁₀ : مشخص نبودن جایگاه نهادهای مردمی و تشکل‌ها در طرح‌های فرهنگی شهری
۰/۱۲۱	۲	۰/۰۶۱	۱۴۳	W ₁₁ : عدم درک درست از نیازهای فرهنگی شهروندان توسط مدیریت شهری
۰/۰۶۴	۲	۰/۰۳۲	۷۵	W ₁₂ : عدم تمایل مدیریت شهری در گرفتن نقش‌های جدید از جمله تبدیل از یک نهاد صرفاً خدماتی به یک نهاد خدماتی-اجتماعی
۲/۲۲۹	-	-	۲۳۵۶	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۷

جدول شماره ۲: ماتریس عوامل فرهنگی خارجی مؤثر بر توسعه شهر قزوین

عوامل خارجی (EFE): فرصت‌ها (O) و تهدیدها (T)	نمره وزنی	نمره (وزن)	رتبه	امتیاز وزنی
O ₁ : ویژگی‌های انسانی (فرهنگی - اجتماعی) منحصر به فرد در شهر قزوین نسبت به شهرهای همجوار	۴۲	۰/۰۱۸	۲	۰/۰۳۶
O ₂ : سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و توجه به ابعاد فرهنگی	۱۱۴	۰/۰۴۹	۳	۰/۱۴۶
O ₃ : اسناد فرادستی و آمایشی استان قزوین و توجه به مباحث فرهنگی	۱۰۷	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۹۱
O ₄ : نزدیکی به پایتخت (تهران)	۱۰۸	۰/۰۴۶	۴	۰/۱۸۴
O ₅ : توانایی تبدیل شدن به قطب گردشگری فرهنگی	۱۱۵	۰/۰۴۹	۳	۰/۱۴۷
O ₆ : دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	۱۰۹	۰/۰۴۶	۴	۰/۱۸۶
O ₇ : قرارگیری در مسیر ارتباطی مناطق غرب ایران به پایتخت	۸۵	۰/۰۳۶	۳	۰/۱۰۹
O ₈ : پتانسیل فراوان در زمینه گردشگری شهری به ویژه توریسم فرهنگی	۱۴۱	۰/۰۶۰	۳	۰/۱۸۰
O ₉ : قابلیت بالا در جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ملی، در زمینه توسعه شهری در بخش‌های فرهنگی	۱۱۹	۰/۰۵۱	۳	۰/۱۵۲
T ₁ : عدم یکپارچگی مدیریت شهری در حوزه فرهنگی	۱۴۰	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰
T ₂ : وجود قوانین سخت و دست‌وپاگیر در زمینه توسعه فرهنگ شهری	۱۴۵	۰/۰۶۲	۱	۰/۰۶۲
T ₃ : عدم انگیزه و تمایل در بخش خصوصی در زمینه مشارکت در بخش‌های فرهنگی توسعه شهری قزوین	۱۳۵	۰/۰۵۷	۱	۰/۰۵۷
T ₄ : جهانی شدن و تضعیف فرهنگ‌ها	۹۵	۰/۰۴۰	۲	۰/۰۸۱
T ₅ : عدم برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی با ماهیت فرهنگی	۱۰۱	۰/۰۴۳	۳	۰/۱۲۹
T ₆ : عدم تمایل زنان به مشارکت در بخش‌های فرهنگی توسعه شهری	۱۱۶	۰/۰۴۹	۳	۰/۱۴۸
T ₇ : کمبود بودجه بخش‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی شهر قزوین	۱۳۲	۰/۰۵۶	۱	۰/۰۵۶
T ₈ : تنوع قومی در شهر قزوین با نیازها و سلاقی متفاوت	۱۲۵	۰/۰۵۳	۲	۰/۱۰۶
T ₉ : عدم نظارت بر روند اجرایی شدن بخش‌های فرهنگی اسناد فرادست شهری قزوین	۹۷	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱
T ₁₀ : روند برنامه‌ریزی فرهنگی از بالا به پایین	۷۴	۰/۰۳۲	۲	۰/۰۶۳
T ₁₁ : مهاجرت و تأثیرات فرهنگی آن بر شهروندان قزوین	۱۰۵	۰/۰۴۵	۳	۰/۱۳۴
T ₁₂ : توجه ضعیف به بخش‌های گردشگری فرهنگی	۱۴۴	۰/۰۶۱	۲	۰/۱۲۳
جمع	۲۳۴۹	-	-	۲/۲۹۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۷

در جدول ۲ نیز که به تحلیل عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) فرهنگی توسعه شهر قزوین پرداخته شده است، عوامل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی با امتیاز وزنی (۰/۱۸۶)، نزدیکی به پایتخت تهران با امتیاز وزنی (۰/۱۸۴) و پتانسیل فراوان در زمینه گردشگری شهری و به ویژه توریسم فرهنگی با امتیاز وزنی (۰/۱۸۰) به ترتیب به عنوان مهم‌ترین فرصت‌ها و عوامل؛ عدم تمایل زنان به مشارکت در بخش‌های فرهنگی توسعه شهر قزوین با امتیاز وزنی (۰/۱۴۸)، مهاجرت و تأثیرات فرهنگی آن بر شهروندان شهر قزوین با امتیاز وزنی (۰/۱۳۴) و عدم برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی با ماهیت فرهنگی با امتیاز وزنی (۰/۱۲۹) به ترتیب به عنوان مهم‌ترین تهدیدهای فرهنگی فراروی توسعه شهر قزوین بیان شده‌اند.

تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS)

در این مرحله، با استفاده از جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی و ترکیب آنها، مهم‌ترین عوامل استراتژیک ارائه می‌گردد. در واقع، با تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک، برنامه‌ریزانی که تصمیم‌های استراتژیک را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را به تعداد کمتری از عوامل، محدود نمایند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۹). خلاصه مهم‌ترین عوامل استراتژیک فرهنگی مؤثر بر توسعه شهر قزوین در جدول ۳ ارائه گردیده است.

تدوین راهبردها

در این مرحله با تداخل عوامل داخلی و خارجی بر یکدیگر، به تدوین راهبردهای مختلف رقابتی/تهاجمی (SO)، تنوع (ST)، بازنگری (WO) و تدافعی (WT) می‌پردازیم (جدول ۴).

ماتریس ارزیابی نهایی عوامل داخلی و خارجی فرهنگی مؤثر بر توسعه شهر قزوین (IE)

ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی، بخش‌های مختلف سیستم را به صورت نمودار در ۹ قسمت جداگانه قرار می‌دهد. بررسی‌های قبل و بعد از تهیه ماتریس چنین امکاناتی را به وجود می‌آورد که تأثیرات مورد انتظار تصمیم‌های استراتژیک بر سیستم پیش‌بینی گردد. ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی بر اساس استقرار داده‌ها در دو بعد اصلی شکل می‌گیرد: الف) جمع امتیاز نهایی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی که روی محور Xها نشان داده می‌شود؛

ب) جمع امتیاز نهایی ماتریس ارزیابی عوامل خارجی که روی محور Yها نوشته می‌شود (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۱). در پژوهش حاضر، جمع امتیاز نهایی ارزیابی عوامل فرهنگی داخلی توسعه شهر قزوین (۲/۲۲۹)، روی محور Xها و جمع امتیاز نهایی ارزیابی عوامل فرهنگی داخلی توسعه شهر قزوین (۲/۲۹۰)، روی محور Yها نشان داده شده که نقطه تلاقی آنها مشخص‌کننده نوع راهبرد است (شکل ۳).

جدول شماره ۳: خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS) عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه شهر قزوین

برنامه ریزی			امتیاز وزنی	رتبه	ضریب تأثیر (وزن)	ضریب اولی	خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS)
تسهیل	ماندگاری	کوتاه مدت					
*	*		۰/۲۳۴	۴	۰/۰۵۹	۱۳۸	S ₈ : وجود اماکن مذهبی (مساجد، حسینیه‌ها و امامزاده‌ها) با کارکردهای فرهنگی در شهر قزوین
*	*		۰/۱۸۷	۴	۰/۰۴۷	۱۱۰	S ₅ : پیشینه تاریخی و فرهنگی شهر قزوین
*	*	*	۰/۱۷۸	۳	۰/۰۵۹	۱۴۰	S ₁₀ : احساس امنیت فرهنگی بالا در شهر قزوین
	*		۰/۱۲۱	۲	۰/۰۶۱	۱۴۳	W ₁₁ : عدم درک درست از نیازهای فرهنگی شهروندان توسط مدیریت شهری
	*	*	۰/۱۰۴	۲	۰/۰۵۲	۱۲۲	W ₄ : عدم مشارکت دادن شهروندان در طرح‌های فرهنگی توسعه شهری
*	*	*	۰/۰۹۵	۲	۰/۰۴۸	۱۱۲	W ₂ : تخصیص حداقل بودجه برای کارکردهای فرهنگی
*			۰/۱۸۶	۴	۰/۰۴۶	۱۰۹	O ₆ : دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
*			۰/۱۸۴	۴	۰/۰۴۶	۱۰۸	O ₄ : نزدیکی به پایتخت (تهران)
*	*		۰/۱۸۰	۳	۰/۰۶۰	۱۴۱	O ₈ : پتانسیل فراوان در زمینه گردشگری شهری به ویژه توریسم فرهنگی
*	*	*	۰/۱۴۸	۳	۰/۰۴۹	۱۱۶	T ₆ : عدم تمایل زنان به مشارکت در بخش‌های فرهنگی توسعه شهری
*	*		۰/۱۳۴	۳	۰/۰۴۵	۱۰۵	T ₁₁ : مهاجرت و تأثیرات فرهنگی آن بر شهروندان قزوین
*	*	*	۰/۱۲۹	۳	۰/۰۴۳	۱۰۱	T ₅ : عدم برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی با ماهیت فرهنگی

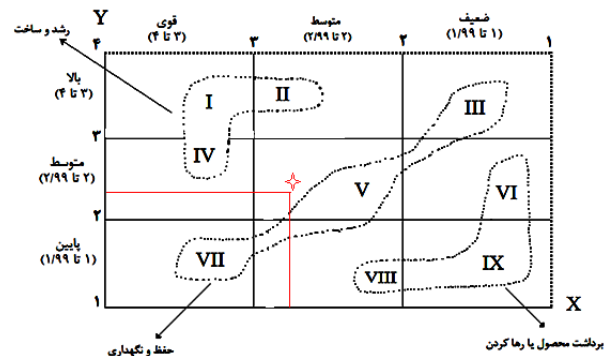
مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۷

که با توجه به این شرایط، مهم‌ترین راهبردهایی که برای توسعه فرهنگی شهر قزوین ارائه می‌گردد: در اولویت اول، راهبردهای تدافعی است که شامل راهبردهایی از قبیل ارتقای سرمایه اجتماعی شهروندان از جمله آگاهی، اعتماد و مشارکت آنان در توسعه طرح‌های فرهنگی است. اولویت دوم، راهبردهای تنوع است که شامل توسعه و ایجاد نهادهای مردم‌نهاد در خصوص توسعه فرهنگی شهر قزوین، توسعه مراکز فرهنگی از قبیل مساجد و بازنگری کلی در قوانین مربوط به توسعه فرهنگی شهر قزوین است. اولویت سوم، راهبردهای بازنگری است که مهم‌ترین آنها توسعه مراکز فرهنگی همراه با جذب مشارکت بخش خصوصی است. در نهایت اولویت چهارم، راهبردهای رقابتی شامل توسعه گردشگری فرهنگی، حرکت به سمت تبدیل شدن به قطب فرهنگی کشور ایران و همچنین قطب دانشگاهی است.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های بحری مقدم و یوسفی فر (۱۳۹۲)، لطفی (۱۳۹۰) و همچنین عباس‌زاده (۱۳۸۹) و Kagan et al (۲۰۱۷)، Park (۲۰۱۶) در یک راستاست، چراکه در این پژوهش‌ها نیز نقش فرهنگ به عنوان یک عامل جهت‌دهنده به توسعه شهر تأیید و بر در نظر گرفتن عوامل فرهنگی در طرح‌های توسعه شهری، تأکید شده است.

دستیابی به راهبردهای ارائه شده توسعه فرهنگی شهر قزوین مستلزم اقداماتی است از قبیل:

- فراهم نمودن زمینه جذب نیروهای متخصص دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های مرتبط با مدیریت شهری و حتی‌المقدور بومی و آگاه به مسائل فرهنگی شهر قزوین؛



شکل ۳. ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی توسعه فرهنگی شهر قزوین

همان‌طور که در شکل ۳ مشخص است، نقطه تلاقی جمع امتیازهای نهایی عوامل داخلی و خارجی، در خانه ۷ قرار گرفته است؛ بنابراین باید راهبردهای تدافعی را به اجرا درآورد که موجب «حفظ و نگهداری» شوند (پیشین: ۸۲)؛ بدین صورت که باید راهبردهایی را لحاظ کرد که نقاط ضعف عوامل فرهنگی توسعه شهر قزوین را به حداقل ممکن رسانده و همچنین از شدت تهدیدهای فرهنگی توسعه شهر قزوین بکاهد.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی‌های کتابخانه‌ای - اسنادی و میدانی این پژوهش بیانگر آن است که ویژگی‌های طبیعی - انسانی شهر قزوین شرایط مناسبی را به لحاظ توسعه فرهنگی شهر قزوین فراهم آورده و مدیران شهری قزوین را با ۲۲ عامل داخلی، ۱۰ عامل قوت ۱۲ عامل ضعف با امتیاز وزنی (۲/۲۲۹) و همچنین ۲۱ عامل خارجی، ۹ فرصت و ۱۲ تهدید با امتیاز وزنی (۲/۲۹۰)، رویه‌رو ساخته است

جدول شماره ۴: ماتریس راهبردها و راهکارهای فرهنگی توسعه شهر قزوین

نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)	تحلیل داخلی SWOT داخلی
<p>راهبردهای بازنگری (WO)</p> <p>WO₁: جایگزینی پرسنل قدیمی با سطح تحصیلات پایین با نیروی تحصیل کرده جدید در رشته‌های مرتبط با مدیریت شهری و اشراف بر فرهنگ بومی شهر قزوین</p> <p>W: (۱-۳-۴-۵-۷-۱۰-۱۱)</p> <p>O: (۳-۵-۶-۷-۹)</p> <p>WO₂: انجام پژوهش‌های میدانی به منظور شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای ضروری شهروندان به منظور تخصیص منطقی اعتبارات در راستای توسعه فرهنگی شهر قزوین</p> <p>W: (۲-۳-۴-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲)</p> <p>O: (۳-۵-۶-۷-۸)</p> <p>WO₃: توسعه مراکز فرهنگی شهر قزوین با مشارکت بخش خصوصی</p> <p>W: (۱-۳-۵-۷-۱۱)</p> <p>O: (۱-۵-۷-۹)</p>	<p>راهبردهای رقابتی/تهاجمی (SO)</p> <p>SO₁: تدوین و اجرای طرح‌های فرهنگی توسعه شهر قزوین (پیوست فرهنگی در تمامی طرح‌ها)</p> <p>S: (۱-۲-۳-۴-۵-۸-۹) / O: (۱-۲-۳-۶)</p> <p>SO₂: توسعه گردشگری فرهنگی</p> <p>O: (۱-۲-۴-۷-۸-۹)</p> <p>S: (۱-۲-۴-۵-۸-۹-۱۰)</p> <p>SO₃: تبدیل شدن به قطب فرهنگی کشور</p> <p>S: (۱-۲-۳-۴-۵-۸-۹-۱۰) / O: (۱-۲-۳-۴-۵-۸-۹-۱۰)</p> <p>SO₃: تبدیل شدن به شهر دانشگاهی در سطح ملی</p> <p>O: (۱-۲-۳-۶)</p> <p>S: (۴-۶)</p>	<p>فرصت‌ها (O)</p> <p>O₁: ویژگی‌های انسانی (فرهنگی- اجتماعی) منحصر به فرد در شهر قزوین نسبت به شهرهای همجوار</p> <p>O₂: سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و توجه به ابعاد فرهنگی</p> <p>O₃: اسناد فرادستی و آمایشی استان قزوین و توجه به مباحث فرهنگی</p> <p>O₄: نزدیکی به پایتخت (تهران)</p> <p>O₅: توانایی تبدیل شدن به قطب گردشگری فرهنگی</p> <p>O₆: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)</p> <p>O₇: قرارگیری در مسیر ارتباطی مناطق غرب ایران به پایتخت</p> <p>O₈: پتانسیل فراوان در زمینه گردشگری شهری به‌ویژه توریسم فرهنگی</p> <p>O₉: قابلیت بالا در جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ملی، در زمینه توسعه شهری در بخش‌های فرهنگی</p>
<p>راهبردهای تدافعی (WT)</p> <p>WT₁: ارتقای سطح آگاهی شهروندان در خصوص توسعه فرهنگی</p> <p>W: (۱-۲-۳-۴-۶-۹-۱۰)</p> <p>T: (۱-۲-۳-۶-۷-۸)</p> <p>WT₂: ارتقای سرمایه اجتماعی شهروندان (اعتماد) در زمینه توسعه فرهنگی شهر قزوین</p> <p>W: (۱-۲-۴-۵-۶-۷-۸) / T: (۱-۲-۳-۴-۷-۹-۱۰)</p> <p>WT₃: جذب مشارکت شهروندان و بخش خصوصی در خصوص توسعه فرهنگ شهر قزوین</p> <p>W: (۴-۷-۱۰-۱۱) / T: (۲-۳-۶-۸-۹-۱۳)</p> <p>WT₄: تقویت زیرساخت‌های فرهنگی شهر قزوین</p> <p>W: (۹-۱۱) / T: (۱-۲-۴-۵-۱۲)</p> <p>*****</p> <p>WT₅: ایجاد شوراییاریهای محلی در سطح شهر قزوین</p> <p>W: (۱-۲-۴-۵-۶-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲)</p> <p>T: (۱-۲-۳-۶-۸-۹)</p>	<p>راهبردهای تنوع (ST)</p> <p>ST₁: ایجاد نهادهای مردمی (NGOS) در خصوص توسعه فرهنگی شهر قزوین</p> <p>S: (۱-۲-۴-۵) / T: (۳-۵-۶-۷)</p> <p>ST₂: توسعه فرهنگی شهروندان قزوینی از طریق توسعه مراکز فرهنگی (مساجد و ...)</p> <p>S: (۴-۵-۷-۸-۹)</p> <p>T: (۱-۳-۴-۶-۷)</p> <p>ST₃: بازنگری در قوانین توسعه شهر قزوین</p> <p>S: (۳-۶)</p> <p>T: (۱-۲-۴-۷)</p>	<p>تهدیدها (T)</p> <p>T₁: عدم یکپارچگی مدیریت شهری در حوزه فرهنگی</p> <p>T₂: وجود قوانین سخت و دست‌وپاگیر در زمینه توسعه فرهنگ شهری</p> <p>T₃: عدم انگیزه و تمایل در بخش خصوصی در زمینه مشارکت در بخش‌های فرهنگی توسعه شهری قزوین</p> <p>T₄: جهانی شدن و تضعیف فرهنگ‌ها</p> <p>T₅: عدم برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی با ماهیت فرهنگی</p> <p>T₆: عدم تمایل زنان به مشارکت در بخش‌های فرهنگی توسعه شهری</p> <p>T₇: کمبود بودجه بخش‌های توسعه فرهنگی- اجتماعی شهر قزوین</p> <p>T₈: تنوع قومی در شهر قزوین با نیازها و سلیقه متفاوت</p> <p>T₉: عدم نظارت بر روند اجرایی شدن بخش‌های فرهنگی اسناد فرادست شهری قزوین</p> <p>T₁₀: روند برنامه‌ریزی فرهنگی از بالا به پایین</p> <p>T₁₁: مهاجرت و تأثیرات فرهنگی آن بر شهروندان قزوین</p> <p>T₁₂: توجه ضعیف به بخش‌های گردشگری فرهنگی</p>

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۷

۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۶) «قدرت و بسط فرهنگی در شبه قاره هند»، فصلنامه دانشور، سال پنجم، شماره ۱۷، انتشارات دانشگاه شاهد.
۹. زنده دل، حسن (۱۳۷۷)، راهنمای جامع ایرانگردی استان قزوین، نشر ایران گردان، قزوین.
۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۸۵) اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، جلد دوم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
۱۱. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، انتشارات ققنوس، تهران.
۱۲. عباس زاده، مهدی (۱۳۸۹)، تحولات کارکردهای فرهنگی فضاهای شهری در تهران، رساله دوره دکتری، به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۱۳. فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی شهری، نی، تهران.
۱۴. لطفی، سهند (۱۳۹۰)، «بازآفرینی شهری فرهنگ مینا، تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، صص ۴۷-۶۰.

15. Jackson, R.A., (2007), Aristotle on What It Means To Be Happy, Richmond Journal of Philosophy 16. pp 1-8.
16. Kagan, S.(201,7) Culture in sustainable urban development: Practices and policies for spaces of possibility and institutional innovations, City, Culture and Society, Available online 13 October 2017.
17. Macionis, J.J., and V. N.Parrillo(2001) , Cites and Urban Life, prentice Hall, New York.
18. Norton, W. (2000), Cultural Geography: Themes, Concepts, Analyses, Oxford University Press.
19. Park, S.H.(2016), Urban cultural strategies in East Asia, Cities, <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2016.02.009>.

- برقراری توازن میان نیازهای فرهنگی شهروندان، کارکردهای فرهنگی و عملکرد فرهنگی؛
- انتخاب شهردار متخصص با تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های مرتبط با مدیریت شهری، حتماً بومی و آشنا به مسائل و مشکلات شهر قزوین و دارای تجربه در پست‌های اجرایی؛
- یکپارچگی مدیریت شهری، به‌ویژه در مباحث مربوط به فرهنگ شهری از جمله همکاری بین ارشاد اسلامی و سایر نهادهای فرهنگی؛
- فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت شهروندان در تمامی طرح‌های توسعه شهری، به‌ویژه طرح‌های فرهنگی و مبلمان شهری قزوین در راستای عملی نمودن برنامه‌ریزی از پایین به بالا؛
- تقسیم‌بندی منطقی بودجه مدیریت شهری از طریق اولویت‌بندی نیازهای شهروندان در بخش‌های کالبدی-عمرانی، اجتماعی-فرهنگی و مالی-اقتصادی؛
- برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های تخصصی آشنایی با فرهنگ و توسعه فرهنگی برای شهروندان و مدیران شهری؛
- در نظر گرفتن پیوست فرهنگی برای تمامی طرح‌های شهری قزوین متناسب با فرهنگ بومی شهر قزوین.

فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۹)، آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی و عبداللہ آفاسی‌زاده (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل مؤثر بر گسترش گردشگری در ناحیه ساحلی چابهار با استفاده از مدل راهبردی SWOT»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره اول.
۳. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ شمس‌الله کاظمی‌زاد و محمد اسکندری ثانی (۱۳۹۰)، «برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه گردشگری، با تأکید بر گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: شهر قم)»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۶، صص ۱۱۵-۱۴۱.
۴. بحری مقدم، عباس و شهرام یوسفی‌فر (۱۳۹۲)، «عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری محله در شهر ایرانی-اسلامی و کارکردهای آن»، نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۱۰۱-۱۱۶.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۹) نظریه‌های فرهنگی در قرن بیستم، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، تهران.
۶. پورااحمد، احمد؛ علی حسینی؛ حسن اروجی و محمدعلیزاده (۱۳۹۲)، «اولویت‌سنجش راهبردهای توسعه گردشگری فرهنگی در منطقه الموت قزوین»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۵، شماره ۳، صص ۱۷-۱.
۷. پورااحمد، احمد؛ کرامت‌الله زبیری؛ مهدی قرخلو و مهدی وفایی‌فرد (۱۳۹۵)، «ارائه الگوی نوسازی بافت تاریخی بیرجند با رویکرد ایرانی-اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۴۳-۵۶.

Analysis of the role of cultural factors on the development strategies of Qazvin city

Ahmad Pourahmad*

Professor, Department of Geography, Tehran University, Tehran, Iran.

* apoura@ut.ac.ir

Esmail Aliakbari

Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Seyed Mehdi Moosa kazemi

Associate Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Reza Rahmani

PhD Student in geography and urban planning, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Abstract:

Culture and cultural functions are among the factors influencing the development and evolution of urban spaces, so that without knowing the culture of individuals, the study of how and why urban development will be meaningless. The city of Qazvin is considered as a model of Islamic city with urban planning in Isfahan. Therefore, the present study is aimed at identifying and analyzing the strengths and weaknesses, opportunities and cultural threats affecting the development of Qazvin city. The purpose of this research is applied and its research method is descriptive-analytical. For collecting data and information, documents and library studies and field studies are used and, finally, analysis of findings are based on SWOT analysis of strategic factors. The statistical population of the study consists of all employees and experts of Municipality and City Council of Qazvin which by Using a snowball sampling method, 30 experts have been selected. The results of this research indicate that cultural factors of Qazvin city with 12 factors as weaknesses, as well as 10 strength factors, while 12 factors as threats and 9 factors of opportunity, are not in desirable condition and with regard to the final score of evaluation of The internal cultural factors of Qazvin city development are given: 229/2, and the final score of the evaluation of foreign cultural factors in the city of Qazvin is 290.3. Thus, defense strategies such as promotion of social capital of citizens such as awareness, trust and their participation in the development of the culture plans must be put in the top priority of planning.

Keywords: culture, cultural functions, urban development, Qazvin.

Explanation of the Transcendent Theosophy Aesthetic Components in the Iranian Bazaar

Case Study: Sharifie Sara, Hamedan bazaar

Ali Reza Sadeghi *

Assistant Professor, Department of Urban Planning & Design, Faculty of Art and Architecture,
Shiraz University, Shiraz, Iran

* arsadeghi@shirazu.ac.ir

Masoud Dadgar

Faculty Member of the Department of Architecture and Urban Landscape, Institute for Culture, Art & Architecture Studies,
ACECR, Tehran, Iran

Sahar Samavati

PhD Student of Urban Planning and Design, Department of Urban Planning & Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract:

Façade, portal of entrance of each building, have great importance, since it is junction to the city, and symbol of identity of each building. It is more important in mosques, which are the main buildings of the Iranian-Islamic city, because of its importance in attraction to the audience and transferring the concepts of Islam. Historically, the emergence of ornaments in mosques begins first with the altar and adjacent walls. It then passes through to other parts, eventually in the entrance, which show sight of mosque through the passage. A facade, which is edge of crossing the material world to reach the spiritual level, requires ornaments that connect this two different worlds. Such ornaments, which seem to have grater duty than other ornaments, are worth knowing and analyzing. This research is aimed at examining the form and content of these ornaments. Therefore, the entrance façade of all Shiraz registered historical mosques which have no unprincipled changes have been investigated. In 15 selected mosques, descriptive-analytic studies were performed by collecting data from library and field method. In the end, in addition to identifying various ornaments, such as brick, stone, tile, the location of their use in front of each mosque, motifs, lines and mentioned contents, were also examined. Finally, it was found that tile had highest and bricks had the minimum use among the other ornaments in the mosques of Shiraz. Despite the fact that it was used in the Safari era, stone ornaments were removed in the period after that, but since the Qajar period it has used again. Mogharnas, which is commonly used ornament since the Safavid era, has always been accompanied by inscriptions. The inscriptions in which most of the themes emphasized on prayers and its time.

Keywords: Iranian-Islamic Architecture and Urbanism, decoration, entrance, historical mosques, Shiraz.

The Role of Children's Safety and Security on their Presence in Urban Spaces (Case study: the Fatimi Neighborhood in the 6th District of Tehran)

Atiyeh Bahrapour

PhD Student in Urbanism, Islamic Azad University, South Tehran Branch

Ali Asghar Malek Afzali *

Faculty Member of Islamic Azad University, South Tehran Branch

* aamalekafzali@yahoo.com

Abstract:

Cities are not only places to live in, but also they should provide a ground for growth and excellence of their citizens. Thus children as the most vulnerable citizens need more attention. In Islam, many orders and recommendations have been made in this area. Also, Governments and organizations are always looking for strategies to maintain children's rights but the question was proposed that: what are the most important criteria of suitable urban space for children, as the rights of these citizens? Also what kind of these criteria has the greatest effect on active participation of children in urban areas? Therefore, first, a review of related literature for the child and efforts to protect children are provided, then with a brief look at the needs and rights of children in the city, we address the necessity of children's relationship with urban spaces. Then by examining the mentioned theories some criteria for suitable urban spaces for children will be determined and because of the importance of security and safety of children in the cities, they will be evaluated. In this study Fatemi neighbourhood in Tehran city was evaluated in order to confirm the research' theoretical foundations so in addition to extracting criteria for suitable urban spaces for children, the presence of children and its relation to security and safety will be explained. Using factor analysis conducted on data from the questionnaire, nine criteria of suitable urban spaces for children was extracted. The impact of these measures in the presence of children was specified through Pearson Correlation. Of these, security and safety has the most effect with regard to presence of children in urban spaces in these neighbourhoods($r=0.801$). That shows the importance of children's right in using urban spaces by them that providing them is not the responsibility of governments, it should also be considered as planners and urban designers' tasks.

Keywords: Child-friendly city's criteria , Safety and security of children, suitable urban space for children, Children's Rights to the City.

The effects of the transformation of the structure on landscape perception in the historical fabrics of the 12th region of Tehran

Hadi Soltanifard

Faculty Member of Hakim Sabzevari University

Iraj Ghasemi *

Assistant professor, Faculty Member of the Institute of Humanities and Social Studies, ACECR

* i.ghasemi44@gmail.com

Abstract:

This paper presents an approach that attention to the ways in which urban spatial configuration has a distinctive roll in urban landscape perception. Especially in historic urban fabric, configuration draws the ways and represents factors that have transformed urban space during time. In Iran, the physical-spatial transformations have brought about fundamental changes in the construction and configuration of cities. The present study was conducted to investigate the relationship between the city morphology and the citizens' perception of the urban landscape in district 12, Tehran, Iran. This paper based its main argument around the idea that exist significant relationship between the morphologic properties of the city and the citizens' perception of the urban landscape. The paper uses some objective methods of spatial analysis to demonstrate how the change of morphology effects on landscape perception.

As a configurationally analyses method space syntax approach was employed to evaluate the construction and configuration of the study area. The space syntax method was carried out based on the drawing of axial lines in the UCL Depthmap environment. Also, the survey method and Likert questionnaire were used to analyze the citizens' perception. Finally, the Pearson correlation analysis was used to evaluate the relationship among the variables. The results showed that the visual and perceptual of the urban landscape has a significant and direct relationship with integration of urban spaces. Also, with moving from edges to depth of urban space, intelligibility and perception of the urban landscape decrease dramatically within the study area. Thus modernization and renovation of the historical fabric has been unbreakable in the continuous reproduction of the landscape.

Keywords: landscape of historical fabrics, perception of historical landscape, urban morphology, 12th region of Tehran.

Study of Geographical and Environmental Components in the formation of the city of Meybod from pre-Islamic to Islamic era

Mohsen Mirjani Arjenan

PhD Student in archeology, Mohaghegh Ardebili University.

Reza Rezaloo*

Associate Professor, Archeology Department, Mohaghegh Ardebili University.

* reza_rezaloo@yahoo.com

Karim Hajizadeh Bastani

Assistant professor, Archaeology Department, Mohaghegh Ardebili University.

Mohsen Mirjani Arjenan

Assistant professor, Archaeology Department, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism.

Abstract:

From the earliest period of deployment, Yazd-Ardakan plain had any natural choices for suitable living area from the point of view of its locating geographic. The main reasons for this are the limited availability of biological resources such as permanent waters and climatic conditions in the plain due to its geographical location. The method of research in this article is organized in the form of field researches and documents in the form of related maps and diagrams. The most important goals of this paper are to present a settlement patterns based on climate, geography and ecology. The basic question of this research is based on this issue that formation of this city as one of the oldest settlements in Yazd-Ardakan plain was the result of interactions between man and his environment. In this paper, by using of archeological field studies and evaluating geographic and geomorphological components such as the diversity of water resources (ancient canals and technology of the Qanat), the slope and elevation of the earth and the geological facts of the Meybod plain showed that the formation of the Meybod has been possible in the area of plains with clay beds From prehistory till now. In the prehistoric period and before the introduction of canal technology, these settlements are formed seasonal and without permanent establishment beside the terraces of the villages of Barjin-Bideh. After familiarizing with Qanat technology, these settlements can be permanently maintained in the form of a modern city.

Keywords: Yazd-Ardakan plain, Clay terrace, Ancient waterways, Qanat, Settlement patterns.

Brick and Art of Brickwork since Ancient times to Now

Hossein Zomorshidi *

Professor, Shahid Rajaei Teacher Training University

Ali Sadeghi Habibabad

PhD Student in Architecture, Shahid Rajaei Teacher Training University

Abstract:

The talented architects of the brickwork art have created beautiful and eye-catching floral and geometrical patterns, some of which comprising now the profound legacy of architectural arts of the country. The excellent designs and patterns of brickwork and their techniques have left us a variety of valuable methods from the past that can create a very deep Iranian cultural dimension in the façade of modern buildings; an evolutionary work in promoting the rich culture of Iranian architecture. The aim of present paper is first, to elaborate the production of bricks and its types, and second, to discuss brick decorations and brick art in the Iranian Islamic architecture. In this study, a qualitative content analysis method is used. Therefore, by the study of library references and observations in different fields including materials science, art of decorations in the Islamic architecture, techniques in using traditional materials; and the empirical use of theoretical and practical field materials—in particular, following the teachings of the great past masters—data were collected and the aesthetic principles of the Iranian Islamic period in the field of brickwork were identified to introduce them to the audience and understand more about the physical and decorative principles of Islamic architecture. Therefore, an empirical and analytical study of brick decorations of Islamic architecture has been formulated as a collection of the basics, methods, and related arts of brickwork in Iran.

Research Questions:

- 1- How do executive decorations and methods in today constructivist building façade act?
- 2- How much do extensions of brickwork decorations and its outlet have desirability in today architecture?

Keywords: brick, brickwork, brick art, brickwork art.

Contents

Brick and Art of Brickwork since Ancient times to Now	5
Hossein Zomorshidi, Ali Sadeghi Habibabad	
Study of Geographical and Environmental Components in the formation of the city of Meybod from pre-Islamic to Islamic era	19
Mohsen Mirjani Arjenan, Reza Rezaloo, Karim hajizadeh bastani, Alireza Sardari Zarchi	
The effects of the transformation of the structure on landscape perception in the historical fabrics of the 11th region of Tehran	27
Hadi Soltanifard, Iraj Ghasemi	
The Role of Children's Safety and Security on their Presence in Urban Spaces; Case study: the Fatimi Neighborhood in the 11th District of Tehran	39
Atiyeh Bahrampour, Ali Asghar Malek Afzali	
Explanation of the Transcendent Theosophy Aesthetic Components in the Iranian Bazaar; Case Study: Sharifie Sara, Hamedan bazaar	51
Ali Reza Sadeghi, Masoud Dadgar, Sahar Samavati	
Analysis of the role of cultural factors on the development strategies of Qazvin city	65
Ahmad Pourahmad, Esmaeil Aliakbari, Seyed Mehdi Moosa Kazemi, Reza Rahmani	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



In The Name Of God

ACECR
Institute for
Culture, Art & Architecture Studies

Journal of Studies on
Iranian-Islamic City

Vol. 9, No. 33, Fall 2018

Publisher: Institute of Culture, Art & Architecture, Iraninan Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Ahmad PourAhmad

SBU Editor-in-Chief: Dr. Hossein Kalantari Khalil Abad

Farsi-Editor: Hosein Nourinia & Sepideh Seyyed Faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|------------------------------------|--|
| ● Dr. Mojtaba Ansari | Associate Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Planning, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Behnam Jalali | Assistant Prof. of Architecture, University of Science and Culture |
| ● Dr. Hosein Zomorshidi | Prof. of Civil Engineering, University of Shahid Rajaei |
| ● Dr. Karamat Allah Ziyari | Prof. of Human geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Hosein Kalantari Khalil Abad | Prof. of ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Associate Prof. of Urban Development and Prepration, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Ahmad Nouhegar | Prof. of physical Geography, University of Hormozgan |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Culture, Art & Architecture of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66970901,2

Fax: +98 (21) 66970903

<http://iic.icas.ir>

E-mail: iic@icas.ir

